

معاون اول رئیس‌جمهور :

نباید منویات خود را دیکته کنیم

معاون اول رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه راهبرد کشور که مقام معظم رهبری نیز تأیید کرده‌اند، بر این مبناست که با کسی به‌دنبال جنگ نیستیم و با گفت‌وگو، مشکلات قابل حل است، گفت: باید شرایط گفت‌وگو فراهم باشد و شعار «عزت، مصالحت و حکمت» چراغ راه سیاست خارجی کشور است، اما اگر کسی نگاهی نامربوط به ایران داشته باشد، برخورد سختی با او خواهیم کرد. محمدرضا عارف در جلسه شورای اقتصاد با اشاره به عهدشکنی‌های دشمنان، گفت: پیش از جنگ ۱۲ روزه بنا بود وزیر خارجه با جمع‌بندی روشن در مذاکرات حضور یابد که با تهاجم و رفتار خشن و غیرانسانی رژیم صهیونیستی روبه‌رو شدیم. البته انتظاری بیشتر از این نیز از رژیم جعلی نمی‌رود، اما از کشوری که مدعی عدالت، آزادی و حقوق بشر است، انتظار نمی‌رفت که خلاف عهد عمل کند...

سه شنبه

• ۲۴ تیر ۱۴۰۴
• ۱۹ محرم ۱۴۴۷
• ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۵

بهران حساب‌های اجاره‌ای در اقتصاد ایران را بررسی کرد

حفره تاریک شبکه بانکی

پولی غیررسمی کشور را تشکیل می‌دهند. با اینکه آمار دقیقی از تعداد حساب‌های اجاره‌ای وجود ندارد، برخی شواهد رسمی از پلیس فتا می‌تواند نشان‌دهنده گستره فاجعه باشد. پلیس فتا در گزارشی در آبان ۱۴۰۲ اعلام کرد «بیش از ۷۰ درصد تراکنش‌های مالی سایت‌های شرط‌بندی و قمار اینترنتی از طریق حساب‌های اجاره‌ای صورت می‌گیرد».

و انتقال غیرقانونی ارز شده‌اند. در گزارش مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد که وظایف مرتبط با مبارزه با پولشویی را بر عهده دارد، آمده است بخشی از گردش‌های مالی مشکوک در کشور، با حساب‌هایی انجام می‌شود که صاحبان آنها هیچ‌گونه ارتباطی با ماهیت و مبالغ تراکنش‌ها ندارند. این بدان معناست که حساب‌های اجاره‌ای در عمل بخشی از زیرساخت

در دل شبکه بانکی کشور، پدیده‌ای به‌شدت نگران‌کننده و پنهان در حال رشد است؛ حساب‌های بانکی که به نام یک فرد ثبت شده، اما در واقع به کنترل و بهره‌برداری اشخاص دیگر درآمده‌اند. این حساب‌ها که با عنوان «حساب‌های اجاره‌ای» شناخته می‌شوند، تبدیل به محلی برای فعالیت‌های مجرمانه‌ای چون پول‌شویی، قمار اینترنتی، فرار مالیاتی و نقل

در پی ابلاغ ممنوعیت صادرات حیوانات مطرح شد

ممنوعیت، ارزانی می‌آورد؟



یادداشت

فرصت بازسازی یا بهانه انتقام سیاسی؟

گفت‌وگوها

اروپا در جست‌وجوی اقتصاد و صنعت نوین

سراب توسعه گردوغبار واقعیت

گزارش‌های روز

زخم ناسور قاچاق بر تن تولید ملی

تامین مالی، غول مرحله آخر تجدیدپذیرها

تاثر از انرژی در سال‌های اخیر تبدیل به چالشی اساسی برای کشور شده و دولت‌های مستقر بسته به ظرفیت‌ها و امکانات موجود راه‌حل‌هایی را برای رفع این مشکل به کار گرفته‌اند؛ راه‌حل‌هایی از قطعی ساعتی و به‌عبارتی جیره‌بندی برق تا تعطیلی اجباری برخی مراکز تازه‌ترین آنها که اجبار سازمان‌های دولتی به تأمین بخشی از انرژی موردنیازشان با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر است. اما در میان این راهکارها شاید پذیرفته‌ترین آنها همان اجبار به تأمین بخشی از انرژی موردنیاز سازمان‌های دولتی با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر باشد؛ زیرا می‌توان این روش را مقدمه‌ای برای توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر در کشور دانست. اما آیا با سازکارهای حاکم می‌توان به تحقق اهداف این بخش امیدوار بود؟ این پرسشی است که عموم کارشناسان پاسخ مثبتی قاطعانه به آن نمی‌دهند، زیرا بر این باورند که گرچه دولت بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تأکید دارد، اما تأمین مالی این طرح‌های این بخش چالشی اساسی در مسیر تحقق اهداف آن ایجاد می‌کند.

شرایط فروش نقد و اقساط خودروی KMC X5 - نیمه دوم تیر ۱۴۰۴



کرمان موتور فروش نقد و اقساط کراس اوور محبوب خود، KMC X5 را با قیمت یک میلیارد و ۷۴۰ میلیون تومان آغاز کرد. فروش نقدی با سرویس‌های دوره‌ای رایگان در مدت گارانتی فروش اقساطی ۱۲ ماهه با پیش‌پرداخت یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان تاریخ اولین چک اقساط: ۲۰ دی ۱۴۰۴ موعّد تحویل: ۹۰ روز کاری رنگ‌ها: سفید، مشکی و خاکستری طوسی روشن متالیک تاریخ شروع ثبت‌نام: ۲۳ تیر ۱۴۰۴

آگهی مزایده شماره ۰۰-۰۰۵۲۷-SI



شرکت فولاد سیرجان ایرانیان

شرکت فولاد سیرجان ایرانیان در نظر دارد مقدار ۳۵۰ تن از شمش‌های فولادی طول کوتاه موجود در مجتمع احیاء مستقیم و فولادسازی بردسیر، کرمان، جاده بردسیر، کیلومتر ۷ جاده نکار را مطابق جدول زیر از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. لذا از تمامی متقاضیان محترم دعوت به عمل می‌آید به منظور خرید اسناد مزایده و بازدید، پس از واریز مبلغ ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به شماره شبا ۰۶۷۷۱-۰۱-۶۷۶۷-۸۶۰۰-۳۰۷-۰۵۷-۲۷ نزد بانک پاسارگاد شعبه میرزای شیرازی به نام شرکت فولاد سیرجان ایرانیان همراه با فیش واریز و معرفی‌نامه همه روزه به استثنای ایام تعطیل رسمی و جمعه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ لغایت ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ به دفتر شرکت فولاد سیرجان ایرانیان مراجعه نموده و پیشنهادهای خود را به صورت کتبی براساس اسناد مزایده حداکثر تا پایان وقت اداری ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ به دفتر این شرکت ارائه دهند. مقادیر ذکر شده به صورت تقریبی می‌باشد که امکان تغییر تا تئورانس ۱۰ درصد وجود خواهد داشت. برای شرکت در مزایده حتماً باید شرکت حقوقی باشد.

ردیف	نام کالا	مقدار تقریبی*	واحد
۱	شمش طول کوتاه SP۱۵۰*۱۵۰	۱۸۵	تن
۱	شمش طول کوتاه SP۱۵۰*۱۵۰	۱۶۵	تن

تلفن ضروری: ۰۳۴۳۱۲۵۵۰۰ داخلی ۵۷۱۸

دفتر کرمان: بلوار جمهوری اسلامی، خیابان هزارویکشب، کوچه ۱۷، انتهای کوچه سمت راست، ساختمان سیسکو، طبقه هفتم.

دفتر تهران: خیابان ولیعصر، بالاتر از پارک ساعی، خیابان ساعی دوم، پلاک ۶، برج الماس ساعی، طبقه ۵م.

امور بازرگانی شرکت فولاد سیرجان ایرانیان

نوبت دوم

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای



شرکت مولد برق نیروگاهی پویای کرمانشاه (سهامی خاص) در نظر دارد «اجرای پروژه احداث نیروگاه خورشیدی به ظرفیت ۱۰ مگاوات به همراه احداث خط انتقال ۲۰ کیلوولت» را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. لذا از متقاضیان واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید که در مهلت مقرر جهت دریافت اسناد مناقصه به دفتر شرکت به نشانی مندرج ذیل مراجعه نمایند.

شرایط مناقصه:

- نوع مناقصه: عمومی دو مرحله‌ای
- موضوع مناقصه: احداث نیروگاه خورشیدی ۱۰ مگاواتی به همراه خط انتقال برق ۲۰ کیلوولت
- مهلت دریافت اسناد مناقصه: از زمان انتشار آگهی تا ساعت ۱۷:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۶
- محل دریافت اسناد مناقصه و تحویل پاکت: تهران، میدان ولیک، خیابان ملاصدرا، خیابان عباس شیرازی، بین اتحاد و فلاخی، پلاک ۳۴، طبقه دوم، واحد ۲۰۲ - کدپستی: ۱۴۳۵۸۴۳۹۴۶ - تلفن: ۸۸۰۳۸۰۸۰-۸۸۰۶۰۰۰۰
- آخرین مهلت ارسال پیشنهادات فنی و مالی و پاکت مناقصه: ساعت ۱۷:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۶
- مدارک لازم جهت دریافت اسناد مناقصه: معرفی‌نامه از سوی شرکت متقاضی
- نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی
- محل اجرای پروژه: استان کرمانشاه، شهر کرمانشاه، شهرک صنعتی (اکرس)، جاده باغ فلک، پروژه نیروگاه خورشیدی پویای کرمانشاه
- هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- شرایط، مدارک مورد نیاز، نحوه ارزیابی کیفی و سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
- ارائه پیشنهاد به منزله پذیرش کامل مفاد اسناد مناقصه تلقی می‌گردد.
- شرکت مولد برق نیروگاهی پویای کرمانشاه در قبول یا رد هر یک از پیشنهادها مختار می‌باشد.

شرکت مولد برق نیروگاهی پویای کرمانشاه

«آگهی مناقصه عمومی انتخاب پیمانکار»

اجاره ماشین آلات صنعتی با ارائه جهت انجام کلیه امور محوله در داخل و خارج سایت سیرجان

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

(مناقصه شماره ۰۶-TC-۴۰۴)



شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین (سهامی عام) در نظر دارد پیمانکار واجد شرایط و صلاحیت به منظور «اجاره ماشین‌آلات صنعتی با ارائه جهت انجام کلیه امور محوله در داخل و خارج سایت (به غیر از محدوده پیت معدن)» این شرکت واقع در سایت سیرجان را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به‌همراه انجام فرآیند ارزیابی کیفی، شناسایی و انتخاب نماید. متقاضیان جهت شرکت در مناقصه می‌بایست نامه اعلام آمادگی و فیش واریزی را از طریق آدرس ایمیل ذیل به دبیرخانه کمیسیون معاملات ارسال نمایند.

مقاضیان واجد صلاحیت پس از دریافت پاکت‌های خالی مناقصه از دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در مجتمع سیرجان یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران، پیشنهادات خود را تا قبل از مهلت مقرر به آدرس تهران، بلوار آفریقا، بلوار آرش غربی، شماره ۱۲، طبقه یک تحویل دهند.

شرایط لازم مناقصه‌گران برای شرکت در مناقصه:

- پیمانکار باید دارای سابقه کار مشابه در زمینه حمل و نقل صنعتی باشد.
- پیمانکار باید دارای حداقل ۵۰ درصد ماشین‌آلات ملکی مورد نیاز باشد.
- پیمانکار باید دارای گواهی صلاحیت پیمانکاری و ایمنی باشد.
- ارائه معرفی‌نامه و تسلیم فیش واریزی به مبلغ ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۷۵-۰۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ نزد بانک سپه و یا حساب شماره ۵۰۷۷۹۵۵۷۲۱ نزد بانک ملت به نام شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین جهت شرکت در مناقصه عمومی انتخاب پیمانکار «اجاره ماشین‌آلات صنعتی با ارائه جهت انجام کلیه امور محوله در داخل و خارج سایت سیرجان شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین»
- مهلت تسلیم درخواست خرید اسناد: از روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۷ ساعت ۰۷:۳۰ تا روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ ساعت ۱۴:۰۰
- مقاضیان باید پاکت در بسته و مهر و امضا شده، حاوی مدارک کاغذی و CD (شامل کلیه مدارک اسکن شده) که نام و نشانی درخواست‌کننده و موضوع مناقصه به وضوح روی آن درج شده را حداکثر تا ساعت ۱۰:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ به دبیرخانه کمیسیون معاملات کارفرما تحویل داده و رسید دریافت کنند.
- کارفرما در انتخاب شرکت‌ها جهت دعوت به مناقصه و همچنین در رد یا قبول پیشنهاد پیمانکاران بر اساس صلاحیت خود کاملاً مختار بوده و لذا شرکت در مناقصه، حقی برای ایشان در خصوص تصمیمات کارفرما در بر نخواهد داشت.
- جهت اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن‌های ۰۳۴-۴۱۵۲۷۱۱۴ و ۰۳۴-۴۱۵۲۷۱۱۲ و آدرس‌های الکترونیکی (goharzamin.TC@gmail.com و goharzamin.TC@gmail.com) به صورت همزمان مکاتبه نمایند.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

تختی از مصوبات قیمت

پس از تقابل چندماهه خودروسازان با دولت و نهادهای ناظر، سرانجام نرخ محصولات دو خودروسازی بزرگ کشور با تایید وزارت صمت اعلام شد در حالی که همچنان این تقابل ادامه دارد با این تفاوت که این بار این اختلاف نظر میان وزارت صمت و شورای رقابت درباره نحوه تعیین نرخ خودرو و سرپیچی از فرآیند قانونی قیمت گذاری است.

از انتقاداتی را متوجه وزیر دانسته است، تا جایی که برخی خبرها از ارسال پرونده انحراف وزارت صمت از دستورالعمل خودرو به نهادهای نظارتی خبر داده است. در این میان شورای رقابت با انتقاد از نحوه اجرای دستورالعمل تنظیم بازار خودرو و تصمیم گیری اخیر پیرامون افزایش نرخ خودروهای سواری، در جلسه هفته گذشته اعلام کرد که انحراف های مکرر از چارچوب های مصوب، نه تنها منجر به نارضایتی مصرف کنندگان و تولیدکنندگان شده، بلکه دود غلیظ این تصمیمات در نهایت به چشم کل بدنه صنعت خودرو خواهد رفت.

نگاهی به اخبار و گزارشات نشان می دهد که اگرچه شورای رقابت، سقف افزایش نرخ تا ۲۵ درصد را در نیمه خرداد ماه پیشنهاد داده، اما این دستورالعمل هنگام ارسال به ستاد تنظیم بازار و وزارت صمت، با ملاحظات همراه شد و نهایتا افزایش ۱۵ درصدی مورد تایید وزارت صمت قرار گرفته است.

واکنش سازمان حمایت

به همین دلیل شورای رقابت در موضع گیری اخیر خود تاکید کرده که رعایت کامل فرآیندهای قانونی قیمت گذاری الزامی است. البته سازمان حمایت نیز در واکنش به این موضوع اعلام کرده است: «اگر در این روند تخلفی صورت گرفته و افزایش قیمت ها بر پایه ضوابط قانونی نبوده باشد، در صورتی که شورای رقابت شفاف و نه به صورت دوهپلو تخلفات را ارائه کند، آمادگی دارد موضوع را بررسی و پیگیری کند.»

پیش از این حسین فرهیدزاده، رئیس سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان، تاکید کرده بود که روند افزایش نرخ خودرو از مدت ها قبل و پیش از آغاز جنگ ۱۲ روزه آغاز شده و هیچ گونه تصمیم آتی یا تحت تأثیر تحولات اخیر نبوده است.

از اواخر خرداد ماه امسال، موضوع افزایش نرخ خودرو به یکی از موضوعات پیچیده و چالش برانگیز تبدیل شده است؛ اتفاقی که موجب بالاترکلیفی در بازار خودرو و نگرانی مصرف کنندگان شده و به نظر می رسد باید هر چه سریع تر با شفاف سازی و هماهنگی بیشتر میان نهادهای حل شود. به گزارش پرسین خودرو، در تقابل اخیر که بین وزارت صمت و شورای رقابت صورت گرفته، شورای رقابت مدعی است که وزارت صمت در فرآیند قیمت گذاری خودرو دخالت و از مصوبات این شورا تختی کرده، اقدامی که موجب ناکامی در اجرای مصوبه ۵۴۳ شده است.

ارجاع پرونده انحراف به نهاد ناظر

این اختلاف نظر از تصمیم ایران خودرو مبنی بر افزایش ۲۲.۵ درصدی بهای محصولات تولیدی خود در اواسط خردادماه آغاز شد، در واقع نخستین شرکتی که اقدام به اعمال افزایش نرخ کرد، ایران خودرو بود. در واقع مدیرعامل ایران خودرو در ۱۸ خرداد در نامه ای به سازمان بورس اوراق بهادار اعلام کرد که در صورت ادامه تأخیر وزارت صمت، معدن و تجارت در اعلام قیمت ها، ایران خودرو مطابق مصوبه شورای رقابت، خود نسبت به تعیین قیمت، تصویب در هیات مدیره و افشای آن اقدام می کند.

بر همین اساس، صحبت از رشد ۲۵ درصدی برخی محصولات و به صورت میانگین ۲۲.۵ درصدی محصولات ایران خودرو مطرح شد، اما این ارقام با مخالفت وزارت صمت مواجه شد با این حال این وزارتخانه در اوایل تیرماه و در جریان جنگ ۱۲ روزه با افزایش ۱۵ درصدی نرخ برای دو خودروسازی یعنی سایپا و پارس خودرو موافقت کرد و بدنبال آن قیمت های جدید این دو خودرو ساز اعلام شد.

شورای رقابت چه می گوید

اما حالا شورای رقابت عملکرد وزارت صمت را زیر ذره بین برده



توکلی همچنین تاکید کرد که اگر دستورالعمل قیمت گذاری به درستی اجرا می شد، هم مصرف کننده و هم تولیدکننده از شرایط رضایت داشتند، اما عملکرد ضعیف وزارت صمت باعث ایجاد خسارت های انباشته در صنعت خودرو شده است. و حالا این روزها و در جریان این تقابل و اختلافات رخ داده، بازار خودرو به یکی از بی ثبات ترین بخش ها بدل شده است؛ بازاری که نه تنها تحت تأثیر عوامل اقتصادی نظیر نرخ ارز و تورم قرار دارد، بلکه درگیر اختلاف نظرهای ساختاری میان نهادهای تصمیم گیر نیز هست. از یک سو، خودروسازان خواستار جریان هزینه های تولید هستند، و از سوی دیگر، نهادهای نظارتی بر ضرورت کنترل قیمت ها برای حفظ قدرت خرید مردم تأکید دارند.

در چنین شرایطی کارشناسان بر این باورند که اختلافات پیش آمده در روند قیمت گذاری منجر به پیامدهای منفی در بازار خودرو می شود. سردرد کمی خودروسازان، نارضایتی مصرف کنندگان و تضعیف جایگاه شورای رقابت بخشی از این پیامدها هستند.

به گفته وی، این افزایش نرخ پس از بررسی های کارشناسی و فنی دقیق، به وزارت صمت ارسال و با در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی، درصد افزایش به حدود ۱۵ درصد تعدیل شده؛ بنابراین تمامی مراحل به صورت قانونی و مطابق دستورالعمل ها انجام شده است.

مخالفت شورای رقابت با اجرای دستورالعمل قیمت گذاری خودرو

در مقابل این اظهارات، شورای رقابت به شدت با این افزایش قیمت ها مخالفت کرده، به طوری که در این ارتباط توکلی سخنگوی شورای رقابت، پس از انتقاد از نحوه اجرای دستورالعمل قیمت گذاری توسط وزارت صمت، اعلام کرد که این شورا بارها نسبت به ضعف های موجود در سیاست گذاری و قیمت گذاری خودرو هشدار داده است. وی افزایش نرخ خودرو در بحبوحه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه را اقدامی ناپخته و غیرمسئولانه دانسته و تاکید کرده است: «این تصمیمات تحت تأثیر فاکتورهای غیراقتصادی بوده و به بازار خودرو آسیب زده است.»

سخن پایانی

۲۵ درصدی نرخ کارخانه ای را پیشنهاد داده بود؛ اما وزارت صمت تنها با ۱۵ درصد از این رقم موافقت کرده بود به نظر می رسد خودروسازان بر این اساس پیگیر افزایش ۱۰ درصدی دیگر بر نرخ پایه خودروها هستند. به هر ترتیب کارشناسان پیش بینی می کنند در صورت ادامه اختلاف نظر میان نهادهای سیاست گذار، روند بالاترکلیفی در بازار تا روشن شدن سیاست گذاری های قیمت گذاری ادامه خواهد داشت، بنابراین بازگشت ثبات، منوط به شفاف سازی مسیر قیمت گذاری و تقویت هماهنگی میان بازیگران اصلی صنعت خودرو خواهد بود.

با این وجود ارزیابی بازار خودرو به دنبال آتش بس صورت گرفته و کاهش تنش های منطقه ای، حکایت از ورود این بازار به فاز جدیدی از انتظار و رکود دارد؛ شرایطی که حالا با ادامه اختلاف نظر میان وزارت صمت و شورای رقابت درباره نحوه تعیین نرخ خودرو، بر وضع موجود دامن زده است.

در این میان، برخی گزارش ها نیز از تلاش خودروسازان برای دریافت مجوز افزایش مجدد قیمت ها خبر می دهد در واقع از آنجاکه شورای رقابت، با استناد به دستورالعمل ۵۴۳ و بر مبنای تورم بخشی، پیش تر افزایش

اعلامیه پذیرهنویسی سهام

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام) ثبت شده به شمارهٔ ۲۹۲۶۶ و شناسهٔ ملی ۱۰۱۰۱۷۲۶۱۵۰

حساب شمارهٔ ۰۱۲۲۳۸۷۹۱.۲، ۲۷۶.۸۱۰۰ به نام شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)، نزد بانک پاسارگاد شعبهٔ ۷۶۶ علامه طباطبائی (۲۶) کلیهٔ اطلاعات و مدارک مربوط به شرکت شامل: اساسنامه، طرح اعلامیهٔ پذیرهنویسی و آخرین صورت های مالی به ادارهٔ ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران تسلیم شده است. همچنین گزارش توجیهی هیئت مدیره در خصوص افزایش سرمایه، گزارش بازرس قانونی و بیانیهٔ ثبت سهام در دست انتشار در سایت رسمی ناشران اوراق بهادار به آدرس **www.Codal.ir** در دسترس علاقه‌مندان می باشد.

۲۷ مشخصات سهامداران بالای ۱۰ درصد:

نام سهامدار	نوع شخصیت حقوقی	تعداد سهام	درصد مالکیت
شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات	سهامی عام	۳۳.۳۸۰.۲۸۸.۱۸۸	۸۴/۹۳

نحوهٔ عمل در صورت عدم تکمیل پذیرهنویسی سهام شرکت: شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات (سهامی عام) به عنوان متعهد پذیرهنویسی نسبت به خرید حق تقدم‌های استفاده نشده (سهام پذیرهنویسی نشده) حداکثر ظرف ۵ روز پایانی مهلت پذیرهنویسی، اقدام خواهد نمود.

نکات مهم:

- مسئولیت صحت و قابلیت اتکای اطلاعات اعلامیهٔ پذیرهنویسی بر عهدهٔ ناشر است.**
- ناشر، شرکت تأمین سرمایه، حسابرس، ارزش‌یابان و مشاوران حقوقی ناشر، مسئول جبران خسارت وارده به سرمایه‌گذارانی هستند که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به‌دلیل ارائهٔ اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضهٔ اولیه که ناشی از فعل یا ترک فعل آن‌ها باشد، متضرر گردیده‌اند.**
- ثبت اوراق بهادار نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، به‌منظور حصول اطمینان از رعایت مقررات قانونی و مصوبات سازمان بورس و اوراق بهادار و شفافیت اطلاعاتی بوده و به‌منزلهٔ تأیید مزایا، تضمین سودآوری و یا توصیه و سفارشی در مورد شرکت‌ها یا طرح‌های مرتبط با اوراق بهادار توسط سازمان نمی‌باشد.**
- پذیرهنویسان می‌توانند در صورت مشاهده هر گونه تخلف از موارد یادشده در این اعلامیه مراتب را کتبا به سازمان بورس و اوراق بهادار به آدرس زیر ارسال نمایند.**
- تهران – مطهری – تقاطع قائم مقام فرهانی – شماره ۳۴۸ – سازمان بورس و اوراق بهادار – ادارهٔ نظارت بر انتشار و ثبت اوراق بهادار سرمایه‌ای**

هیئت‌مدیرهٔ شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)

هر گونه مبلغ بازپرداخت نشدهٔ اوراق مشارکت است. **۱۹) مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده‌است:** مطابق با صورت‌های مالی حسابرسی شدهٔ سال مالی منتهی به ۳۰ اسفند ماه ۱۴۰۳، مجموع بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت شرکت به ترتیب برابر با ۴۶۰.۷۱.۹۹۳ میلیون ریال و ۹۲۵.۷۶۹ میلیون ریال می‌باشد. همچنین بر اساس یادداشت ۳۹ همراه صورت‌های مالی حسابرسی شدهٔ مزنبور بدهی‌های احتمالی به‌همراه مبلغ تضمین‌های اعطایی در خصوص بدهی‌های اشخاص ثالث برابر با ۱۶۸.۷۴.۷۶۸ میلیون ریال می‌باشد.

۲۰) مدت پذیرهنویسی: پذیرهنویسی از اول وقت اداری روز **شنبه** مورخ **۱۴۰۴/۰۴/۲۸** آغاز و تا پایان وقت اداری روز **شنبه** مورخ **۱۴۰۴/۰۵/۱۱** به‌مدت به مدت **۱۵** روز ادامه خواهد داشت. **تذکر:** چنانچه سقف سرمایه تعیین‌شده قبل از انقضای مهلت پذیرهنویسی تکمیل و وجوه مربوطه تأمین گردد، عملیات پذیرهنویسی متوقف خواهدشد.

۲۱) حداقل و حداکثر سهمی که هنگام پذیرهنویسی باید تعهد شود: حداقل ۱ سهم و حداکثر ۷۰۸.۱۸۰.۳۸۱ **۲۲) مشخصات متعهد پذیرهنویسی و میزان تعهدات آن:**

نام متعهد	حقوقی شخصیت	میزان تعهدات	موضوع فعالیت
سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات	سهامی عام	خریدکلیه حق‌تقدم‌های پذیرهنویسی‌نشده در انواع شرکت‌ها	مشارکت در تأمین منابع مالی و سرمایه‌گذاری در انواع شرکت‌ها

۲۳) روزنامهٔ کثیرالانتشار: روزنامهٔ کثیرالانتشاری که اطلاعاتی و آگهی‌های ناشر در آن منتشر می‌شود، روزنامهٔ صنعت، معدن و تجارت (صمت) می‌باشد. همچنین اعلامیهٔ مذکور در سامانه کدال (براساس مفاد ماده ۱۸ قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها) نیز منتشر می‌گردد.

۲۴) با توجه به ثبت شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام) نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، پذیرهنویسی سهام این شرکت تماماً از طریق شبکه کارگزاری انجام خواهد شد.

مقتضیان پذیرهنویسی می‌توانند در مهلت تعیین‌شده برای پذیرهنویسی نسبت به ارائه تقاضای سفارش خرید اقدام نمایند. ضمناً خریداران حق تقدم فوق، می‌بایست علاوه بر مبلغ پرداختی بابت حق تقدم، مبلغ اسمی هر سهم را نیز به کارگزار مربوطه بپردازند. **۲۵) مشخصات حساب بانکی ناشر:** مشخصات حساب بانکی ناشر: **مبالغ ارزش اسمی حق تقدم‌های دریافتی توسط کارگزار ناظر در پایان هر روز معاملاتی، پس از تسویه وجوه در اتاق پایاپای شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه، به حساب زیر واریز می‌گردد:**

ارائه مدرک وکالت (اعم از عادی یا رسمی) یا نمایندگی یا امضای صاحبان امضای مجاز شخص حقوقی، حضور به هم رسانند، هر سهامدار، برای هر یک سهم فقط یک رای خواهد داشت.

تبصره: در صورت نقل و انتقال سهام، سهامدار جدید یا ارائه یکی از مدارک زیر حق حضور در جلسه مجمع را خواهد داشت:

- * اعلامیه خرید سهام
- * گواهی نامه نقل و انتقال و سپرده سهام
- * اصل ورقه سهام
- * تاییدیه سهامداری صادر شده توسط سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه به صورت انفرادی و جمعی

۱۵) مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود، تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی بعد از تصفیه: تقسیم سود طبق ماده ۹۰ اصلاحی قانون تخصیص در هر سال شناسایی می‌گردد. به موجب مفاد مواد یاد شده تا رسیدن اندوخته قانونی هر شرکت به ۱۰ درصد سرمایه همان شرکت، انتقال یک بیستم از سود خالص هر سال به اندوخته فوق الذکر الزامی است. اندوخته قانونی قابل انتقال به سرمایه نیست و جز در هنگام انحلال شرکت، قابل تقسیم بین سهامداران نمی‌باشد.

طبق مفاد مواد ۱۴۰ و ۲۲۸ اصلاحیه قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ اندوخته قانونی از محل سود قابل تخصیص در هر سال شناسایی می‌گردد. به موجب مفاد مواد یاد شده تا رسیدن اندوخته قانونی هر شرکت به ۱۰ درصد سرمایه همان شرکت، انتقال یک بیستم از سود خالص هر سال به اندوخته فوق الذکر الزامی است. اندوخته قانونی قابل انتقال به سرمایه نیست و جز در هنگام انحلال شرکت، قابل تقسیم بین سهامداران نمی‌باشد.

نام پدیر	شماره شناسنامه	کد ملی	سمت به طور کامل
محمد	۱۰۰۲۵	۰۰۷۲۲۲۶۲۶۹	رئیس هیئت مدیره(غیر موظف)
هوشنگ	۵۶	۵۱۲۹۸۹۵۳۲۷	نایب رئیس هیئت‌مدیره(غیرموظف)
محمدتقی	۵۷۷۹	۱۲۱۸۷۸۹۴۲۵	عضو هیئت مدیره (موظف) امدیرعامل
حسن	۸۳۹	۰۳۲۲۰۱۲۹۴۵	عضو هیئت‌مدیره(موظف)
احمد	۸۶۲	۰۰۵۰۱۴۷۳۴۱	عضو هیئت‌مدیره(غیر موظف)

تقسیم دارایی پس از تصفیه طبق مفاد اساسنامه و با رعایت قوانین و مقررات مربوطه صورت خواهد پذیرفت. **۱۶) تعداد و امتیازات سهام ممتاز شرکت:** شرکت فاقد سهام ممتاز می‌باشد. **۱۷) مبلغ و تعداد اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهم:** شرکت فاقد هر گونه اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام است. **۱۸) مبلغ بازپرداخت نشدهٔ اوراق مشارکت:** شرکت فاقد

بخشی از منابع مورد نیاز جهت احداث واحد تولید کنسانتره سنگ آهن به ظرفیت دو و نیم میلیون تن در سال در استان کردستان (گلالی)، جبران مخارج انجام شده و تأمین منابع بابت حفاری های اکتشافی در معادن، جبران مخارج انجام شده و تأمین منابع بابت خرید سنگ شکن ژئوراتوری شهرک، احداث پروژه انتقال آب شهرک و نصب و راه اندازی سیستم اطفاء حریق شهرک) و جبران مخارج انجام شده بابت مشارکت در افزایش سرمایه شرکت های سرمایه پذیر و سرمایه گذاری های صورت گرفته.

۵) محل افزایش سرمایه: افزایش سرمایهٔ شرکت از محل و به تفکیک زیر انجام خواهدشد:

- ۶۰۰.۰۰۰.۰۰۰ میلیون ریال از محل سود انباشته
- ۲۴۰.۰۰۰.۰۰۰ میلیون ریال از محل مطالبات حال شده سهامداران و آورده نقدی
- ۶) مبلغ افزایش سرمایه:** ۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال،
- ۷) مبلغ سرمایه پس از افزایش:** ۶۹۳.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال،
- ۸) مدت شرکت:** نامحدود
- ۹) نوع سهام:** عادی با نام و شرکت فاقد سهام ممتاز است.
- ۱۰) ارزش اسمی هر سهم:** ۱.۰۰۰ ریال،
- ۱۱)مبلغ مشارکت شده توسط سهامداران شرکت:** ۲۳.۲۹۱.۸۱۹.۶۱۹.۰۰۰ ریال،
- ۱۲) تعداد سهام قابل عرضه به عموم:** ۷۰۸.۱۸۰.۳۸۱ سهم،
- ۱۳) مشخصات اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت:**

به‌اطلاع می‌رساند به‌استناد مصوبهٔ مجمع عمومی فوق‌العاده ۱۴۰۳/۱۲/۲۸ و مجوز شمارهٔ ۲۴۴-۱۱۰۲۲۸۸۱۱- مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۲ سازمان بورس و اوراق بهادار مقرر گردید سرمایهٔ شرکت از مبلغ ۳۹۳.۰۰۰.۰۰۰ میلیون ریال به‌مبلغ ۶۹۳.۰۰۰.۰۰۰ میلیون ریال، افزایش یابد. در مهلت تعیین‌شده جهت استفاده از حق تقدم خرید سهام، تعداد ۲۳.۲۹۱.۸۱۹.۶۱۹ سهم از سهام جدید توسط سهامداران شرکت پذیرهنویسی گردیده است. با عنایت به انقضای مهلت استفاده از حق تقدم مذکور و به منظور تحقق افزایش سرمایه، تعداد ۷۰۸.۱۸۰.۳۸۱ سهم ۱.۰۰۰ رالی استفاده نشدهٔ سهامداران برای پذیرهنویسی عمومی با عنایت به مجوز شمارهٔ ۱۷-۱۱۰۰۲۲۸۸۱۱- مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ سازمان بورس و اوراق بهادار به‌شرح زیر عرضه می‌گردد:

۱) موضوع فعالیت شرکت: موضوع شرکت عبارت است از : **الف) موضوع اصلی:**

اکتشافات، استخراج، بهره‌برداری از معادن سنگ‌آهن و تولید کنسانتره از آهن و تولید گندله تولید سنگ‌آهن (لاپ اور) تولید محصولات فولادی نصب و راه‌اندازی نگهداری تعمیرات بازرسی فنی سروسوس تجهیزات ماشین‌آلات مورد نیاز شرکت، خرید و تهیه انواع و اقسام ماشین‌آلات و تجهیزات و تأسیسات و مصالح مورد نیاز برای انجام موضوع فعالیت شرکت، انجام خدمات مهندسی، مشاوره آموزشی و فراهم نمودن دانش از داخل و یا خارج برای تحقق موضوع فعالیت شرکت، مشارکت و سرمایه‌گذاری با اشخاص حقیقی و حقوقی و بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری داخلی و خارجی در سایر شرکت‌ها و طرح‌های معدنی و صنعتی انعقاد قراردادهای پیمانکاری به منظور ارائه خدمات فنی و مهندسی، مبادرت به کلیه امور بازرگانی از قبیل خرید و فروش، صادرات و واردات و کلیه عملیاتی که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در جهت اجرای موضوع شرکت ضرورت داشته باشند.

ب) موضوع فرعی:

انتشار و فروش اوراق قرضه و اوراق مشارکت وفق قوانین و مقررات مربوطه مشارکت و سرمایه‌گذاری در ایجاد قوانین شرکت‌های جدید در داخل و خارج از کشور و هر نوع خرید و فروش سهام و اخذ تسهیلات مالی و خدماتی از بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی طبق قوانین و مقررات مربوطه انجام هر نوع عملیات و معاملاتی که جهت حصول به مقاصد شرکت ضروری باشد.

۲) مرکز اصلی و نشانی شعب شرکت و کدپستی: تهران سعادت‌آباد قبل از خروجی ای‌تالله هاشمی-رفسنجانی شرق کوچه حق طلب غربی (۲۶ غربی) پلاک ۴۹ می‌باشد. (شرکت فاقد شعب می‌باشد) کد پستی: ۱۹۹۷۹۶۹۱۳۸ **۳) سرمایهٔ فعلی شرکت:** ۳۹۳.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ میلیون ریال. **۴) موضوع افزایش سرمایه:** اجرای طرح توسعه (تأمین

«سلطان تعرفه‌های نامنظم»؛ این بار خودروهای برقی را هدف گرفت

تعرفه‌های رئیس‌جمهوری امریکا بر مس وارداتی به این کشور، احتمالا صنعت خودروهای برقی امریکا را به دردمسر بزرگی خواهد انداخت، زیرا در تولید این خودروها به مراتب مس بیشتری مورداستفاده قرار می‌گیرد. به گزارش ایرنا، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری امریکا با کنار گذاشتن موقت برنامه خود برای محروم کردن میلیون‌ها امریکایی از بیمه درمانی، روی تمام مس وارداتی به این کشور تعرفه ۵۰ درصدی وضع کرد. درحال‌حاضر مشخص نیست این تعرفه‌ها در صورت قطعی شدن، از چه زمانی وارد فاز اجرایی خواهند شد اما سی‌ان‌ان نوشته که واردات مس امریکا سال گذشته حدود ۱۷ میلیارد دلار و چین بزرگ‌ترین منبع آن بوده است.

با فرض اینکه «سلطان تعرفه‌های نامنظم» طبق برنامه‌اش پیش برود، این تعرفه‌ها احتمالا نرخ مس از جمله مس تولیدی در خاک امریکا را به‌طور گسترده افزایش خواهد داد و این بدان معناست که هر محصولی که در ساخت آن به‌نوعی از مس استفاده شود، گران‌تر خواهد شد.

بهای مس به لطف آشوب و هرج‌ومرج اقتصادی که جمهوری‌خواهان بی‌جهت ایجاد کرده‌اند، همین حالا و از ابتدای امسال تاکنون حدود ۳۸ درصدافزایش یافته و اطلاعاتیه ترامپ درباره تعرفه‌های جدید، به افزایش ۱۵ درصدی معاملات آتی مس منجر شده و بهای هر پوند (حدود نیم کیلوگرم) آن به رقم بی‌سابقه ۵.۶۸ دلار رسیده و این برای خریداران خودرو خبری بد است.

حتی اگر خودروها در امریکا تولید شده و مشمول تعرفه‌های وارداتی نشوند، همچنان برای ساخت آنها به مواد اولیه نیاز دارید و این یعنی هر قطعه مجزایی که در آن مس به کار برود، در آستانه افزایش نرخ قرار دارد. اما خودروسازان در صنعت مدرن چه میزان مس استفاده می‌کنند؟ کاشف به عمل آمده که این میزان بیشتر از آن چیزی است که فکر می‌کنید و این موضوع نه‌تنها درباره خودروهای برقی بلکه درباره خودروهای احتراق داخلی نیز صدق می‌کند.

به نوشته رویترز، طبق برآورد گروه مشاوره‌ای «سی‌آریو»، خودروهای بنزینی یا هیبریدی به‌طور متوسط به حدود ۲۴ کیلوگرم مس نیاز دارند و این رقم برای خودروهای کاملا برقی ۵۹ کیلوگرم است.

به نوشته تارنمای تخصصی اخبار و تحلیل خودرو موسوم به «جالوپینک»، در خودروهای برقی به‌طور قطع بیشتر از اتومبیل‌های بنزینی مس استفاده می‌شود. براساس تحقیقاتی که به سفارش انجمن بین‌المللی مس انجام شده و گروه «ه‌رایک» تهیه آن را برعهده گرفته است، یکی از عمده دلایلی که در خودروهای برقی مس بیشتری مصرف می‌شود، روتور موتور القایی است که در این خودروها یافت می‌شود. اینکه خودروسازها استفاده از «مواد خاکی کماب» در موتور خودروهای تولیدی خود را کاهش داده‌اند، اتفاق خوبی است اما این مسئله همچنان آنها را در برابر نوسانات قیمتی در بازار مس آسیب‌پذیر می‌کند. در خودروهای برقی علاوه بر عمده سیم‌کشی اتومبیل، در جعبه تقسیم و قویل باتری نیز از مس استفاده می‌شود. به‌طور کلی، هر خودروی برقی معمولی که وارد خط مونتاژ می‌شود، تقریبا حاوی ۱۵۰ تا ۲۰۰ پوند (حدود ۶۸ تا ۹۱ کیلوگرم) مس است. علاوه بر تمام مسی که در قطعات داخلی خودروهای برقی استفاده می‌شود، این فلز همچنین بخشی مهم در ساخت کابل شارژی است که افراد برای شارژ خودروی خود از آن بهره می‌برند و به این استفاده گسترده، جایگاه شارژ خودروهای برقی را نیز اضافه کنید. مس همچنین برای به‌روزرسانی سیستم الکتریکی مورد نیاز برای بهبود زیرساخت شارژ خودروها به ویژه در ترانسفورماتورها که تولید آنها در امریکا همچنان محدود است، مورداستفاده قرار می‌گیرد.

این تارنما با طعنه به جمهوری‌خواهان و سیاست‌های دولت ترامپ، اضافه کرد که با توجه به میزان نفرت جمهوری‌خواهان از خودروهای برقی، انرژی پاک و هر آنچه گازسوز یا زغالی است، باید تعجب‌کنید اگر طرح ترانسفورماتورها که تولید آنها در امریکا همچنان محدود است، مورداستفاده قرار می‌گیرد!

حتی اگر هرگز هیچ قصدی برای خرید خودروی برقی یا حتی هیبریدی نداشته باشید، تعرفه ۵۰ درصدی که مس را به‌طور فراگیر گران‌تر می‌کند، نرخ خودروهای بنزینی و گازسوز هم افزایش خواهد شد. به هر حال، حتی یک کامیون دیزلی با گشتاور کافی برای پدک کشیدن قطار، مملو از قطعات الکتریکی است و همه آنها قطعات باید به یکدیگر متصل باشند. مس هم بسیار رسانا و نسبتا مقاوم است؛ ویژگی‌ای که به استفاده گسترده آن در سیم‌پیچی برقی می‌شود.

در نتیجه، حتی بدون موتورهای برقی یا باتری‌های بزرگ، همچنان اتومبیل‌های سنتنی بنزینی و گازسوز به مقدار زیادی مس نیاز دارند. براساس گزارش انجمن بین‌المللی مس، از سیم‌کشی خودرو گرفته تا تمام قطعات دیگری که از مس بهره می‌برند، شما در هر خودرو غیربرقی، حدود ۵۰ پوند (حدود ۲۳ کیلوگرم) مس خواهید یافت. هرچند این مقدار به فرض اعمال تعرفه ۵۰ درصدی، به افزایش ده‌ها هزار دلاری خودرو منجر نخواهد شد، اما ۵۰ پوند هنوز هم ۵۰ پوند است!

علاوه بر این، همزمان با اینکه سایر مناطق و کشورهای جهان در فناوری‌های نوین سرمایه‌گذاری می‌کنند، بیش‌ازپیش شاهد افزایش تقاضای مس خواهیم بود. انجمن بین‌المللی مس برآورد می‌کند تا سال ۲۰۴۰ میلادی برای ساخت زیرساخت‌های شارژ خودروهای برقی در سراسر جهان، به ۹۷۸ هزار پوند (حدود ۴۴۴ کیلوگرم) مس اضافی نیاز خواهیم داشت. برای درک این رقم، به این نکته توجه کنید که در سال ۲۰۲۱ برای صنعت شارژ خودروهای برقی، تنها به ۴۳ هزار و ۳۰۰ تن مس نیاز داشتیم. بنابراین انتظار نداشته باشید نرخ مس در آینده کاهش پیدا کند حتی بدون تعرفه‌های ترامپ!



سه‌ع‌ر‌ص‌ه
صنعت،
اقتصاد و
ژئوپلتیک
به‌شدت
بر یکدیگر
تاثیرگذارند
و رهبران
سیاسی و
صنعتی تنها
با درک عمیق
این پیوندهای
ناگسستنی
می‌توانند در
صحنه پررقابت
جهانی،
برنامه‌ریزی
استراتژیک
موثری داشته
باشند



هم‌زمانی
فشارهای
مالی، کاهش
رقابت‌پذیری
صنعتی،
آسیب‌پذیری
انرژی، گذار
جمعیتی
وتحولات
ژئوپلتیکی،
شرایطی
بی‌سابقه را در
اروپا رقم‌زده
است

صنعت

پژوهشگر حوزه صنعت در گفت‌وگو با صنعت تاکید کرد

اروپا در جست‌وجوی اقتصاد و صنعت نوین

سه‌گانه صنعت، اقتصاد و ژئوپلتیک

نظم بین‌الملل معاصر در حال تجربه‌گذار عمیقی است که با فاصله‌گیری تدریجی اروپا از چارچوب حقوقی مبتنی بر قانون فعلی بین‌الملل و چرخش به‌سوی رویکردی معاملاتی و منفعت‌محور در روابط خارجی خود همراه شده است. تحولات اخیر، به‌ویژه لحن تقابلی‌تر قدرت‌های بزرگ اروپایی مانند آلمان، فرانسه و بریتانیا در قبال ایران، بازتاب‌دهنده تغییرات ساختاری عمیق‌تری در سیاست خارجی اروپاست. این تغییرات احتمالا ریشه در واقعیت‌های اقتصادی، رقابت‌های صنعتی و تحولات ژئوپلتیک اروپا دارند و روابط خارجی اتحادیه اروپا، به‌ویژه با کشورهای در حال توسعه را با چالش مواجه ساخته‌اند. تضعیف چندجانبه‌گرایی، بازگشت سیاست زورگویی علنی و تقدم منافع ملی بر هنجارهای حقوقی تثبیت‌شده، همگی نشانه‌های‌گذار به محیطی پر تنش و رقابتی در عرصه جهانی است. این نظم نوظهور، که با کاهش همکاری‌های نهادهای بین‌الملل و افزایش بی‌ثباتی همراه است، چالش‌ها و مخاطرات بی‌سابقه‌ای را برای حکمرانی جهانی ایجاد خواهد کرد. صنعت در این گزارش در گفت‌وگویی با علی میرزایی‌سیسان، پژوهشگر حوزه صنعت می‌کوشد بینشی هرچند محدود، اما نوآورانه به تصمیم‌گیرندگان و صاحب‌نظران ارائه دهد و تصویری واقع‌بینانه‌تر و عمیق‌تر از ریشه‌ها و عوامل اثرگذار بر راهبردهای متغیر اروپا بیان، بر پایه شواهد آکادمیک و منابع معتبر علمی، ترسیم کند.

● **در ماه‌های اخیر، رویکرد سیاست خارجی اروپا به‌ویژه آلمان، فرانسه و بریتانیا به‌طور محسوس‌ی تهاجمی‌تر و حتی در مواردی به‌ویژه در قبال ایران، آشکارا خصمانه‌تر شده که قطعا بر اقتصاد و صنعت ما تاثیرگذار خواهد بود. نخست بفرمایید در این باره چه ارزیابی دارید؟**

رقابت میان ملت‌ها، خواه‌سازنده و خواه‌مخرب، همواره نیروی محرک تحول در اقتصاد و صنعت جوامع بوده و فناوری نیز در پرتو همین رقابت‌های سرسخت و راهبردهای پویا و متغیر کشورها شکل گرفته است. ازاین‌رو، شناخت صنعت بدون درک عمیق اقتصاد، و فهم اقتصاد بدون توجه به بسستر ژئوپلتیک، ناکافی خواهد بود. سه عرصه صنعت، اقتصاد و ژئوپلتیک به‌شدت بر یکدیگر تاثیرگذارند و رهبران سیاسی و صنعتی تنها با درک عمیق این پیوندهای ناگسستنی می‌توانند در صحنه پرقابت جهانی، برنامه‌ریزی استراتژیک مؤثری داشته باشند. این تحول، امری تصادفی به نظر نمی‌آید؛ بلکه بازتاب دگرگونی بنیادی و پایدار در رویکرد اروپا به روابط بین‌الملل است. قاره اروپا به‌تدریج گفت‌وگو و تعامل را کنار گذاشته و به سمت تقابل حرکت می‌کند؛ پدیده‌ای که به نظر می‌آید نه سطحی است و نه موقتی و نه محدود به حوزه انرژی هسته‌ای، بلکه نشانه‌ای از بازآزایی اساسی ساختار و ماهیت سیاست خارجی اروپاست که تحت تاثیر فشارهای اقتصادی، رقابت صنعتی و تحولات ژئوپلتیک خود شکل گرفته و آینده روابط خارجی اتحادیه اروپا، به‌ویژه با جهان جنوب، را تا حدی مبهم ساخته است.

مطالعات گوناگون بین‌الملل نشان می‌دهد که اروپا و غرب به‌طور فزاینده‌ای رویکردی معاملاتی را در روابط بین‌الملل برگزیده و از پایبندی سخن‌گيرانه به حقوق بین‌الملل فاصله می‌گیرند. این روند با تغییرات سیاست خارجی امریکای فعلی تشدید شده و بر اولویت توافقات فوری و منافع ملی به جای هنجارهای چندجانبه و چارچوب‌های حقوقی تاکید دارد. در نتیجه، اهرم‌های اقتصادی و چانه‌زنی جایگزین قواعد تثبیت‌شده بین‌المللی شده و نظم چندجانبه‌گرای پساجنگ جهانی دوم را تضعیف کرده است. افول سلطه اقتصادی و صنعتی غرب در برابر قدرت‌های نوظهور شرقی، این روند را تسریع کرده است.

در سطح جهانی، نظام چندجانبه‌گرایی (حتی با کمبودهایش) که زمانی انعکاس‌دهنده ثبات و مبتنی بر همکاری حقوقی بود، اکنون تحت فشار سیاست قدرت و تقدم منافع ملی امریکا و اروپا، تضعیف شده است. این امر به شکل‌گیری ساختاری سلسله‌مراتبی و نابرابر منجر شده که یادآور فضای رمان «مزرعه حیوانات» است. اروپا اکنون با مجموعه‌ای از بحران‌های بنیادین همچون کسری بودجه، افول صنعت، ناامنی انرژی، پیری جمعیت و تغییر اتحادها مواجه است که همگی نشانه افول هژمونی برقی این قاره است. داده‌های اقتصادی کاهش تولید صنعتی و کسری بودجه اتحادیه اروپا را تایید می‌کند. جنگ اوکراین نیز آسیب‌پذیری ساختار امنیت انرژی اروپا را آشکار ساخته و کاهش بهره‌وری و نوآوری، فشار مضاعفی بر نظام اجتماعی و اقتصادی اروپا وارد کرده‌است. در این شرایط، اصلاحات سطحی پاسخگو نبوده و اروپا ناگزیر به بازاندیشی عمیق در نقش خود در نظم جهانی چندقطبی است؛ فرآیندی که لزوماً منجر به راهبردهای سازنده یا صلح‌آمیز نخواهد شد.

رویکردهای بین‌المللی اروپا اکنون بیش‌ازپیش تقابلی شده و این قاره به‌تدریج تعامل و گفت‌وگو را کنار گذاشته و به سمت تقابل حرکت می‌کند. این تحول، سطحی یا موقتی به نظر نمی‌رسد، بلکه بازتاب دگرگونی عمیق در ساختار و ماهیت سیاست خارجی اروپاست که ریشه در واقعیت‌های اقتصادی، رقابت صنعتی و تحولات ژئوپلتیک دارد و آینده روابط خارجی اتحادیه اروپا با سایر کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، را مبهم ساخته است.

مطالعات گوناگون بین‌الملل نشان می‌دهد که اروپا و غرب به‌طور فزاینده‌ای رویکردی معاملاتی را در روابط بین‌الملل برگزیده و از پایبندی سخن‌گيرانه به حقوق بین‌الملل فاصله می‌گیرند. این روند با تغییرات سیاست خارجی امریکا شدت یافته است. چرخش سیاست خارجی غرب به سمت تعاملات معاملاتی، به معنای اولویت دادن به توافق‌های فوری و منافع ملی به جای احترام به هنجارهای چندجانبه و چارچوب‌های حقوقی است. این رویکرد بر توافقات دوجانبه، اهرم‌های اقتصادی و چانه‌زنی تاکید دارد و اغلب به تضعیف قواعد تثبیت‌شده بین‌المللی منجر می‌شود. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که این گرایش با افول سلطه اقتصادی و صنعتی غرب (نسبت به شرق) تشدید شده است.

یک تکرانی جدی بین‌الملل وجود دارد که اروپا برای جبران خلأ اقتصادی خود، دوباره به تجربه‌های سلطه بر کشورهای ضعیف‌تر بازگردد. افول هژمونی اروپا که با کاهش قدرت اقتصادی، صنعتی و انرژی همراه است، می‌تواند آن را به‌سوی تکرار الگوهای استعماری البته با روش‌های

نوین سوق دهد. لحن تند و غیردیپلماتیک اخیر برخی دولت‌های اروپایی، مانند آلمان و فرانسه، نشان می‌دهد این رویکرد ساختاری است نه موقدی. این تحول، اروپا را از رویکرد مبتنی بر قانون به‌سوی تعاملات معاملاتی یا به عبارتی بده بستان، سوق داده است، به‌گونه‌ای که برای تامین منافع خود، آماده نادیده گرفتن قواعد بین‌المللی است که خود و امریکا پس از جنگ جهانی دوم بنیان نهاده بودند.

● **ما در حال حاضر شاهد بازآرایی قدرت دفاعی اروپا هستیم این روند را چگونه می‌بینید و در این باره چه نظری دارید؟**

براساس گزارش کمیسسیون اروپا (۲۰۲۵)، قاره اروپا با پدیده‌ای موسوم به «چندبحرانی» مواجه است؛ مجموعه‌ای از چالش‌های به‌هم‌پیوسته که بنیان‌های اقتصادی، خودمختاری راهبردی و الگوی اجتماعی آن را به‌طور جدی تهدید می‌کنند. وسعت و عمق این بحران‌ها سبب شده تحلیل‌گران نسبت به توان اروپا برای حفظ سطح فعلی رفاه و نفوذ جهانی بدون اصلاحات ساختاری بنیادین تردید داشته باشند. در همین راستا، گزارش جامع دراگی (۲۰۲۴) اروپا را در آستانه «لحظه‌ای سرنوشت‌ساز» توصیف می‌کند که عبور از آن مستلزم هماهنگی و سرمایه‌گذاری بی‌سابقه است. هم‌زمانی فشارهای مالی، کاهش رقابت‌پذیری صنعتی، آسیب‌پذیری انرژی، گذار جمعیتی و تحولات ژئوپلتیکی، شرایطی بی‌سابقه را رقم زده است.

در بازه زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴، هزینه دفاعی کشورهای عضو اتحادیه اروپا بیش از ۳۰ درصدافزایش یافته و در سال ۲۰۲۴ به حدود ۳۴۶ میلیارد یورو معادل ۱.۹ درصدتولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا رسیده است. اگرچه این رشد قابل‌توجه است، اما همچنان کمتر از هدف ۲ درصد ناتو و ناکافی برای پاسخگویی به الزامات امنیتی جدید تلقی می‌شود. هدف جدید ناتو برای سال ۲۰۲۵، صرف ۵ درصدتولید ناخالص داخلی برای دفاع را تعیین کرده که مستلزم افزایش چشمگیر بودجه‌هاست. ایالات‌متحده نیز به‌عنوان شریک ناتویی، معتقد است توان دفاعی اروپا برای مواجهه با چالش‌های کنونی کافی نیست و بیشتر کشورهای اروپایی باید بودجه‌های دفاعی خود را دو یا سه برابر کنند. در این چارچوب، استراتژی صنعتی دفاعی اروپا (EDIS) با هدف تقویت پایگاه فناوری و صنعتی دفاعی و دستیابی به آمادگی صنعتی تا سال ۲۰۳۵ تدوین شده، اما با چالش‌های مالی جدی روبه‌روست و کارشناسان نسبت به کفایت بودجه ۱.۵ میلیارد یورویی به‌رنامه صنعتی دفاع اروپا تردید دارند. این فشارهای داخلی، بازتعریف اتحادهای بین‌المللی را نیز به همراه داشته است؛ به‌گونه‌ای که توافقات اخیر همکاری هسته‌ای میان فرانسه و بریتانیا، در سایه نگرانی از دوری امریکا از ناتو و تحولات روسیه و اوکراین، نشانه‌ای از تلاش اروپا برای کسب خودمختاری راهبردی بیشتر در عصری است که تعهد امریکا به اروپا در حاله‌ای از ابهام قرار دارد.

در سال‌های اخیر، رویکرد تهاجمی دولت جدید ایالات‌متحده در خروج از نهادهای چندجانبه، به‌ویژه سازمان‌های کلیدی وابسته به سازمان ملل، نشانه‌ای از تغییر بنیادین در سیاست خارجی غرب است و این رویکرد تلاش دارد اروپا را با خود همسو کند. این روند، همزمان با تضعیف اعتبار و اهمیت سازوکارهای سازمان ملل متحدان امریکا را به چالش تازه‌ای یافته است. اگر در گذشته، دولت‌های انگلیس و امریکا حداقل در ظاهر تلاش می‌کردند اقدامات خود را از طریق سازمان ملل توجیه کنند، امروزه شاهد بیان آشکار مطالبات یک‌جانبه، به‌ویژه از سوی امریکا و متحدانشان هستیم. اروپا نیز که پس از جنگ جهانی دوم ایالات‌متحده را رهبر جهان دموکراتیک می‌دانست، اکنون در تلاشی متزلزل میان حفظ رضایت واشنگتن و پایبندی به اصول حقوقی خود گرفتار شده است. این وضعیت، فضای مانور اروپا را محدود و کارآمدی دیپلماسی را تضعیف کرده است.

● **کشورهای دیگر در مواجهه با این جریان چه رویکردهایی را در پیش گرفته‌اند؟**

در شرایط کنونی، قدرت‌های غربی بدون اتکا به توجیهات حقوق بین‌الملل، اهداف خود را دنبال می‌کنند و حتی برای اقدامات یک‌جانبه خود پوشش حقوقی قائل نمی‌شوند. نمونه بارز این روند، اعمال تحریم علیه مقامات دادگاه کیفری بین‌المللی توسط امریکاست؛ اقدامی بی‌سابقه که به‌ویژه زمانی رخ داد که این نهادها مصونیت متحدان امریکا را به چالش کشیدند. در نتیجه این رویکرد جدید، کارآمدی و نفوذ نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که از نظم فعلی بین‌الملل حمایت می‌کنند، کاهش یافته است. هرچند این سازمان‌ها توسط غربی‌ها تأسیس شده‌اند، اما اکنون تنها در صورتی موردحمایت قرار می‌گیرند که منافع غرب را تامین کنند. کشورهای غربی در سال‌های اخیر بیشتر این سازوکارها را دور زده و مذاکرات مستقیم و مبتنی بر منافع را ترجیح داده‌اند. با وجود این روند، اروپا دست‌کم در ظاهر، بیش از امریکا به چندجانبه‌گرایی و حقوق بین‌الملل پایبند بوده است، هرچند



این وضعیت نیز در حال تغییر است. این تغییر مطلق نیست و ترکیبی از خودخواهی ملی و دوری از قواعد بین‌الملل را بازتاب می‌دهد که نهایتاً نتیجه فشارهای ژئوپلتیکی و فرسایش اعتماد به نهادهای جهانی است.

به اعتقاد بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی، این تغییر بخشی از یک تحول گسترده‌تر است که طی آن نظم مبتنی بر قواعد و دفاع از دموکراسی به چارچوب‌های سیاسی پرکاربرد در غرب تبدیل شده‌اند؛ زیرا تغییرات عمیق در توازن جهانی نیروها تاثیر آشکاری بر نحوه چارچوب‌بندی سیاست خارجی غرب داشته است. پژوهش‌های این بنیاد نشان می‌دهد کشورهای غربی به‌طور فزاینده‌ای رویکردهای مبتنی بر منافع را جایگزین رویکردهای مبتنی بر قوانین جاری بین‌الملل در همکاری‌های بین‌المللی کرده‌اند. اروپایی که همواره داعیه‌دار قانون‌گرایی بوده، امروز خود به گسترش بی‌قانونی در عرصه بین‌الملل دامن می‌زنند. نتایج نظرسنجی مجمع اقتصادی جهانی در سال ۲۰۲۵ نیز بیانگر آن است که اکثریت مردم جهان دیگر به نهادهایی چون سازمان ملل امیدی ندارند.

● **درباره تضعیف چارچوب‌های حقوق بین‌الملل برای ما بگویید؟** تضعیف چارچوب‌های حقوقی بین‌الملل توسط ایالات‌متحده، تنها به خروج این کشور از نهادهای بین‌المللی محدود نمی‌شود، بلکه نقض نظام‌مند پروتکل‌های سازمان تجارت جهانی از طریق اعمال تعرفه‌های یک‌جانبه را نیز در بر می‌گیرد. این اقدامات، بیانگر تقدم منافع سیاسی کوتاه‌مدت بر تعهدات حقوقی بین‌المللی است و انتخاب‌گرزینی اجرای حقوق بین‌الملل براساس اتحادهای سیاسی، اعتبار سازوکارهای حکمرانی جهانی را به‌طور اساسی تضعیف می‌کند.

در این میان، دوره دوم ترامپ نقطه عطفی در فاصله‌گیری ایالات‌متحده از حمایت سنتی از نظم بین‌المللی مبتنی بر قواعد به شمار می‌رود. دولت او با ترجیح اقدامات یک‌جانبه، اعمال تعرفه‌ها و توافقات مستقیم، اغلب توافقات چندجانبه و حقوق بین‌الملل را به حاشیه‌راند. این تغییر رویکرد در اروپا نیز بازتاب یافته است؛ به‌گونه‌ای که رهبران اروپایی سیاست خارجی خود را با شرایط جدید، که کمتر مبتنی بر هنجارهای ایالات‌متحده و پیش‌بینی‌پذیر است، تطبیق داده و گاه برخی جنبه‌های راهبرد امریکا را در روابط خارجی خود تقلید می‌کنند.

● **با این حال، به نظر می‌رسد ریشه این رویکرد در غرب، به‌ویژه در اروپا، فراتر از تاثیرات ژودگذر دولت ترامپ باشد، در این باره نظر شما چیست؟**

پژوهش‌های مدرسه کندی دانشگاه هاروارد نیز ترامپ را نقطه عطفی تعیین‌کننده در این ناسامانی می‌داند و تاکید می‌کند که رویکرد او نشانگر حذف و تحول پیوندهای سنتنی بین‌المللی، به‌ویژه پیوندهایی است که ایالات‌متحده را به اروپا متصل می‌کرد. تحلیل‌های کارشناسان سیاست خارجی به‌ویژه در آمریکا، نشان می‌دهد که جنگ‌های اخیر امریکا، از افغانستان تا عراق و... اثبات کرد قدرت‌های بزرگ، زمانی که توسط رقبای هم‌سطح کنترل نشوند، می‌توانند قواعد حقوق بین‌الملل را نقض کرده و اقدامات غیرقانونی انجام دهند، حتی اگر خود را لیبرال بنامند. پژوهش‌های این مؤسسه این فرض را به چالش می‌کشد که هژمونی غربی همواره تضمین‌کننده نظم بین‌المللی فعلی بوده است. زمانی که حقوق بین‌الملل به ابزاری برای نمایش قدرت و نه داوری بی‌طرفانه (حتی در ظاهر) تبدیل شود، مشروعیت و اقتدار اخلاقی نظم کنونی جهان تضعیف می‌گردد. این دوگانگی استاندارد، کشورهای قدرتمند و متحدان‌شان را برتر می‌سازد و کشورهای ضعیف‌تر را مشمول استانداردهای متفاوت پاسخگویی می‌کند؛ وضعیتی که به نظامی دوگانه از عدالت بین‌المللی می‌انجامد و با اصول بنیادین برابری حاکمیت و شمولیت جهانی قانون در تضاد است. در نتیجه، احتمال آنکه مسیر کنونی به‌سوی هرج‌ومرجی جهانی پیش رود، افزایش یافته است؛ جهانی که در آن حوزه‌های رقیب با قواعد متفاوت شکل می‌گیرد، استانداردهای جهان‌شمول با استناد به نسبی‌گرایی فرهنگی و استدلال‌های حاکمیتی تضعیف می‌شود، نهادهای بین‌المللی به‌تدریج فرومی‌پاشند و سیاست قدرت هم‌پیمانان جایگزین اصول حقوقی می‌گردد.

ایند رویکرد غربی، خطر خلق نیرویی مخرب را در بر دارد که در نهایت می‌تواند به زیان خود اروپا تمام شود. تضعیف چارچوب حقوقی بین‌المللی که قدرت‌های غربی خود از بنیان‌گذاران آن در هشتاد سال اخیر بوده‌اند، با ایجاد چنین هرج‌ومرجی، پایه‌های نفوذ جهانی آنها را نیز سست خواهد کرد.



عکس: مصلحت

و واردات چین» و «توسعه چین» ارائه می‌شد، اما این رقم در دوره‌های بعدی به ۱۴ درصد کاهش یافت و سهم بانک‌های تجاری دولتی مانند «بانک صنعت و تجارت» و «بانک چین» به ۷۴ درصد افزایش پیدا کرد. در نتیجه چین به جای وام‌های دوجانبه، استفاده از وام‌های کنسرسیومی را افزایش داد؛ تا جایی که در سال ۲۰۲۱، ۸۰ درصد از وام‌های معدنی این کشور در قالب وام‌های کنسرسیومی ارائه شده است.

چین با استفاده از مدل تأمین مالی غیرسنستی کنترل بیشتری بر زنجیره تأمین مواد معدنی به‌دست آورده؛ ۸۱ درصد از وام‌های این کشور به شرکت‌های پروژه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های مشترک (JVs) و شرکت‌های با هدف خاص (SPVs) اختصاص یافته که ضمانت بازپرداخت دولتی ندارند. این روش به چین امکان می‌دهد که بر تولید و فروش مواد معدنی تسلط داشته باشد. در نتیجه، ۸۳ درصد از وام‌های معدنی چین برای معادنی هزینه شده که مالکیت جزئی یا کامل آنها در اختیار شرکت‌های چینی است.

سخن پایانی

چین برای غلبه بر رقبا، موانع ورود شرکت‌هایش به بازارهای معدنی را کاهش داده تا این کشور از طریق برنامه‌های وام‌دهی، بتواند شرکت‌های خود را در خرید معادن و عقد قراردادهای بلندمدت تأمین مواد معدنی حمایت کند. همچنین، ۶۶ درصد از وام‌های این کشور به ۱۴ معدن اصلی در ۸ کشور اختصاص یافته است که این معادن به طور متوسط ۳.۶ عدد وام از چین دریافت کرده‌اند. همچنین از وام‌های پارانهای استفاده کرده است تا شرکت‌هایش بتوانند سهم بیشتری از بازار کسب کنند. خلاف کشورهای OECD که محدودیت‌هایی در ارائه این نوع وام‌ها دارند، چین بدون پیروی از این قوانین، به شرکت‌های خود مزیت رقابتی داده تا این کشور با اتخاذ یک استراتژی مستقل، جایگاه پیشرو خود را در بازار مواد معدنی تثبیت کند.

ایجاد کرد تا به نهادهای دولتی مجوز رسمی برای تأمین مالی و اجرای پروژه‌های زیربنایی و تولید صنعتی در خارج از کشور بدهد. استراتژی «خروج به بیرون» به عنوان یک استراتژی اکتشاف منابع توصیف شد، که شامل ارائه کمک‌های بین‌المللی و اعتبارات مالی برای حمایت از پروژه‌هایی است که تولید و صادرات منابع طبیعی- از جمله مواد معدنی دخیل در گذار انرژی را تسهیل می‌کنند. چین می‌دانست که مواد معدنی انتقالی برای رشد بلندمدت و رقابت‌پذیری اقتصادی حیاتی است.

منابع در برابر زیرساخت

یکی از سازوکارهای کلیدی اجرای استراتژی خروج به بیرون، رویکرد «منابع در برابر زیرساخت» (RFI) بوده است. در این چارچوب، وام‌دهندگان چینی وام‌هایی را برای ساخت و بازسازی زیرساخت‌های کشور میزبان ارائه می‌دهند و این وام‌ها از طریق عواید نقدی صادرات منابع طبیعی کشور میزبان به چین بازپرداخت می‌شوند تا از این طریق به مواد معدنی دخیل در گذار انرژی که نیاز دارد دسترسی پیدا کند. برای مثال، چین در سال ۲۰۰۸ یک توافق بزرگ ارفاف-آی با جمهوری دموکراتیک کنگو امضا کرد که طی آن، کنسرسیومی از شرکت‌های دولتی چینی اکثریت سهام یک سرمایه‌گذاری مشترک در معدن مس-کبالت سیکومینس را به‌دست آورد. در ازای این امتیاز، بانک صادرات و واردات چین وام‌هایی برای توسعه زیرساخت‌های کنگو ارائه کرد. بازپرداخت این وام‌ها نیز از محل درآمدهای آتسی معدن، یعنی عایدات صادراتی آن، تضمین شد.

با همین ایده، چین نزدیک به ۵۷ میلیارد دلار وام و کمک مالی برای پروژه‌های معدنی در ۱۹ کشور عضو بی.آر.آی ارائه کرده است. ۵۳ درصد این سرمایه‌گذاری‌ها به استخراج و فرآوری مس اختصاص یافته و شواهدی از افزایش استخراج لیتیوم نیز وجود دارد. ۹۲ درصد از تأمین مالی چین در این حوزه به عملیات استخراج ۸ درصد به فرآوری مواد معدنی اختصاص دارد. برای دستیابی به این مهم، چین روش‌های تأمین مالی خود را تغییر داده است؛ در دوره‌های اولیه ایجاد کمربند و جاده، ۹۰ درصد از وام‌های معدنی توسط بانک‌های سیاست‌گذاری «صادرات

حوزه‌ای که بیشتر غرب، به جز امریکای تحت ریاست جمهوری ترامپ، آن را اولویت اصلی آینده می‌داند، نشان می‌دهد، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که هجوم سرمایه‌گذاری این کشور به این زودی‌ها ضعیف شود. روزنامه فاینشیشال تایمز، ماه جاری گزارش داد که شرکت‌های چینی دارای منافع معدنی در خارج از کشور، فعالیت خود را در سال ۲۰۲۴ به طور قابل توجهی افزایش داده‌اند. این نشریه به نقل از تحلیلگران می‌گوید که یکی از دلایل اصلی این فعالیت، آگاهی دولت‌های غربی از تسلط بیش از حد چین در این بخش بوده است. بنابراین، آنها شروع به بستن درهای سرمایه‌گذاری به روی چینی‌ها کرده‌اند. بر اساس گزارش اوایل پرایس، با این حال، شرکت‌های چینی به دلایلی که بیشتر مربوط به مقررات است تا مسائل ژئوپلیتیک، برای به‌دست آوردن سهمی از فعالیت‌های معدنی در کانادا یا امریکا، تلاش نکرده‌اند.

چین طی دو دهه گذشته با استفاده از شبکه‌ای متشکل از ۲۶ موسسه مالی دولتی، تلاش کرده است کنترل خود را بر منابع معدنی حیاتی جهان افزایش دهد و از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک و وام‌های بلندمدت، نفوذ چشمگیری در استخراج و فرآوری این منابع به‌دست آورد. توسعه استخراج و فرآوری مواد معدنی انتقالی در خارج از چین بخشی از چند ابتکار راهبردی این کشور بوده است که خود بخشی از پیشران اصلی آنها برای تبدیل مواد معدنی گذار انرژی به یک اولویت ملی بوده است. ایددیتا (AIDDATA) آزمایشگاه پژوهشی دانشگاه ویلیام و مری در گزارشی جدید، مسیر چین برای تبدیل شدن به بازیگر کنترل‌کننده زنجیره تأمین جهانی مواد معدنی دخیل در گذار انرژی را بررسی کرده است.

داده‌های این گزارش نشان می‌دهد چین تأمین مالی پروژه‌های معدنی کلیدی شامل مس، کبالت، نیکل، لیتیوم و عناصر خاکی کمیاب را که برای گذار به انرژی پاک ضروری هستند، بر عهده دارد. این کشور در چارچوب طرح ابتکار کمربند و جاده (BRI) سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در خرید معادن، توسعه زیرساخت‌های استخراج و تأمین مالی عملیاتی معادن در کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط انجام داده است. در سال ۱۹۹۹، چین استراتژی خروج به بیرون (Going Out) را

این نشریه به چندین معامله بزرگ از جمله سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد دلاری در یک معدن طلا در غنا و تعهد سرمایه‌گذاری پنج میلیارد دلاری در زامبیا طی ۵ سال تا ۲۰۲۸ اشاره کرد. فهرست سرمایه‌گذاری چین همچنین شامل خرید سهام در بزرگترین معدن مس در تانپاکان فیلیپین بود.

استفاده گسترده از مس در همه صنایع

واضح است که با توجه به استفاده گسترده از مس در همه صنایع، از ساخت‌وساز گرفته تا وسایل نقلیه برقی، این فلز اساسی یک مقصد سرمایه‌گذاری کلیدی برای شرکت‌های چینی است. بیش از نیمی از سرمایه‌گذاری‌های معدنی خارجی شرکت‌های چینی در سال ۲۰۲۳، بر مس متمرکز بود. اما مواد معدنی حیاتی هم یک مقصد سرمایه‌گذاری مهم دیگر برای خریداران چینی بوده است.

چین بزرگترین سرمایه‌گذار معدنی در جمهوری دموکراتیک کنگو است که صاحب بزرگترین ذخایر کبالت جهان به میزان ۶ میلیون تن است و کبالت تازه شروع ماجرا است. سنگ معدن مس در جمهوری دموکراتیک کنگو، دارای بالاترین عیار در جهان بوده و طبق بررسی اجمالی منابع معدنی این کشور، محتوای مس آن چهار برابر میانگین جهانی است. مواد معدنی خاکی کمیاب نیز به همراه بیشتر عناصر جدول تناوبی فراوان هستند. بنابراین، جای تعجب نیست که چین بر چشم‌انداز سرمایه‌گذاری معدنی در کنگو تسلط دارد. با این حال، چینی‌ها هنوز هم در مناطق دیگر بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند. گزارشی که سال گذشته، توسط یک دانشگاه چینی و یک دانشگاه استرالیایی تهیه شده بود، نشان داد که سرمایه‌گذاری جهانی در معادن توسط شرکت‌های چینی رکورد شکسته است. در این گزارش آمده است که تعهدات تحت طرح کمربند و جاده در سال ۲۰۲۴، به ۲۱ میلیارد دلار رسیده که بالاترین میزان از زمان آغاز این طرح در سال ۲۰۱۳ است.

نگرانی از نفوذ چین در معادن

با وجود اینکه غرب نشانه‌هایی از نگرانی را نسبت به نفوذ کامل چین در

مدیرعامل کویر تایر عنوان کرد:

تحقق شعار سال با تولید بیش از ۱.۵ میلیون حلقه تایر در کویر تایر



نامگذاری شده، از ابتدای سال جاری تاکنون سه دستگاه ماشین پرس پخت تایر تکمیل و وارد مدار تولید شده‌اند، همچنین دو دستگاه دیگر نیز در دست ساخت است که در آینده‌ای نزدیک به بهره‌برداری خواهد رسید. مهندس زینلی افزود: این موفقیت‌ها نشانگر تلاش بی‌وقفه مدیران، مهندسان و کارگران پرتلاش کویر تایر در مسیر پیشرفت صنعت تایر کشور، توسعه فناوری و ارتقاء سطح کیفی تولیدات ملی است.

تحقق اراده ملی با انتقال آب به اصفهان

آغاز انتقال آب از خلیج فارس به قلب فلات مرکزی ایران

به استان اصفهان در حال اجرا می‌باشد، استفاده از ظرفیت آماده شرکت واسکو در قالب این اتصال موقت، نمونه‌ای موفق از مدیریت بهینه منابع و تسریع در پاسخ به بحران‌های آبی کشور است. وی افزود: خط یک واسکو به طول ۸۲۰ کیلومتر، با مشارکت سه شرکت بزرگ صنعتی گل‌گهر، ملی صنایع مس ایران و چادرمو ایجاد شده و این جمله زیرساخت‌های کلیدی کشور در حوزه آب محسوب می‌شود.

احسان انصاری، مدیرعامل شرکت واسکو، خاطر نشان کرد: این اتصال موقت، بار دیگر نشان داد که زیرساخت‌های واسکو می‌توانند در مواقع بحرانی نظیر آنچه در شکستگی خط انتقال آب زاینده‌رود و وقوع بحران در استان یزد مشاهده شد آب مورد نیاز شهر یزد را تأمین نمود و در لحظات حساس، نیازهای فوری کشور را پاسخ دهند؛ لذا واسکو در شرایطی که بخش عمده‌ای از عملیات اجرایی خط اصفهان شامل تاسیسات آبگیری، نمک‌زدایی، خطوط لوله و ایستگاه‌های پمپاژ اجرا نشده است، با بهره‌گیری از زیرساخت‌های اساسی و حیاتی خود آب را به اصفهان رسانده است. وی در عین حال تصریح کرد: اکنون با آغاز جریان آب خلیج همیشه فارس به استان اصفهان، فصل تازه‌ای در تأمین آب پایدار برای قلب صنعتی ایران گشوده شده است. این دستاورد، نشانه‌ای روشن از قابلیت‌های واسکو در ایفای نقش محوری در توسعه پایدار، حفظ تولید ملی و مقابله با بحران آب در ایران است.



احسان انصاری مدیر عامل شرکت تأمین و انتقال آب خلیج‌فارس(واسکو) در گفت‌وگو با صمت گفت: با اتمام اتصال موقت خط انتقال آب اصفهان به خط یک پروژه ملی انتقال آب خلیج‌فارس، فصل تازه‌ای در تأمین پایدار آب برای فلات مرکزی ایران رقم خورد. این اقدام در قالب قرارداد فروش آب میان شرکت واسکو و شرکت ابواسکو انجام شد؛ اقدامی فوری، مؤثر و راهبردی برای پاسخ گویی به نیاز آبی استان اصفهان.

وی افزود: در این چارچوب، خط در حال احداث اصفهان به‌صورت اتصال موقت به زیرساخت کاملاً عملیاتی شرکت واسکو متصل شد. واسکو، مجری اصلی خط یک انتقال آب خلیج‌فارس، از سال ۱۳۹۹ تاکنون موفق به انتقال بیش از ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب نمک‌زدایی‌شده از سواحل خلیج‌فارس به استان‌های هرمزگان، کرمان و یزد شده است. اکنون، با همین زیرساخت مستحکم، آب مورد نیاز صنایع تشنه استان اصفهان نیز تأمین می‌شود.

مدیر عامل واسکو گفت: با بهره‌گیری از این اتصال موقت، سالانه حدود ۳۰ میلیون مترمکعب آب به استان اصفهان منتقل خواهد شد؛ آبی با کیفیت که در اختیار صنایع استراتژیک از جمله فولاد مبارک، ذوب‌آهن اصفهان و پالایشگاه اصفهان قرار می‌گیرد و در شرایط خاص، می‌تواند در تأمین آب شرب نیز به کار گرفته شود.

احسان انصاری اضافه کرد: در حالی که خط انتقال آب از دریای عمان

به مناسبت روز حراست و فناوری اطلاعات؛

مدیرعامل ایمپاسکو با کارمندان حراست و ITدیدار کرد



ملی نیز ایجاد کنیم.

همچنین سپهر رستگاری مسئول فناوری اطلاعات ایمپاسکو نیز در دیدار مدیرعامل شرکت با کارکنان این واحد ضمن تشکر از حضور ایشان تأکید کرد: توسعه فناوری اطلاعات، نه‌تنها حاصل آزمون‌های علمی و پژوهش‌های دقیق، بلکه نتیجه چشم‌اندازهای ژرف، جسارت در مواجهه با ناشناخته‌ها و تعهدی خستگی‌ناپذیر به حل مسائل جامعه است.

وی افزود: طی سال‌های اخیر تلاش ما بر این بوده تا زیرساخت‌های ارتباطی و امنیت اطلاعات سازمان را ارتقا دهیم. ورود به تحول دیجیتال و استفاده از فناوری‌های نوین از اولویت‌های ماست و در این مسیر نیازمند حمایت مستمر مدیران ارشد سازمان هستیم. گفتنی است در پایان این دیدار، مدیرعامل ایمپاسکو با اهدای لوح سپاس به کارمندان دو واحد، بر تداوم حمایت از طرح‌های امنیتی و فناوریانه شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران تأکید کرد.

توسعه است و صیانت از سرمایه‌های انسانی و اطلاعاتی بدون تلاش‌های شبانه‌روزی شما ممکن نخواهد بود.

امین کوهرنگی مدیر حراست ایمپاسکو نیز در این دیدار با ارائه گزارشی از اقدامات این واحد عنوان کرد: حراست ایمپاسکو همواره در تلاش بوده تا با رویکردی هوشمندانه و همراه با تعامل، امنیت سازمانی را در همه سطوح حفظ کرده و با رصد مداوم تهدیدها، زمینه‌ای آرام برای رشد و فعالیت همکاران فراهم سازد. مدیر حراست ایمپاسکو ادامه داد: تلاش ما بر این بوده تا نه تنها به تقویت ضرورت‌های امنیتی بپردازیم، بلکه فرصتی برای ارتقای آگاهی عمومی و تقویت روحیه همبستگی



مدیرعامل ایمپاسکو ضمن تبریک روز حراست و فناوری اطلاعات، در دیداری با کارمندان این بخش‌ها و تأکید بر نقش کلیدی حراست و فناوری اطلاعات در صیانت و توسعه سازمان از تلاش‌های آنها برای ارتقای امنیت فناوری و حراست از سازمان تقدیر کرد.

مدیرعامل ایمپاسکو با کارمندان حراست و ITدیدار کرد

به گزارش روابط عمومی ایمپاسکو، همزمان با روز ملی حراست و فناوری اطلاعات، تورج زارع مدیرعامل شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران در دیدار با کارکنان حراست و فناوری اطلاعات عنوان کرد: حراست چشم بیدار سازمان و فناوری اطلاعات بازی

تخلیه و بارگیری ۵۳ میلیون تن کالا در بنادر کشور در بهار ۱۴۰۴

میزان تخلیه کالاهای غیرنفتی معادل ۱۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تن و میزان تخلیه کالاهای نفتی، معادل سه میلیون و ۴۰۰ هزار تن بود.

بارگیری کالاهای نفتی و غیرنفتی

مجموع بارگیری کالاهای نفتی و غیرنفتی در این مدت معادل ۳۶ میلیون تن، میزان بارگیری کالاهای غیرنفتی معادل ۲۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تن و میزان بارگیری کالاهای نفتی نیز معادل ۱۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تن بود.

عملیات کانتینری

همچنین میزان تخلیه و بارگیری انجام شده در بخش عملیات کانتینری طی سه ماهه نخست سال ۱۴۰۴ به ۷۵۰ هزار TEU (واحد شمارش کانتینری) رسید.

میزان تخلیه و بارگیری کالا در بنادر مالکیتی و حاکمیتی سازمان بنادر و دریانوردی طی سه ماهه نخست ۱۴۰۴ معادل ۵۳ میلیون تن و میزان عملیات کانتینری معادل ۷۵۰ هزار TEU اعلام شد. به گزارش روابط عمومی سازمان بنادر و دریانوردی، جمع تخلیه و بارگیری کالاهای نفتی و غیرنفتی طی سه ماهه نخست سال ۱۴۰۴، معادل ۵۳ میلیون تن و طی مدت مذکور جمع تخلیه و بارگیری کالاهای غیرنفتی، معادل ۳۴ میلیون تن و مجموع تخلیه و بارگیری کالاهای نفتی معادل ۱۹ میلیون تن، بود.

تخلیه کالاهای نفتی و غیرنفتی

میزان تخلیه کالاهای نفتی و غیرنفتی طی بهار ۱۴۰۴ در بنادر مالکیتی و حاکمیتی سازمان بنادر و دریانوردی، معادل ۱۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تن،

صنعت مغفول‌مانده

قدرتمندترین فلز جهان

وابستگی عمیق اورانیوم به درصد غنا، این عنصر خاکستری را به یکی از استراتژیک‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین منابع جهان تبدیل کرده است. وقتی صحبت از اورانیوم (Uranium) می‌شود، بیشتر مردم یاد بمب‌های اتمی یا نیروگاه‌های هسته‌ای می‌افتند؛ اما واقعیت آن است که پشت این عنصر خاکستری‌رنگ و نسبتاً سنگین، داستانی پیچیده و سرنوشت‌ساز نهفته است. اورانیوم جزو معدود عناصری است که نوع رفتارش به‌شدت به این بستگی دارد که چقدر از ایزوتوپ شکافت‌پذیر اورانیوم-۲۳۵ در آن وجود دارد؛ به‌طوری‌که با افزایش تدریجی این درصد، می‌تواند از سوختی پایدار برای تولید انرژی در رآکتورهای هسته‌ای، به ماده اولیه سلاح‌های اتمی تبدیل شود. این وابستگی عمیق به درصد غنا، اورانیوم را به یکی از استراتژیک‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین منابع جهان امروز تبدیل کرده است.

صنعت مغفول‌مانده



رضا امیدوار تجربی‌شی
اقتصاددان

معدن و صنایع معدنی همیشه در ایران مغفول باقی مانده است؛ صنعتی که بارها درباره توان جایگزینی آن با نفت صحبت شده و طرح‌ها و ایده‌هایی متعددی نیز مطرح شده است؛ اتفاقی که هیچ‌گاه به‌معنای واقعی عملیاتی نشد. روند نزولی سرمایه‌گذاری طی دهه‌های اخیر یکی از چالش‌های اصلی در معدن ایران بوده که باوجود ظرفیت‌های فراوان این بخش تمایل به سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی تقریباً از بین رفته است و تنها عده‌ای خاص در این حوزه فعالیت خود را ادامه می‌دهند. نداشتن سیاست‌گذاری‌های به‌روز و عدم‌رعایت استانداردهای بین‌المللی قیمت‌گذاری معادن توان جذب سرمایه در بخش معدن را از بین برده است. درواقع شرایط نامساعد اکتشافات معدنی نیز سرمایه‌گذاران را ناامید کرده است. ضعف در دانش زمین‌شناسی و کمبود اطلاعات و عدم‌بکارگیری روش‌های نوین را می‌توان دلایل ناکارآمدی در اکتشافات کشور دانست. کیفیت پایین عملیات اکتشافی به‌دلیل کمبود تجهیزات، بهره‌وری پایین اپراتورهای داخلی، کمبود آزمایشگاه‌های اکتشافی و عدم‌نظارت دقیق بر فعالیت‌های اکتشافی به چالش بزرگی در این بخش تبدیل شده که تا حد زیادی به سرمایه‌گذاری در این حوزه مرتبط بوده و تبدیل به یک سیکل معیوب شده است.

همچنین خام‌فروشی در این صنعت بیش از صنایع دیگر در حال رخ دادن است. هرچند در سال‌های گذشته بارها در راستای جلوگیری از خام‌فروشی اقداماتی انجام گرفته است و از فروش مستقیم مواد معدنی بدون کوچک‌ترین فرآوری جلوگیری می‌شود؛ اما باتوجه به عدم‌واردات تجهیزات و ماشین‌آلات به‌روز در این صنعت همچنان محصولات فرآوری‌شده به‌معنی واقعی در ایران تولید نمی‌شود. این در حالی است که با فرآوری نهایی مواد معدنی می‌توان به‌طورمیانگین ارزش‌افزوده چندبرابری برای مواد خام معدنی ایجاد کرد.

جلوگیری از واردات ماشین‌آلات و تجهیزات به‌روز که در بالا به آن اشاره شد؛ نه‌تنها یک مشکل اساسی در این صنعت محسوب می‌شود، بلکه فرسودگی در ماشین‌آلات و تجهیزات کنونی نیز تبدیل به یک ایرچالش برای فعالان حوزه معدن شده است. براساس آمارهای ارائه‌شده توسط مسئولان وزارت صمت بیش از ۱۵هزار دستگاه ماشین‌آلات فرسوده در حوزه معدن وجود دارد که سن فعالیت آنها از ۲۰ سال گذر کرده است. این آمار نشان می‌دهد که چرخه فعالیت‌های معدنی و به‌دنبال آن، تولید و در نهایت ارزش‌آوری در این حوزه روزبه‌روز کندتر از قبل خواهد شد. کپولت در ماشین‌آلات معدنی همواره با افزایش هزینه برای تولید محصولات و در نهایت بهره‌برداری غیراستاندارد از منابع سوخت کشور همراه بوده است؛ در حالی‌که نوسازی ماشین‌آلات در این بخش می‌تواند به هدف «معدن به‌جای نفت» کمک شایان توجهی کند.

نکته‌ای که نباید فراموش شود، دسترسی به فناوری‌های نوین و روز دنیا است. بحث فناوری باقدرت و سرعت بسیار در جهان در حال پیشروی است و هر لحظه عقب ماندن از فناوری روند رقابتی با دنیا را کندتر و سخت‌تر از قبل خواهد کرد. حوزه معدن نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ حوزه فناوری معدن در ایران به‌شدت از دنیا عقب مانده است و دیگر توانی برای رقابت با کشورهای دیگر ندارد. این در حالی است که بنا به تاکید کارشناسان کاربرد فناوری‌های نانو، زیستی و رباتیک و هوش مصنوعی به‌منظور افزایش بهره‌وری و روزآمدی این بخش از ضروریات افزایش بهره‌وری معادن به‌ویژه باتوجه به رویکرد راهبردی توسعه اقتصاد دانش‌بنیان است. این موضوع مستلزم اینترنت پرسرعت و تقویت آن در کشور است که خود به چالشی بزرگ تبدیل شده است.

از سوی دیگر، شاهد موازی‌کاری و نامناسب بودن اختیار ساختارهای حاکمیتی در بخش معدن هستیم. معاونت معدنی و صنایع‌معدنی وزارت صمت، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور و سازمان توسعه و نوسازی معادن هر ۳ جزو متولیان حوزه معدن محسوب می‌شوند و هر یک به‌صورت مجزا در حال فعالیت بوده و بدون هیچ‌گونه هماهنگی در حال موازی‌کاری هستند. عدم‌مرزبندی بین میزان مداخلات هر یک از این بخش‌ها باعث کندی حرکت و در برخی موارد حتی از بین رفتن فرصت‌های اقتصادی بخش معدن و صنایع‌معدنی شده است. این در حالی است که طبق برآوردها، بخش معدن می‌تواند ۶۰ درصد از درآمدهای حاصل از فروش نفت را پوشش دهد و ایران را از اقتصاد تک‌محصولی نجات دهد.

شاید یکی از دلایل چالش‌های اصلی در معدن را بتوان در تغییرات ساختاری بدنه وزارت صمت جست‌وجو کرد که رویکردهای متعدد ادغام و تفکیک در آن وقت‌کشی بسیاری را رقم زده است. شاید وقت آن رسیده یک‌بار برای همیشه حوزه‌های تخصصی این وزارتخانه عریض و طویل از یکدیگر جدا شده و به‌صورت مستقل عمل کنند تا هر یک از حوزه‌ها به‌ویژه حوزه معدن و صنایع‌معدنی جان دوباره بگیرد.



امیرمحمد درویش
editor@smtnews.ir



بسته به اینکه

اورانیوم چقدر

غنی‌شده

باشد؛ می‌توان

از آن در

رآکتورهای

غیرنظامی،

زیردریایی‌های

هسته‌ای یا

حتی در تولید

سلاح استفاده

کرد



اورانیوم،

عنصری فلزی

است که

نخستین‌بار در

سال ۱۷۸۹

توسط مارتین

هاینریش

کلپروت،

شیمیدان آلمانی

کشف شد

بسته به اینکه اورانیوم چقدر غنی‌شده باشد، می‌توان از آن در رآکتورهای غیرنظامی، زیردریایی‌های هسته‌ای یا حتی در تولید سلاح استفاده کرد. اما همه کاربردهای اورانیوم به نیرو و انفجار ختم نمی‌شود. در دوزهای پایین‌تر، همین ماده در پزشکی، صنعت و حتی اکتشاف منابع زیرزمینی هم نقش آفرینی می‌کند. در دنیای سیاست و امنیت، درصد غنای اورانیوم نه‌فقط یک عدد فنی، بلکه خط قرمز دیپلماتیک است. از مذاکرات بین‌المللی تا تهدیدها و تحریم‌ها، هر درصد بالا یا پایین‌شدن در غنی‌سازی،

فرآیند غنی‌سازی برای تولید بمب اتم یا هسته‌ای

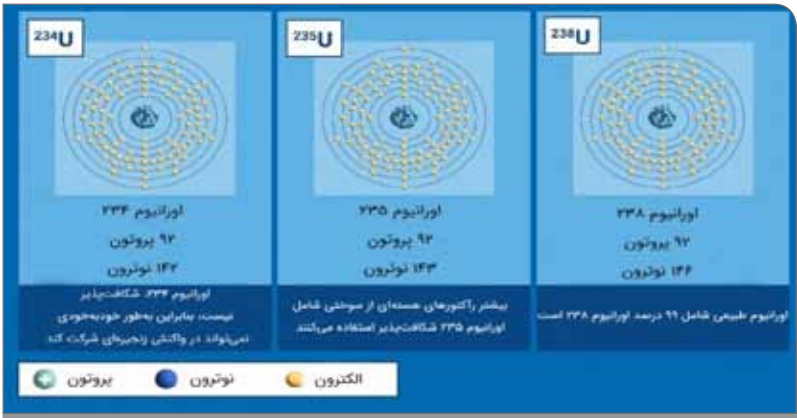
باقیمانده، اورانیوم-۲۳۸ باشد.

نکته مهم اینجاست که فرآیند غنی‌سازی برای تولید بمب اتم یا هسته‌ای، دقیقاً همان روشی است که برای تولید سوخت رآکتورهای هسته‌ای نیز به‌کار می‌رود، با این تفاوت که برای رآکتور فقط تا ۳ درصد پیش می‌روند. اما اگر غنی‌سازی متوقف نشود و برای ماه‌ها یا حتی سال‌ها ادامه یابد، می‌تواند به همان ۹۰ درصد موردنیاز برای ساخت بمب برسد؛ به‌همین دلیل است که برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم همیشه با حساسیت بالا پیگیری می‌شوند.

اگر کسی بخواهد یک رآکتور هسته‌ای را راه‌اندازی کند، به اورانیوم-۲۳۵ با غنای حدود ۳ درصد نیاز دارد. یعنی باید کاری کرد که ۳ درصد از سوخت، از نوع شکافت‌پذیر اورانیوم-۲۳۵ و باقیمانده‌اش، یعنی حدود ۹۷ درصد، همچنان اورانیوم-۲۳۸ باشد.

حتما در اخبار شنیده‌اید که اگر کشوری بخواهد بمب اتم تولید کند، باید اورانیوم-۲۳۵ را تا ۹۰ درصد خالص‌سازی کند. یعنی سوختی که در بمب هسته‌ای استفاده می‌شود، باید تقریباً ۹۰ درصد اورانیوم-۲۳۵ داشته باشد و تنها ۱۰ درصد

اورانیوم چیست و چرا اورانیوم-۲۳۵ تا این حد مهم است؟



ایزوتوپ‌ها تقریباً به‌شکل مساوی در طبیعت وجود داشتند، اما به‌مرور زمان، اورانیوم-۲۳۵ به‌دلیل واکنش‌پذیری بالا کمتر و نایاب‌تر شده است.

اورانیوم-۲۳۸ از آن دسته ایزوتوپ‌هایی است که چندان هیجان‌انگیز به‌نظر نمی‌رسد. این ایزوتوپ نیمه‌عمر بسیار طولانی دارد، حدود ۴.۵ میلیارد سال. یعنی اگر امروز مقدار مشخصی از آن را کنار بگذاریم، تا میلیاردها سال آینده، فقط نیمی از آن دچار واپاشی

خواهد شد. در مقابل، اورانیوم-۲۳۵ حدود ۷۰۰ میلیون سال، سرعت واپاشی بسیار بیشتری دارد. این تفاوت در نیمه‌عمر یک نتیجه مهم دارد: هر چقدر نیمه‌عمر یک ماده پرتوزا طولانی‌تر باشد، فعالیت پرتوزای آن کمتر خواهد بود. بنابراین، اورانیوم-۲۳۸ در مقایسه با بسیاری از ایزوتوپ‌های پرتوزا، نسبتاً کم‌خطرتر است.

در بین ایزوتوپ‌های مختلف اورانیوم، اورانیوم-۲۳۵ همان عنصری است که قابلیت واقعی

یخبندان مصنوعی در دل زمین

است تا هشت روز زمان ببرد. جالب اینجاست که برای این پروژه، حدود ۲۰۰ لوله باید در محل نصب شوند. این لوله‌ها به صورت دایره‌وار دور لایه سنگ معدن اورانیوم پیچیده می‌شوند. هدف آن است که با استفاده از این لوله‌ها، خاک اطراف معدن را منجمد کنند تا هم پایدار شود و هم آب‌های زیرزمینی مزاحم، راه حفاری را نبندند. آب زیر این منطقه تحت فشار بالاست و اگر کنترل نشود، می‌تواند عملیات را مختل یا خطرناک کند.

در سطح زمین، یک ایستگاه سرمایشی مخصوص، محلول آب‌نمک (کلرید کلرید) را تا دمای منفی ۳۰ درجه سانتی‌گراد سرد و از طریق لوله‌ها به اعماق زمین پمپ می‌کند. این محلول، در مسیر حرکت خود، با جذب گرمای اطراف سنگ معدن، باعث می‌شود خاک و آب زیرزمینی به‌آرامی یخ بزنند.

در نتیجه، به مرور یک دیواره یخی ضخیم و نفوذناپذیر دور لایه اورانیوم شکل می‌گیرد، دیواره‌ای که هم خاک را پایدار نگه می‌دارد و هم از ورود آب به منطقه حفاری جلوگیری می‌کند.

سخن پایانی

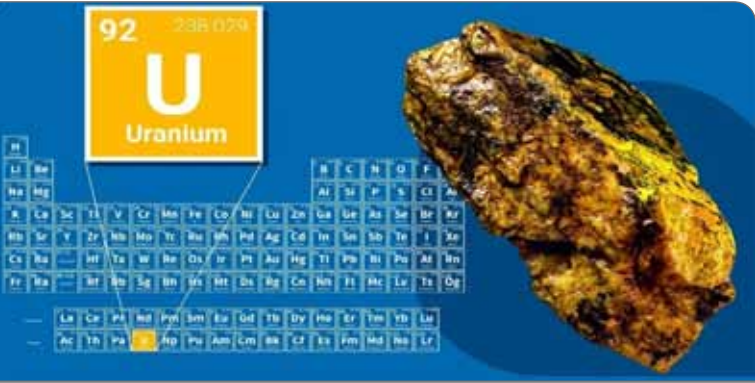
کاربرد اورانیوم و حساسیت جهانی نسبت به آن، مستقیماً به درصد غنی‌سازی بستگی دارد. در حالی که غنای پایین (۳ تا ۵ درصد) برای تولید برق در نیروگاه‌ها استفاده می‌شود، غنای بالا (بیش از ۹۰ درصد) کاربرد نظامی دارد و ماده اولیه ساخت سلاح‌های هسته‌ای است.



عکس: معدن

عنصر اورانیوم چیست؟

رسیدن به این سطح از کارایی، به فرآیندی پیچیده و دقیق نیاز دارد. یکی از مهم‌ترین مراحل در این مسیر، غنی‌سازی اورانیوم است؛ یعنی افزایش مقدار ایزوتوپ اورانیوم-۲۳۵ در ترکیب اورانیوم طبیعی، برای آنکه بتوان از آن در رآکتورهای هسته‌ای استفاده کرد. بدون این مرحله، اورانیوم خام، کارایی چندانی برای تولید انرژی نخواهد داشت. این کار با روش‌های خاصی مثل سانتریفیوژ گازی انجام می‌شود و از مراحل کلیدی در چرخه سوخت هسته‌ای به‌شمار می‌رود.



برای شکافت هسته‌ای دارد. چنین موادی را «شکافت‌پذیر» می‌نامند، یعنی حتی نوترون‌هایی با سرعت پایین هم می‌توانند باعث شکافت آنها شوند.

جذابیت اورانیوم-۲۳۵ دقیقاً در همین ویژگی است: خلاف خیلی از مواد که فقط با برخورد ذرات پرنرژی شکافته می‌شوند، این ایزوتوپ حتی با نوترون‌های کند هم به‌راحتی می‌شکند. این یعنی، اورانیوم-۲۳۵ می‌تواند واکنش زنجیره‌ای را راحت‌تر آغاز کند و ادامه دهد، چه در رآکتور، چه در بمب. به‌همین دلیل، در رآکتورهای هسته‌ای از موادی به نام کندکننده (مثل آب یا گرافیت) استفاده می‌شود تا سرعت نوترون‌ها را کاهش دهند و واکنش شکافت را پربازده‌تر کنند.

همین توانایی بالا در جذب نوترون و تولید انرژی، اورانیوم-۲۳۵ را به سوختی مناسب برای رآکتورهای هسته‌ای تبدیل کرده است. اما اگر درصد این ایزوتوپ بالا برود و از حالت کنترل‌شده خارج شود، می‌تواند در ساخت سلاح‌های هسته‌ای هم استفاده شود. برای همین، اورانیوم-۲۳۵ هم پرکاربرد است؛ هم حساس و راهبردی.

این سد یخی، کلید دسترسی ایمن و کنترل‌شده به سنگ معدن اورانیوم است.

چگونه بدون تماس با تشعشع، اورانیوم استخراج می‌شود؟

بعد از آماده‌سازی محل و یخ‌زدن لایه‌های اطراف، فرآیند اصلی استخراج اورانیوم آغاز می‌شود. مته‌های قدرتمند از سطح زمین به دل سنگ نفوذ می‌کنند و به عمق لایه سنگ معدن می‌رسند. سنگ‌های استخراج‌شده با واگن‌های کنترل از راه دور، جمع‌آوری می‌شوند. روشی که نه تنها کار را ایمن‌تر می‌کند، بلکه اپراتورها را از تماس مستقیم با تشعشعات دور نگه می‌دارد. برای ایمنی بیشتر، هوای تازه هر ۲۰ دقیقه وارد معدن می‌شود تا محیط تهویه و غلظت گازهای احتمالی و ذرات رادیواکتیو پایین نگه داشته شود. سنگ‌های استخراج‌شده، توسط واگن به یک اسکتر پرتوزا منتقل می‌شوند و میزان اورانیوم موجود در آنها اندازه‌گیری می‌شود. در بسیاری از نمونه‌ها، غلظت اورانیوم حدود ۱۵درصد است و در برخی بخش‌ها این مقدار حتی به ۱۸درصد هم می‌رسد.

منبع: خبر فوری

A portrait of a middle-aged man with dark hair, wearing a light-colored suit jacket over a blue shirt. He is resting his chin on his right hand, looking thoughtfully towards the camera. The background is a soft, out-of-focus blue and white.

آرمان خالقی - دبیر کل و عضو هیأت مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت
ایران تیر ماه ۱۴۰۴

به‌روزرسانی فناوری، توسعه پیوند میان صنعت و دانشگاه، و گسترش هوش مصنوعی در فرآیندهای تولید، تنها در سایه یک سیاست صنعتی هدفمند ممکن است. همچنین، صادرات صنعتی بدون دیپلماسی اقتصادی فعال، توسعه برند ایرانی در بازارهای هدف و ثبات در مقررات، توفیقی نخواهد یافت.

[illegible]

تهدید جدی یک صنعت قدیمی

قاچاق پوشاک سال‌هاست که به یکی از چالش‌های دیرینه صنعت نساجی ایران بدل شده و سالانه میلیاردها دلار از ظرفیت بازار داخلی را نصیب دلان واردات غیرقانونی پوشاک می‌کند؛ روندی که زنجیره تولید داخلی را با تهدید جدی مواجه کرده است.

کارشناسان اقتصادی بر این باورند که قاچاق پوشاک صرفاً یک تخلف تجاری نیست، بلکه ریشه در ضعف‌های ساختاری اقتصاد، نظام نظارت و فرهنگ مصرف دارد. به‌علاوه اینک، قوانین مقابله با قاچاق نیز به حد کفایت وجود دارد، اما ضعف در اجرا مانع از تحقق این هدف‌گذاری کلان شده و مقابله با قاچاق با هدف حمایت از تولید داخل را به رویایی دست‌نیافتنی تبدیل کرده است.

بازار نساجی و ظرفیت قاچاق پذیری

برخی فعالان صنعت نساجی از جمله سعید جلالی قدیری، عضو اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک به نکته مهمی اشاره کرده‌اند و «قاچاق‌پذیری بالا» را از چالش‌های اصلی صنعت پوشاک می‌دانند.

سعید جلالی قدیری با تأکید بر نقش کلیدی صنعت پارچه در زنجیره تأمین پوشاک کشور، صنعت پارچه را یکی از مهم‌ترین حلقه‌های این زنجیره دانسته و گفت: این صنعت در سال‌های اخیر مورد بی‌توجهی قرار گرفته و تا زمانی که مشکلات ساختاری در مسیر تولید برطرف نشود، توسعه صنایع کشور با مانع مواجه خواهد شد.

وی با اشاره به اقدامات و قوانین مقابله با قاچاق کالا گفت: از سال ۱۳۹۶ اقداماتی برای مقابله با قاچاق کالا از سوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سایر نهادها انجام شده، اما همچنان بخش بزرگی از بازار پوشاک در قبضه کالاهای قاچاق است.

این عضو اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک هشدار داد: با در اختیار داشتن بیش از ۳۰ درصد بازار توسط کالاهای قاچاق، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی نسبت به ورود به این حوزه مردد خواهند بود؛ چراکه امنیت سرمایه‌گذاری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آنان است.

ضرورت مقابله همزمان در چند جبهه

باتوجه به قوانین موجود به‌نظر می‌رسد برای مهار این پدیده، مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در چند محور اساسی ضروری است.

نخست، نظام گمرکی کشور باید به ابزارهای هوشمند و دقیق‌تر تجهیز شود. عبور آسان محموله‌های غیرقانونی از مبادی رسمی، نشان‌دهنده خلأهای جدی در نظارت‌های مرزی است. تجهیز گمرک‌ها به اسکنرهای پیشرفته، سامانه رهگیری الکترونیکی و شفاف‌سازی مسیر واردات می‌تواند بسیاری از راه‌های ورود کالاهای قاچاق را مسدود کند.

دوم، باید تولید داخل را از حالت فرسایشی خارج کرد. تا زمانی‌که تولیدکننده ایرانی با هزینه‌های بالای مالیات، مواد اولیه و بروکراسی نفسگیر مواجه است، رقابت با کالای قاچاق ارزان‌قیمت ممکن نخواهد بود.

حمایت واقعی از تولیدکنندگان، نه در شعار، بلکه در عمل با ارائه تسهیلات مالی و حذف موانع زائد معنا می‌یابد.

سوم، مبارزه با عرضه کالای قاچاق باید به‌روز و هوشمند باشد. اجرای کامل طرح شناسه کالا و رهگیری پوشاک، نظارت آنلاین بر فروشگاه‌ها، به‌ویژه در فضای مجازی و برخورد با برندهای متقلب از جمله اقداماتی است که باید باجدیت دنبال شود. برخورد‌های مقطعی و نمایشی، تنها به قاچاقچیان فرصت بازبازی می‌دهد.

در کنار این موارد، فرهنگ‌سازی برای حمایت از کالای ایرانی اهمیت ویژه‌ای دارد. تا زمانی‌که «برند خارجی» در ذهن مصرف‌کننده مترادف با کیفیت است، تولید داخلی از میدان رقابت بازمی‌ماند. تبلیغات هوشمندانه، نمایشگاه‌های پوشاک ایرانی و معرفی برندهای ملی باکیفیت می‌تواند ذهنیت عمومی را تغییر دهد.

و در نهایت، تقویت ضمانت اجرای قوانین ضرورتی انکارناپذیر است. قاچاقچیان سازمان‌یافته که میلیاردها تومان سود می‌برند، نباید تنها با جریمه‌ای قابل چشم‌پوشی مواجه شوند. بازنگری در مجازات‌ها و تسریع رسیدگی قضایی می‌تواند بازدارندگی قوانین را افزایش دهد.

نهاد‌های نظارتی از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان اموال تملیکی موظف هستند با بکارگیری روش‌های هوشمند پایش و تقویت زنجیره تأمین قانونی، از تداوم این پدیده جلوگیری کنند.

و در نهایت اینک؛

قاچاق پوشاک تنها یک تهدید اقتصادی نیست، بلکه نشانه‌ای از بی‌نظمی در زنجیره تولید، توزیع و مصرف کشور است.

مقابله با آن، تنها با برخورد‌های امنیتی ممکن نیست، بلکه به تدبیری همه‌جانبه، همراه با صداقت در سیاست‌گذاری و حمایت واقعی از تولید ملی نیاز دارد.



در ۴ سال گذشته قاچاق پوشاک نه تنها مهار نشده، بلکه افزایش یافته است



باوجود تأکید مسئولان بر محدودیت واردات نخ و پارچه در راستای حمایت از صنایع داخلی، قاچاق پوشاک همچنان با سرعت روبه‌رشد است

زخم ناسور قاچاق بر تن تولید ملی



ضعف کنترل مرزها جدی است

ضعف کنترل مرزها، به‌ویژه در مناطق غربی و جنوبی و وجود شبکه‌های توزیع غیرقانونی، موجب شده است این کشورها در صدر مبادی ورود پوشاک قاچاق به ایران قرار گیرند.

قابل‌توجهی در بازار پوشاک قاچاق دارد، در حالی‌که امارات به‌عنوان هاب تجاری منطقه، نقش واسطه‌ای در انتقال کالاهای چینی و آسیای جنوب‌شرقی به ایران ایفا می‌کند.

و هزینه پایین تولید، مسیرهای اصلی ورود پوشاک غیررسمی به بازار ایران محسوب می‌شوند. ترکیه با برندهای پرتعداد و تنوع بالا، سهم

بیشترین حجم قاچاق پوشاک به ایران از کشورهای همسایه، به‌ویژه ترکیه، امارات و چین انجام می‌گیرد؛ کشورهایی که به‌دلیل نزدیکی جغرافیایی، روابط تجاری گسترده

قاچاق پوشاک در ایران طی سال‌های اخیر به معضل جدی برای تولیدکنندگان داخلی و اقتصاد ملی بدل شده است. سهم قاچاق پوشاک در بازار ایران حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد برآورد می‌شود و فعالان این صنعت از عرضه بیش از ۳ میلیارد دلار پوشاک قاچاق در بازار داخلی سخن می‌گویند. بنابراین می‌توان گفت؛ بازار پوشاک ایران باوجود ظرفیت‌های بالای تولید داخلی، همچنان زیر سایه سنگین قاچاق نفس می‌کشد. سهم قابل‌توجه پوشاک قاچاق از بازار مصرف، نه تنها تولیدکنندگان داخلی را به حاشیه رانده، بلکه آسیب‌های جبران‌ناپذیری به اقتصاد ملی وارد کرده است. در این گزارش **تجارت** به وضعیت بازار داخلی و قاچاق پوشاک در ایران پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

باوجود قوانین، چرخه قاچاق همچنان فعال است

این ابلاغیه، عرضه‌کنندگان پوشاک برای درج شناسه کالا ۶ ماه فرصت دارند. همچنین فروشنده یا نگهدارنده‌ای که تولیدکننده یا واردکننده است نیز، برای ثبت خرید و فروش پوشاک در سامانه جامع تجارت ۹ ماه فرصت دارد. همچنین طبق ماده ۱۶ این مصوبه، هرگونه خرید، فروش، اقدام به فروش (عرضه)، حمل و نگهداری کالای مشمول فاقد شناسه کالای نصب یا درج‌شده ممنوع است.

باوجود ممنوعیت واردات پوشاک طی سال‌های اخیر و اجرای تبصره ۴ ماده ۱۸ برای مقابله با کالای قاچاق، بازار ایران همچنان مملو از پوشاک خارجی بدون برچسب ساخت داخل است. به این ترتیب باوجود قوانین، چرخه قاچاق همچنان فعال است و مقابله موثر با آن نیازمند نگاهی چندبعدی و عزم ملی است.



کالا حتی کمتر از بهای مواد اولیه است. در سطح جهانی، هزینه تولید یک تی‌شرت حدود ۳ دلار است، اما نمونه‌های استوک با قیمت‌هایی تا ۳۰ سنت عرضه می‌شوند. این تفاوت نجومی نشان‌دهنده ماهیت غیرقانونی این کالاهاست؛ به‌ویژه برای تولیدکنندگان ایرانی که با هزینه‌های واقعی تولید روبرو هستند.

خلأ نظارت

وی افزود: ایران از نظر قوانین مالکیت معنوی، دچار ضعف ساختاری بوده و این باعث شده است کشور به یکی از بازارهای جذاب برای ورود پوشاک استوک تبدیل شود. در این مسیر، نقش مناطق آزاد، کولبری و استثنائات تجاری بسیار پررنگ است.

با پوشاک استوک، نه ایران توان رقابت دارد نه چین

دبیر اتحادیه پوشاک در پایان اظهار کرد: پوشاک استوک به‌قدری ارزان است که حتی چین، بنگلادش یا ترکیه هم نمی‌توانند با آن رقابت کنند، چراکه قیمت، تنها معیار آن است و کیفیت یا زنجیره تولید در آن نقشی ندارد. این پدیده آسیب جدی به اشتغال، تولید، اقتصاد و حتی سلامت مردم وارد می‌کند.



ایجاد خواهد شد.

واردات پارچه سه‌برابر شد

دبیر انجمن نساجی با اشاره به آمار واردات رسمی پارچه و آسیب آن به تولید داخل گفت: بررسی آمارهای واردات رسمی پارچه بیانگر این واقعیت است که واردات پارچه در ۳ سال گذشته بیش از سه‌برابر شده و از حدود ۳۰۰ میلیون دلار به بیش از ۹۰۰ میلیون دلار رسیده که بخش عمده آن توسط تجار و بازرگانان و از مناطق آزاد وارد کشور شده و تقریباً با نرخ آزاد در زنجیره تولید و توزیع قرار گرفته است. این روند مشکلات بسیاری برای واحدهای مختلف تولید الیاف و نخ و پارچه و رنگرزی و چاپ و تکمیل زنجیره ایجاد کرده است. دبیر انجمن نساجی گفت: باوجود تأکید مسئولان بر محدودیت واردات نخ و پارچه در راستای حمایت از صنعت نساجی، تعرفه‌های واردات این محصول کاهش یافته است.

اصلاح تعرفه گمرکی

سیدشجاع‌الدین امامی رئوف همچنین بانظر به ابلاغ تعرفه‌های سال ۱۴۰۴ گفت: باوجود اقدام شجاعانه دولت در واقعی‌سازی نرخ مبنای محاسبات ارز در گمرکات از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به ۶۸ هزار تومان، حقوق ورودی شامل سود بازرگانی و تعرفه‌های گمرکی به‌گونه‌ای کاهش یافته است که عملاً در راستای حمایت از تولید داخل نیست. در حالی که توقع بخش خصوصی این بوده و هست که دولت با درایت و کارشناسی بیشتر این تعرفه‌ها را متناسب با زنجیره صنعت اصلاح کرده و به تعرفه‌های منطقی پیش از سال ۱۴۰۰ برگرداند.

سخن پایانی

داشت، در شرایط کنونی با ممنوعیت کامل واردات رسمی، ابعاد گسترده‌تری یافته است. نبود نظارت موثر بر مبادی ورودی و سطح عرضه، نه تنها تولیدکنندگان داخلی را از بازار چند میلیارد دلاری محروم کرده، بلکه زنجیره بالادستی نساجی شامل تولید نخ، پارچه و الیاف را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است.

عمل فقط ۲ درصد از بازار را هدف گرفت، در حالی که ۹۸ درصد از پوشاک قاچاقی بود. بنابراین اثرگذاری این تصمیم بسیار محدود بود و نتوانست ریشه اصلی مشکل را هدف بگیرد.

رشد قاچاق در ۴ سال گذشته ادامه‌دار بوده است

دبیر اتحادیه تولید و صادرات پوشاک با بیان اینکه در ۴ سال گذشته قاچاق پوشاک نه تنها مهار نشده، بلکه افزایش یافته است، اظهار کرد: غیر از برخوردهایی که در سال‌های ۹۷ و ۹۸ صورت گرفت، در سال‌های دیگر عملاً شاهد گسترش قاچاق بوده‌ایم. آمار رسمی از سال ۱۴۰۳ هنوز در دست نیست، اما مشاهدات میدانی ما این رشد را تأیید می‌کند.

قاچاق پوشاک از برندها استوک تغییر چهره داده است

قدیری گفت: اگر پیش‌تر قاچاق پوشاک بیشتر است به برندهای معروف بین‌المللی انجام می‌شد، در سال‌های اخیر شاهد تغییر چهره قاچاق به سمت پوشاک استوک بوده‌ایم. این استوک‌ها به ۳ صورت وارد کشور می‌شوند: استوک تولید، فروش و سفارشی. مقابله با آنها بسیار دشوار است.

قیمت‌گذاری نامعادلانه

وی بااشاره به تفاوت چشمگیر قیمت‌ها اظهار کرد: یک تی‌شرت ساده که ۲۵۰ گرم نخ مصرف می‌کند، در بازار داخلی حدود ۷۵ هزار تومان فقط بابت نخ هزینه دارد. در حالی که همان تی‌شرت استوک با نرخ ۲۰ تا ۴۰ هزار تومان به‌صورت عمده فروخته می‌شود. این یعنی نرخ تمام‌شده

بازنده جنگ تعرفه‌ها نباشیم

کالاهایی در سطح عرضه، می‌توان گفت حجم قاچاق از آمار رسمی بیشتر است. قاچاق پوشاک حتی در سال‌هایی که واردات آن قانونی بود نیز وجود داشت، چراکه به‌دلیل تعرفه‌های بالا، بخشی از کالاهای مبادی غیررسمی وارد کشور می‌شد، اما در شرایطی که قانون، مبادی ورودی را برای واردات پوشاک بسته اعلام می‌کند، آمار بسیار بالااست.

نبود عزم جدی در برخورد با قاچاق

امامی رئوف تأکید کرد: نبود عزم جدی در برخورد با قاچاق، چه در مبادی ورودی و چه در سطح عرضه، باعث شده است زنجیره تولید داخلی نتواند سهم مناسبی از بازار را به‌دست آورد. این در حالی است که چنانچه این بازار چند میلیارد دلاری در اختیار تولیدکنندگان داخلی قرار گیرد، می‌تواند نه تنها پوشاک، بلکه زنجیره بالادستی نساجی از جمله نخ، پارچه و الیاف را نیز فعال کند. دبیر انجمن صنایع نساجی ایران ضمن اشاره با استناد به مشاهدات میدانی و وضعیت بازار، تصریح کرد: حجم بسیار زیادی از پوشاک خارجی بدون برچسب یا با برچسب جعلی در فروشگاه‌های آنلاین، فضاهای مجازی و حتی فروشگاه‌های فیزیکی در سطح شهرها عرضه می‌شود. بنابراین، چالش اصلی، نظارت دقیق و برخورد موثر با این نوع کالاها در سطح عرضه است.

اصلاح روش تأمین ارز

وی با تأکید بر اقدام وزارت صمت برای مبارزه جدی با قاچاق منسوجات و پوشاک و محدودسازی واردات پیشنهاد داد، ارز واردات پارچه و منسوجات تجار و بازرگانان از محل توافقی با صادرکنندگان محصولات نهایی صنعت نساجی تأمین شود. در این صورت با حذف جذایب‌های رانتی اختلاف نرخ از بازار مبادله و بازار آزاد، مشوقی برای توسعه صادرات این صنعت و جبران تراز منفی تجاری صنعت نساجی

دبیر انجمن نساجی جنگ تعرفه‌ای ترامپ با چین و بنگلادش و ویتنام و مافیاهای قدرتمند در قاچاق و واردات نخ و پارچه را ۲عامل مهم بروز بحران در صنعت نساجی ایران خواند و گفت: افزایش تعرفه‌های واردات از چین و بنگلادش و ویتنام و سایر کشورهای صادرکننده محصولات نساجی به کشور آمریکا و سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ می‌تواند به مخاطره جدید صنایع نساجی ایران تبدیل شود، چراکه احتمال ورود بی‌رویه محصولات این کشورها به بازار ایران وجود دارد و در این صورت صنعت نساجی ایران می‌تواند بازنده اصلی جنگ تعرفه‌ها در جهان امروز باشد. سیدشجاع‌الدین امامی رئوف در گفت‌وگو با **تجارت** تأکید کرد: این کاهش تعرفه‌ها در حالی است که بازار پوشاک کشور در احاطه کالای قاچاق خارجی است و انواع منسوجات و نخ و پارچه و کالای خواب از مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و بازارچه مرزی و پیله‌وری و تهلنجی با ارز یارانه‌ای وارد کشور می‌شود و متأسفانه عملکرد دستگاه‌های متولی در مبارزه با قاچاق و واردات بی‌رویه و غیرکارشناسی غیرقابل‌دفاع است.

قدرت مافیا

دبیر انجمن نساجی همچنین بااشاره به حضور مافیاهای قدرتمند در قاچاق و واردات نخ و پارچه نیز گفت: واردات بی‌رویه و خروج مبالغ هنگفت ارز برای واردات نخ و پارچه از مبادی قانونی و غیرقانونی در سال‌های اخیر نمونه بارزی از عدم‌نظارت و مدیریت بر کنترل منابع ارزی است. وی افزود: در مقطعی بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، میزان قاچاق پوشاک حدود ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار برآورد می‌شد، اما امروز به‌دلیل ممنوعیت کامل واردات رسمی و عدم‌شفافیت در مبادی خارجی، امکان برآورد دقیق دشوار شده است.

سیدشجاع‌الدین امامی رئوف بااشاره به آمار اعلامی از سوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز مبنی بر قاچاق سالانه حدود ۱.۵ میلیارد دلار پوشاک به کشور، اظهار کرد: براساس شواهد میدانی و میزان گسترده پوشاک خارجی در بازارهای شهری و فروشگاه‌های آنلاین، عدد واقعی احتمالاً ۳ میلیارد دلار نیز می‌رسد. دبیر انجمن صنایع نساجی ایران همچنین بااشاره به قوانین این حوزه گفت: پوشاکی که فاقد برچسب ساخت ایران باشد، مطابق تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون، کالای قاچاق محسوب می‌شود؛ بر همین اساس باتوجه به وفور چنین

واردات موز

به‌شرط صادرات سیب

دولت مصوبه جدیدی تصویب کرده است که براساس آن، صادرکنندگان سیب، کشمش، پرتقال و کیوی می‌توانند به‌ازای هر ۱.۵ کیلوگرم سیب صادراتی، مجوز واردات یک کیلو موز دریافت کنند. این سیاست با هدف کنترل بازار موز و حمایت از کشاورزان میوه‌های صادراتی اجرایی می‌شود. به گزارش نورنیوز، هیأت‌دولت مصوبه‌ای را تصویب کرده است که واردات موز را به‌شرط صادرات برخی میوه‌ها از جمله سیب‌درختی، کشمش، پرتقال و کیوی مجاز می‌داند. براساس این مصوبه، صادرکنندگان به‌ازای هر ۱.۵ کیلوگرم سیب صادراتی، می‌توانند مجوز ثبت‌سفارش واردات یک کیلو موز را دریافت کنند. این سیاست با هدف حمایت از صادرکنندگان میوه و کنترل بازار موز اتخاذ شده است.

معاون امور گمرکی گمرک ایران، علی‌اکبر شامانی، در بخشنامه‌ای این دستورالعمل را به گمرکات اجرایی ابلاغ کرد و بر ثبت دقیق درجه کیفی محصولات صادراتی تأکید کرد. همچنین، فقط گمرکات استان محل صادرات، اجازه صدور تاییدیه واردات موز را دارند.

واردات موز از محل صادرات سیب‌درختی درجه یک و دو، کشمش، پرتقال و کیوی با پرداخت حقوق ورودی ۴ درصد و مطابق سهمیه تعیین‌شده مجاز است. همچنین، واردات موز توسط مرزنشینان و پیله‌وران با رعایت سقف سهمیه و پرداخت سود بازرگانی کامل امکان‌پذیر است.

محصولاتی که به مناطق آزاد یا ویژه وارد و پس از پردازش صادر می‌شوند، مشمول این تسهیلات نیستند. میزان مجاز واردات موز به‌طوردقیق براساس وزن صادرات سیب و سایر میوه‌ها تعیین شده است. این طرح در راستای تقویت صادرات میوه‌های ایرانی و مدیریت بازار واردات موز، اجرایی می‌شود.



۱۰۰ هزار تن روغن خوراکی به‌بازار می‌آید

معاون توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی از تخصیص ۱۰۰ هزار تن روغن خام به تولیدکنندگان خبر داد؛ اقدامی که با وعده مسئولان مبنی بر بازگشت تعادل به بازار تا هفته آینده، نویدبخش کاهش التهاب و بهبود روند عرضه این کالای اساسی است.

به‌گزارش پایگاه خبری رسانه ۷، در پی بروز برخی کمبودها در بازار روغن خوراکی طی هفته‌های اخیر، معاون توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی از تخصیص ۱۰۰ هزار تن روغن خام به تولیدکنندگان داخلی خبر داد؛ اقدامی که به‌گفته مسئولان، می‌تواند به بازگشت آرامش به بازار کمک کند.

در هفته‌های گذشته، گزارش‌هایی از کمبود مقطعی روغن خوراکی در برخی مناطق کشور منتشر شد؛ به‌طوری‌که برخی فروشگاه‌ها فروش این کالا را منوط به خرید سایر اقلام مصرفی کرده بودند. این شرایط نگرانی‌هایی در میان مصرف‌کنندگان ایجاد کرد.

اما در واکنش به این وضعیت، شریفی، دبیر انجمن صنایع روغن نباتی ایران اعلام کرد که در سه‌ماهه نخست اسفال، ۴۷۰ هزار تن روغن نباتی در کشور تولید شده؛ رقمی که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۵ درصد افزایش داشته است. به‌گفته وی، این افزایش تولید در شرایطی رقم خورده که ۲ عامل مهم در مسیر تامین و توزیع اختلال ایجاد کرده‌اند:

۱. قطعی مگر برق در واحدهای تولیدی
۲. محدودیت در واردات روغن خام بسویا که از سوی وزارت جهاد کشاورزی اعمال شده است.

در همین حال، معاون توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی با تأکید بر اینکه تامین روغن برای مصارف خانوار و صنایع در اولویت است، اعلام کرد: «در راستای بهبود وضعیت عرضه، ۱۰۰ هزار تن روغن خام در اختیار تولیدکنندگان داخلی قرار می‌گیرد تا خلأ ایجادشده جبران و زنجیره تامین به‌سرعت ترمیم شود.» از سوی دیگر، مشیری، مدیرکل دفتر بازرگانی داخلی محصولات کشاورزی، نیز با بیان اینکه «بازار تا هفته آینده به تعادل خواهد رسید»، افزود:

«وزارتخانه تمرکز خود را بر افزایش استحصال روغن از دانه‌های روغنی داخلی گذاشته تا از وابستگی به واردات کاسته شود.» وی همچنین به برنامه‌ریزی برای تامین برق پایدار در کارخانه‌های روغن‌کشی اشاره کرد و آن را لازمه حفظ روند تولید دانست. باتوجه به مجموع اقدامات و تدابیر اعلام‌شده، انتظار می‌رود که در روزهای آینده، بازار روغن خوراکی به شرایط عادی بازگردد و دغدغه‌های مردم در این زمینه کاهش یابد.

لیلا محمودزاده
editor@smtnews.ir



بدترین خبری که در طول چند سال گذشته به کشاورزان اطلاع داده شده، همین ممنوعیت صادرات حبوبات است



ممنوعیت صادراتی، نخستین ضربه را به کشاورزان و بازرگانانی که سال‌های تلاش و فعالیت در کشور‌های هدف هستند، وارد می‌کند



باتوجه به قرارگیری در فصل برداشت حبوبات، دستور ممنوعیت صادراتی تأثیر آتچنانی نخواهد داشت

در پی ابلاغ ممنوعیت صادرات حبوبات مطرح شد

ممنوعیت ارزانی می‌آورد؟

در پی کمیابی و افزایش نرخ نجومی حبوبات در کشور، صادرات این محصول ممنوع شد



به‌دلیل افزایش بی‌رویه نرخ انواع حبوبات و به‌ویژه کمبود و نایابی لوبیاچیتی، صادرات انواع حبوبات به‌منظور ساماندهی به بازار این محصول و کنترل نرخ آن تا اطلاع بعدی ممنوع اعلام شد. بر همین اساس در این گزارش از ممنوعیت بررسی تأثیر ممنوعیت صادرات حبوبات بر کنترل بازار پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

روند صعودی خود را طی می‌کند و این روند تا به امروز ادامه دارد تا اینکه در ۲۲ تیر براساس نامه مدیرکل دفتر مقررات صادرات و واردات سازمان توسعه تجارت به گمرک، با استناد به نامه معاونت توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی مبنی بر ضرورت توقف صادرات حبوبات و استناد به مفاد ماده ۷۲ قانون برنامه هفتم توسعه کشور و شرایط بحرانی ایجادشده،

بررسی زیر و بم یک ممنوعیت

افزایشی قیمتی خود را مانند گذشته طی کند؛ موضوعی که عملکرد وزارت جهاد کشاورزی را که متولی اصلی تنظیم بازار محصولات کشاورزی است، بیش از پیش زیر سوال برده است. با گذری در فروشگاه‌های زنجیره‌ای و حتی مغازه‌های سطح شهر، مشاهده می‌شود که برخی از حبوبات مانند لوبیاچیتی کمیاب بوده و در صورت موجود بودن نیز با قیمتی در محدوده ۴۰۰ هزار تومانی به‌فروش می‌رسد، همچنین دیگر حبوبات مانند لپه، لوبیا قرمز، عدس و لوبیا سفید نیز قیمت‌های نجومی دارند. به‌اعتقاد برخی از کارشناسان این حوزه، وضعیت موجود در بازار

رونق تولید در گرو صادرات

نگاهی به تبعات ممنوعیت‌های صادراتی

وی بااشاره به تبعات دیگر ممنوعیت‌های صادراتی حبوبات و اهمیت تبادل محصول در حفظ بازارهای جهانی گفت: این ممنوعیت موجب از دست رفتن این بازارهای صادراتی شده و موجب می‌شود که رقبا و کشورهای همسایه جایگزین محصول ایرانی شوند، بنابراین معتقدم ممنوعیت صادراتی به‌ویژه در محصولاتی مانند نخود نباید وجود داشته باشد. از طرف دیگر باید توجه داشت که تجارت، تجارت آزاد است. امروز کشور هند از روسیه نخود را به زیر نرخ و حدود ۷۰۰ دلار در هر تن خریداری کرده و نخود خود را با نرخ هزار و ۳۰۰ تا هزار و ۴۰۰ دلار در هر تن صادر می‌کند؛ روشی که مانع به‌منظور ارزآوری و توسعه کشاورزی حبوبات می‌توانیم از آن الگو بگیریم. عضو هیات‌مدیره انجمن حبوبات و رئیس شورای ملی نخود، با انتقاد از صدور ابلاغیه ممنوعیت صادراتی ادامه داد: بازار همواره تابع عرضه و تقاضا است و نمی‌توان با اقدامات دستوری آن را تامین کرد. این دستورات موجب می‌شود که بازارهای داخلی و خارجی خود را از دست دهیم. وزارت جهاد کشاورزی به‌عنوان متولی این امر، باید حامی تولید و تولیدکننده باشد، اما هیچ حمایتی از آن ندارد. وظیفه تولیدکننده تامین نیاز مصرف‌کننده با نرخ پایین نیست، زیرا تولیدکننده هم براساس نرخ تورم و شرایط جامعه به

لیست قیمت حبوبات - تیر ۱۴۰۴	
ردیف	نوع حبوبات
۱	لوبیا قرمز
۲	لوبیا قرمز خرد
۳	لوبیا قرمز خرد
۴	لوبیا قرمز خرد
۵	لوبیا قرمز خرد
۶	لوبیا قرمز خرد
۷	لوبیا قرمز خرد
۸	لوبیا قرمز خرد
۹	لوبیا قرمز خرد
۱۰	لوبیا قرمز خرد

پیش‌بینی کاهش نرخ تا ۲۰ روز آینده

شده است، هم‌اکنون در بحث حبوبات و اقلام غذایی در حال حاضر هیچ کمبودی وجود ندارد. کنگری بااشاره به چالش‌های کشت حبوبات در سال گذشته گفت: باتوجه به افاتی که سال گذشته گریبانگیر حبوبات کشور شد، تولید این محصول کاهش یافت که در نتیجه موجب افزایش نرخ این محصول در بازار شد. اما پیش‌بینی می‌کنیم که با شروع برداشت این محصول تا حدود ۲۰ روز دیگر، نرخ آن نیز در بازار کاهش چشمگیری پیدا کند.

کمبود حبوبات و افزایش نرخ آن در ماه‌های گذشته به یکی از تیرهای اول رسانه‌های مکتوب و مجازی تبدیل شده است؛ موضوعی که انتظار می‌رفت، پس از گذشته چند ماه و شروع فصل برداشت سامان یابد و روند معکوس به خود گیرد، اما حال باوجود قرارگیری در فصل برداشت نرخ حبوبات به‌ویژه لوبیا چیتی، همچنان مانند بازار ارز و دلار

با شروع سال جدید، حبوبات با یک رشد قیمتی غیرمنتظره مواجه شد؛ موضوعی که موجب آن شد تا این محصول به تیر اول رسانه‌ها تبدیل شود و تیر «لوبیای نیم‌میلیونی» دست‌به‌دست بچرخد. حال که بیش از ۲ ماه از وعده وزیر جهاد کشاورزی برای ساماندهی مشکل گرانی حبوبات می‌گذرد و همچنان این محصول گران و کمیاب است، گرچه تلاش شد با نظارت‌های وسیع از افزایش قیمت‌های غیرمتعارف جلوگیری شود، اما بررسی‌های قیمتی در بازار حبوبات، راوی بی‌تأثیری این نظارت‌ها و شیوه مدیریت‌هاست که موجب شده است که این محصول، روند

ناصر مرادی، عضو هیات‌مدیره انجمن حبوبات و رئیس شورای ملی نخود، در گفت‌وگو با روزنامه «بازار» بااشاره به ممنوعیت صادرات حبوبات گفت: مخالف ایجاد ممنوعیت صادراتی هستیم، زیرا این ممنوعیت بسیاری از مشکلات و مسائل پشت‌پرده‌ای را به‌ویژه برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان دربرخواهد داشت.

وی ادامه داد: بدترین خبری که در طول چند سال گذشته به کشاورزان اطلاع داده شده، همین ممنوعیت صادرات حبوبات است، چراکه اکنون در فصل برداشت حبوبات هستیم و کشاورزان در حال عرضه محصول خود به بازار هستند. گرچه به‌اعتقاد برخی از فعالان و کارشناسان، صادرات عامل افزایش نرخ محصول است، معتقدم اصلا این‌طور نیست، بلکه صادرات موجب رونق تولید، عدم انباشت محصول در انبارها، سهولت در خرید و فروش و افزایش انگیزه کشاورزان این حوزه می‌شود.

عضو هیات‌مدیره انجمن حبوبات و رئیس شورای ملی نخود افزود: در بخش نخود که مازاد تولید داریم، این مازاد بر نیاز داخل باید صادر شود، در حالی که نخود در ۲ ماه گذشته در محدوده قیمتی ۱۰۰ تا ۱۱۰ هزار تومان توسط خریداران و بنکداران از کشاورزان خریداری شده، متأسفانه اکنون که در فصل برداشت آن هستیم، حداکثر نرخ آن کیلویی ۷۵ تا ۸۵ هزار تومان است، به‌معنای دیگر نه تنها شاهد افزایش نرخ نبوده‌ایم، بلکه روند کاهشی نیز داشته است، بنابراین این ممنوعیت صادرات موجب می‌شود که نرخ تولید کم شود، زیرا اگر کشاورز در تولید محصول خود سودی نبرد، سال دیگر از کشت دوباره آن جلوگیری خواهد کرد که همین موضوع موجب کاهش سطح زیر کشت کشور خواهد شد.

مرادی تأکید کرد: بنابراین ممنوعیت صادراتی، نخستین ضربه را به کشاورز و ضربه بعد را به تجار و بازرگانانی که سال‌های سال در حال تلاش و فعالیت در کشورهای هدف صادراتی هستند، وارد می‌کند و زحمات و هزینه‌هایی را که آنها برای شناساندن محصول ایرانی به بازارهای جهانی صرف کرده‌اند، از بین می‌برد.

رضا کنگری، رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران نیز در گفت‌وگو با «بازار» در این زمینه گفت: بازار حبوبات اکنون در رکود به‌سر می‌برد، بنابراین اگر کمبودی در بازار حبوبات در کشور احساس نشود، افزایش نرخ دوباره‌ای را شاهد نخواهیم بود، بنابراین باتوجه به اینکه در فصل برداشت محصول نیز هستیم، این مسئله نیز به کاهش قیمت‌ها کمک خواهد کرد.

وی گفت: بنابراین ممنوعیت صادراتی زمانی بر کاهش قیمت‌ها اثر خواهد گذاشت که کمبود در بازار ایجاد شود، اما اکنون باتوجه به قرارگیری در فصل برداشت حبوبات، این دستور تأثیر آتچنانی نخواهد داشت. رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران ادامه داد: براساس آمارهایی که به اتحادیه گزارش

گردوغبار و تغییر اقلیم؛ دو بحران درهم‌تنیده



حمیدرضا مضافی
کارشناس آب و خاک

پیش از آنکه به علل تغییرات اقلیمی و به‌تبع آن پدیده گردوغبار بپردازیم، باید به یک نکته بنیادین اشاره کنیم؛ تغییرات اقلیمی، برخاسته از سوءمدیریت انسانی است. دخالت‌های مداوم و نادرست انسان در طبیعت، آسیب‌های گسترده‌ای به چرخه‌های حیاتی وارد کرده است که اکنون با پدیده‌های نگران‌کننده‌ای چون ریزگردها، خشکسالی، گرمایش جهانی و تغییر بارندگی‌ها دست‌به‌گریبان هستیم. اما رابطه میان ریزگردها و تغییر اقلیم، رابطه‌ای دوسویه، پیچیده و چندلایه است؛ پدیده‌ای که مرزهای جغرافیایی را پشت‌سر گذاشته و به یک چالش جهانی تبدیل شده است.

امروزه پرسش‌های متعددی درباره گردوغبار مطرح است؛ این ذرات از کجا می‌آیند؟ چگونه منتشر می‌شوند؟ و چه تاثیری بر محیط‌زیست، آب‌وهوا، کیفیت خاک و اقیانوس‌ها دارند؟ پژوهش‌های علمی، به‌ویژه تحقیقات دانشگاه کلمبیا، نشان داده‌اند که ریزگردها از دو جهت بر اقلیم تاثیر می‌گذارند: نخست، از طریق پراکنده‌سازی یا جذب نور خورشید که تعادل حرارتی سطح زمین را بر هم می‌زند؛ دوم، با تغییر خواص نوری ابرها که در فرآیندهای بارش و رطوبت‌زایی نقش حیاتی دارند. از سوی دیگر، وجود عنصر آهن در ترکیب شیمیایی ریزگردها سبب می‌شود تا مواد مغذی در اقیانوس‌ها با اختلال جدی مواجه شوند. به‌طور خاص، این تغییر موجب افزایش بی‌رویه جلبک‌ها و فیتوپلانکتون‌ها می‌شود. نتیجه چنین رشد ناهنجاری، ایجاد شرایط غیرعادی زیستی در آب‌های آزاد است که ممکن است به مرگ گسترده آبزیان بینجامد.

در تاریخ زمین‌شناسی نیز نشانه‌های روشن از ارتباط ریزگردها با تغییرات اقلیمی وجود دارد. مطالعات انجام‌شده روی هسته‌های یخی و رسوبات دریایی نشان می‌دهد که در دوره‌های یخبندان، حجم ریزگردها بیشتر از امروز بوده، اما اکنون تنها با اتصال داده‌های موجود به منابع بین‌المللی نظیر پایگاه ملی آب‌وهوا (NCDC) و پایگاه ژئوشیمیایی رسوبات دریایی (SedDB)، بنیانی برای تصمیم‌گیری‌های اقلیمی آینده فراهم آورد. در همین راستا، پروژه‌ای تحت‌عنوان «نقشه آلودگی» نیز در حال تدوین است که با هدف شناسایی نواحی بحرانی در اقیانوس‌ها در برابر ریزگردها، در حال پیشبرد است.

اکنون نگاهی دقیق‌تر به تاثیر دوسویه میان ریزگرد و تغییر اقلیم ضروری است. تغییر اقلیم چگونه بر تولید ریزگرد اثر می‌گذارد؟ ریزگردها چگونه روند اقلیم را دگرگون می‌کنند؟ نخست، تغییر اقلیم از طریق افزایش دما، موجب افزایش تبخیر، کاهش رطوبت خاک و خشکی سطح زمین می‌شود. این روند، خاک را در برابر فرسایش بادی آسیب‌پذیرتر می‌سازد. کاهش بارندگی ناشی از تغییر اقلیم، به‌ویژه در مناطق غرب، جنوب‌غرب و شرق ایران، منجر به کاهش پوشش گیاهی شده و زمینه تولید گردوغبار را فراهم می‌کند. در کنار آن، افزایش دفعات و شدت خشکسالی‌ها، موجب خشکیدن تالاب‌هایی چون هامون، هورالعظیم و گلوخونی شده است؛ مناطقی که اکنون به کانون‌های تولید گردوغبار تبدیل شده‌اند.

در سوی دیگر، ریزگردها خود بر اقلیم تاثیر می‌گذارند. ذرات معلق هوا (Aerosols)، چه از نوع معدنی باشند و چه آلاینده‌های شهری، از طریق دو مکانیسم اثرگذار هستند: یکی اثر مستقیم، یعنی بازتاب یا جذب پرتوهای خورشید که می‌تواند باعث کاهش یا افزایش دمای سطح زمین شود؛ و دیگری اثر غیرمستقیم که از طریق تغییر در خواص ابرها (مانند تعداد قطرات، اندازه و عمر آنها) در نهایت منجر به تغییر الگوی بارش خواهد شد. برخی ریزگردها مانند دوده یا Black Carbon نیز با جذب انرژی خورشید، باعث گرم شدن جو و تشدید پدیده گلخانه‌ای می‌شوند. درباره ایران، برآوردهای نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) هشداردهنده است. خسارات سالانه ناشی از تغییر اقلیم در ایران حدود ۵ تا ۷ میلیارد دلار برآورد شده است؛ آن هم در سناریویی محافظه کارانه. در شرایط حادثار، این خسارات می‌تواند تا بیش از ۲۰ میلیارد دلار در سال تا سال ۲۰۳۰ افزایش یابد.

بخش‌هایی که بیشترین آسیب را می‌بینند شامل کشاورزی (با کاهش بهره‌وری، شسور شدن خاک و نابودی محصولات)، منابع آب (کاهش جریان رودخانه‌ها و خشک شدن منابع سطحی)، سلامت عمومی (افزایش بیماری‌های تنفسی و گرم‌زدگی) و زیرساخت‌ها (تخریب جاده‌ها، سدها و فرسایش شدید خاک) هستند.

برای مقابله با این بحران، راهکارهایی پیشنهاد شده است که در صورت اجرای اصولی، می‌تواند شرایط را تا حدی کنترل کند. نخست، مدیریت منابع آبی با اصلاح الگوی کشت، توسعه آبیاری نوین و جلوگیری از برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی ضروری است. دوم، احیای اکوسیستم‌های تخریب‌شده از طریق احیای تالاب‌ها، کاشت درختچه‌های مقاوم به خشکی و ایجاد بادشکن‌های زیستی، باید در دستور کار قرار گیرد. سوم، دیپلماسی محیط‌زیستی منطقه‌ای برای همکاری با کشورهای همسایه برای مهار کانون‌های گردوغبار فرامرزی اهمیت زیادی دارد. چهارم، استفاده از فناوری‌های نوین مانند مدل‌سازی اقلیمی و توسعه سامانه‌های هشدار سریع، می‌تواند در مدیریت بحران‌ها موثر باشد. پنجم، کاهش گازهای گلخانه‌ای از طریق توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و بهینه‌سازی مصرف سوخت در صنایع و حمل‌ونقل، الزامی است و نهایتاً، ارتقای آگاهی عمومی و تاب‌آوری اجتماعی از طریق آموزش‌های هدفمند، سنگ‌بنای پایداری در برابر بحران اقلیم و ریزگردها خواهد بود.

اکنون زمان آن رسیده است که این مسائل را صرفاً به‌عنوان دغدغه‌های محیط‌زیستی نگاه نکنیم؛ تغییر اقلیم و گردوغبار، تهدیدی مستقیم برای اقتصاد، سلامت و امنیت ملی ما هستند.

پیامدهای انتقال آب طالقان به تهران و البرز را بررسی کرد

سرآب توسعه، گردوغبار واقعیت



اقتصادی و حقوقی آن هشدار می‌دهند. در این زمینه، گفت‌وگویی داشته با محمد المونی، دبیر شبکه تشکل‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور که در ادامه می‌خوانید.

آثار اقتصادی گسترده، پنهان و بسیار خطرناکی نیز به‌دنبال دارند که سال‌ها بعد، در قالب بیماری، بحران معیشت، فرسایش خاک و ناپایداری جمعیتی، نمایان خواهند شد.

● **باتوجه به پیامدهای زیست‌محیطی گسترده طرح انتقال آب طالقان، آیا امکان پیگیری حقوقی و قضایی این پروژه وجود دارد؟ به‌ویژه با استناد به اصول قانونی مانند اصل ۵۰ قانون اساسی که بر لزوم حفاظت از محیط‌زیست تاکید دارد.** قطعاً چنین امکانی وجود دارد. پروژه انتقال آب از حوضه آبریز طالقان به تهران، به‌ویژه در سال‌های اخیر، با توسعه خطوط انتقال و اجرای فازهای جدید، وارد مرحله‌ای شده که زمینه طرح شکایت‌های حقوقی را به‌صورت جدی فراهم کرده است. این انتقال اشاره شده، باید توجه داشت که این پروژه اکنون ابعاد بسیار گسترده‌تری از آنچه در ابتدا تعریف شده بود، به خود گرفته است.

از منظر حقوقی، ذی‌نفعان حوزه مبدأ یعنی مردم، شوراهای و نهادهای مسئول در شهرستان‌های طالقان و استان قزوین، می‌توانند به استناد قوانین جاری کشور اقدام قضایی علیه این انتقال آب انجام دهند. برخی از این شکایت‌ها نیز در نهادهایی مانند دیوان عدالت اداری آغاز شده است.

موضوع مهم‌تر این است که آب انتقال‌یافته از طالقان، بخشی از حوضه آبریز سفیدرود محسوب می‌شود. طبق اصول طبیعی و بوم‌شناختی، این آب باید به مسیر خود ادامه دهد، وارد رودخانه سفیدرود شده و نهایتاً به دریای خزر برسد. اما نگاه غالب در مدیریت آب کشور، همچنان مبتنی بر این تفکر نادرست است که آب ریخته‌شده به دریا «هدررفته» محسوب می‌شود، بی‌آنکه به نقش اکولوژیک آن در حفظ حیات دریا و تالاب‌ها توجه شود. در مقابل، دشت قزوین امروز با کمبود شدید منابع آبی مواجه است و برای جبران این کمبود، پروژه‌هایی طراحی شده‌اند که با حفر تونل‌های انحرافی، بخشی از جریان رودخانه شاهرود را به این دشت منتقل کنند. اما ایمن زنجیره به همین‌جا ختم نمی‌شود؛ برای جبران کاهش حجم ذخایر سد منجیل و آب ورودی به سفیدرود، اکنون بحث‌هایی درباره انتقال آب از مناطق زنجان یا کردستان نیز مطرح شده، چنین الگویی، چرخه‌ای معیوب، پرهزینه و در نهایت، ویرانگر است.

این روند، بیشتر از آنکه مبتنی بر منافع عمومی و حفاظت از منابع طبیعی باشد، سودآوری مقطعی برای پیمانکاران و مجریان پروژه‌ها را در اولویت قرار داده است. به‌بیان دیگر، این چرخه شاید برای برخی «نان» داشته باشد، اما برای اکثریت مردم، «آب» نخواهد داشت.

نکته مهم دیگر، موضوع هدررفت بالای آب در شبکه توزیع تهران است. طبق آمار رسمی، نزدیک به ۳۰ درصد آب در سامانه ابرسانی تهران به‌دلیل فرسودگی، نشت و مدیریت ناکارآمد تلف می‌شود. این رقم معادل میلیون‌ها مترمکعب آب در سال است. اگر همین میزان تنها با اصلاح شبکه بازآیی شود، دیگر نیازی به انتقال منابع از سایر حوضه‌ها نخواهد بود و هزینه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی بسیاری نیز از دوش کشور برداشته خواهد شد.

در نتیجه، ضروری است استان‌های شمالی کشور و دشت قزوین، به‌صورت رسمی و حقوقی، نسبت به اقدامات دولت و استان تهران اعتراض و اقامه دعوا کنند. تهران نمی‌تواند بدون جبران هزینه‌ها و اصلاح ساختار مصرف خود، به‌طوریک‌جانبه از منابع سایر حوضه‌ها بهره‌برداری کند. این نه‌تنها خلاف عدالت منطقه‌ای است، بلکه نقض صریح اصل ۵۰ قانون اساسی و اصول پایداری توسعه کشور به‌شمار می‌رود.

معرفی کرده و از شتاب دوربرابری اجرای آن در ماه‌های اخیر خبر داده است؛ این در حالی است که کارشناسان محیط‌زیست این طرح را برای مبدأ و مقصد این طرح، زیانبار دانسته و نسبت به پیامدهای محیط‌زیستی،

بازر آن، پیامدهای گردوغبار، افت سطح آب‌های زیرزمینی و پدیده فرونشست زمین است؛ خساراتی که مجموعاً ده‌ها میلیارد دلار هزینه بر جامعه تحمیل می‌کنند. این هزینه‌ها، در نهایت، از جیب مردم پرداخت خواهد شد.

نمونه‌ای روشن از این بحران، سد امیرکبیر (کرج) است که حدود ۶دهه پیش با هدف تامین آب شرب تهران و در عین حال حفظ حقایقه‌های دشت‌های پایین‌دست مانند اشتهاارد و شهریار ساخته شد. اما طی یک دهه اخیر، این حقایقه‌ها عملاً به‌طورکامل قطع شده‌اند و تمام ظرفیت آبی سد به تهران منتقل شده است. این امر منجر به خشکی شدید دشت‌ها، افت سفره‌های آب زیرزمینی و افزایش برداشت‌های غیرمجاز و قاچاق آب برای کشاورزی شده است.

در نتیجه، ما با پدیده‌ای به نام خشکیدگی مواجه شده‌ایم که فرایند تدریجی از دست رفتن زیست‌پذیری سرزمین که حتی با بارندگی‌های موقت یا احیای موقتی منابع آبی نیز قابل‌بازگشت نیست. اکنون بسیاری از دشت‌های جنوب البرز مرکزی، عملاً از دست رفته است.

از منظر مدیریت خاک و منابع طبیعی، ایمن مناطق در حال تبدیل شدن به کانون‌های محلی گردوغبار هستند. تالاب‌هایی مانند صالحیه، علی‌آباد و الله‌آباد امروز ظرفیت بسیار بالایی در تولید گردوغبار دارند؛ فقط یکی از آنها می‌تواند تا یک میلیون مترمکعب گردوغبار تولید کند. در جنوب تهران نیز، کانون‌های کوچک‌تری در حال شکل‌گیری‌اند که نشانه‌های هشداردهنده‌ای از آینده‌ای ناپایدار هستند.

نکته مهم این است که آنچه از دست می‌رود، صرفاً آب نیست، بلکه چرخه حیات یک منطقه است. انتقال آب از یک حوضه به حوضه‌ای دیگر، چه از طریق سدسازی و چه با پروژه‌های مستقیم انتقال، توازن زیستی را به‌هم می‌زند. پیامد نهایی، مهاجرت‌های گسترده انسانی از مناطق تخریب‌شده خواهد بود؛ در حالی که حضور جوامع بومی برای پایداری زیست‌محیطی آن مناطق حیاتی است.

به‌عنوان نمونه، تالاب‌هایی مانند صالحیه در صورت حفظ و احیا، مامن پرندگان مهاجری هستند که در کنترل طبیعی آفات نقش حیاتی دارند. با خشک شدن این تالاب‌ها، زیستگاه پرندگان از میان می‌رود و در فصل‌های حساس، دیگر امکان حضور آنها نیست. نتیجه آن، طغیان آفات است که مقابله با آن، نیازمند میلیاردها تومان هزینه برای خرید سموم و استفاده از روش‌های کنترل شیمیایی است.

مسئله نگران‌کننده‌تر این است که ما درباره اکوسیستم‌های دورافتاده صحبت نمی‌کنیم؛ بلکه این مناطق دقیقاً در حاشیه و حتی در دل پرتراکم‌ترین مراکز جمعیتی کشور، یعنی تهران، کرج و جنوب آن قرار دارند. بحران‌های زیست‌محیطی این مناطق، مستقیماً حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت کشور را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.

متأسفانه، اطلاعات دقیق و به‌روز درباره کیفیت گردوغبار، آلودگی خاک و وضعیت سموم در این مناطق در دسترس نیست. آخرین مطالعات ما به سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ بازمی‌گردد. در ۵ تا ۶ سال اخیر، هیچ پایش جامعی درباره میزان آلودگی‌ها، فلزات سنگین، پسماندهای صنعتی یا تاثیر دامداری‌ها و واحدهای صنعتی مستقر در این مناطق انجام نگرفته و ترکیب این آلاینده‌ها با گردوغبار، منجر به تهدید مستقیم سلامت عمومی شده است.

آسیب‌های ناشی از انتقال آب، صرفاً زیست‌محیطی نیستند؛ به‌تنها از نظر زیست‌محیطی و اجتماعی پرهزینه هستند، بلکه

در حالی‌که کشور یکی از شدیدترین خشکسالی‌های ۶۰سال اخیر را تجربه می‌کند، وزیر نیرو، عباس علی‌آبادی، پروژه انتقال آب طالقان به کرج را راهکاری راهبردی برای تامین آب شرب استان‌های پرجمعیت

● **ارزایی کلی شما از طرح انتقال آب طالقان به بیلقان چیست و این طرح را از منظر محیط‌زیستی چگونه تحلیل می‌کنید؟** طرح انتقال آب طالقان به بیلقان، از دیدگاه ما اساساً به‌عنوان یک پروژه انتقال بین‌حوضه‌ای، مردود است. حتی پیش از انقلاب، انتقال‌هایی انجام گرفته بود که بخشی از آن مربوط به حقابه استان قزوین بود. برای مثال، ۲۵میلیون مترمکعب آب از رودخانه شاهرود به‌عنوان حقابه دشت قزوین در نظر گرفته شده بود که آن هم مصداق انتقال بین‌حوضه‌ای است.

براساس اصول جهانی مدیریت منابع آب، به‌ویژه چارچوب‌های یونسکو، انتقال آب فقط باید به‌عنوان آخرین راهکار انجام گیرد، آن هم تنها برای تامین آب شرب و با دریافت مجوز و نظارت کامل نهادهای مسئول از جمله وزارت نیرو. همین نگاه در برنامه هفتم توسعه کشور نیز موردتاکید قرار گرفته؛ یعنی انتقال آب، جز در شرایط خاص برای شرب، ممنوع است.

اما مسئله آنجاست که در گذشته، بدون توجه به این اصول، مجوزهایی برای پروژه‌های انتقال آب صادر شده است. به‌عنوان‌مثال، طرح بزرگ شرکت عمران دشت قزوین در اوایل دهه ۵۰ خورشیدی، با هدف تبدیل این دشت به بزرگ‌ترین آبخوان یکپارچه کشور و پایه‌ریزی کشاورزی برنامه‌نظام‌مند در منطقه طراحی شده بود. در آن زمان، پارادایم غالب، هنوز دغدغه‌های محیط‌زیستی امروز را نداشت و انتقال آب به‌عنوان راهکار توسعه تلقی می‌شد.

در ۲ دهه اخیر، حجم جدیدی از آب از طریق سدسازی روی رودخانه طالقان برای تهران تخصیص یافته است؛ رقمی در حدود ۱۵۰میلیون مترمکعب. این اقدام بربنای یک پیش‌فرض نادرست درباره رشد جمعیتی تهران انجام شده و اساساً نوعی خطای راهبردی در برنامه‌ریزی توسعه کشور است. در حالی‌که اسناد بالادستی بر کاهش تمرکز جمعیت در تهران و توسعه متوازن سایر استان‌ها تاکید دارند، با سیاست‌های این‌چنینی عملاً سیگنال معکوس به جامعه داده می‌شود؛ اینکه تهران کمبود آب نخواهد داشت و توسعه در پایتخت ادامه‌پذیر است. هیچ داده شفافی درباره کمیت، کیفیت یا هزینه این «تخفیف آبی» برای تهران ارائه نمی‌شود و در نتیجه تمرکز جمعیت و بارگذاری بیش از ظرفیت همچنان ادامه دارد.

اما این آب دقیقاً چه می‌شود و به کجا می‌رود؟ تهران و حومه آن، آب را از ۴ تا ۵ استان مختلف می‌بلعد. از سدهای کرج، طالقان، لتیان و حتی سایر منابع کوچک‌تر، آب به‌سوی تهران هدایت شده است. در ۵دهه گذشته، هرجا آب جاری بوده، سدی ساخته‌اند تا آب به پایتخت برسد. باین‌همه، همچنان فریاد بی‌آبی بلند است؛ چرا؟ به‌دلیل نبود شفافیت. این روند،خلاف اصول مدیریت منابع، برنامه هفتم توسعه و چارچوب‌های جهانی یونسکو است. تخلفی آشکار در حال وقوع است که متأسفانه پشت مفاهیمی چون «پدافندغیرعامل»، «امنیت آبی» و «نگهداری پایتخت به هر شکل ممکن» پنهان می‌شوند. اما آسیب اصلی این روند، پیش از همه، به خود تهران بازمی‌گردد.

وقتی حقابه‌ها را بدون پاسخگویی، بدون شفاف‌سازی و بدون برنامه‌ریزی عادلانه به تهران منتقل می‌کنیم، تالاب‌هایی مانند الله‌آباد و صالحیه خشک می‌شوند. در حالی‌که اعلام می‌شود سدسازی انجام شده و آب کافی داریم، به مردم وعده داده می‌شود که کشاورزی را توسعه دهند. اما در واقع، ما پهنه‌های وسیع تالابی در غرب تهران و کرج را، که در مسیر بادهای غالب غرب به شرق قرار دارند، خشک کرده‌ایم. در نتیجه با کوچک‌ترین نسیمی، گردوغبار حاصل از بستر خشک این تالاب‌ها به درون شهر و حلق مردم تهران و کرج نفوذ می‌کند.

● **این انتقال‌های آبی چه ارتباطی با مسائل زیست‌محیطی و اقتصادی منطقه دارد؟ لطفاً دقیق‌تر توضیح دهید که این پروژه‌ها چه تبعاتی برای اکوسیستم‌ها، جانوران، پوشش گیاهی و در نهایت برای اقتصاد کشور به‌همراه دارند.**

آسیب‌های ناشی از انتقال آب، صرفاً زیست‌محیطی نیستند؛ تبعات اقتصادی آنها نیز بسیار سنگین است. یکی از نمودهای



در دهه گذشته، هرجا آب جاری بوده، سدی ساخته‌اند تا آب به پایتخت برسد. با این‌همه، همچنان فریاد بی‌آبی بلند است



از منظر حقوقی، ذی‌نفعان حوزه مبدأ یعنی مردم، شوراهای و نهادهای مسئول در شهرستان‌های طالقان و استان قزوین، می‌توانند به استناد قوانین جاری کشور، اقدام قضایی علیه این انتقال آب انجام دهند

سخن پایانی

خواهد کرد.

کشور نیازمند بازنگری در الگوی مدیریت منابع آب و اولویت دادن به عدالت منطقه‌ای، شفافیت و نگاه بین‌رشته‌ای است، نه تکرار خطاهای توسعه‌محور گذشته.

نقشه راه امریکا برای بازگشت به قاره سیاه

وقتی جدال کریدورها میان پکن و واشنگتن اوج می گیرد



رقابت خاموش کریدورها

ارتباط با این طرح امضا کرده‌اند و نتیجه آن، سرمایه‌گذاری میلیاردی چین در ساخت جاده‌ها، بنادر، خطوط آهن و دیگر زیرساخت‌های کلیدی بوده است. تنها در سال ۲۰۲۳، حدود ۲۱.۷ میلیارد دلار وام به واسطه این کریدور به کشورهای افریقایی اعطا شده است.

این‌حجم از جریان مالی، ماهیتی ژئوپلیتیکی دارد و برای چین

رویارویی با چین در قاره سیاه

اقتصادی سودآور و رشدآفرین را امکان پذیر می‌سازند. این پروژه شامل ساخت ۵۵۰ کیلومتر خط آهن جدید در زامبیا از منطقه «جیمبه» در مرز، تا «چینگولا» در کمربند مس زامبیاست. این خط به ریل تازه‌ساخته در آنگولا به خط بنگولا در لوانگو می‌پیوندد و به این ترتیب، یک مسیر صادرات در بایلی جدید از زامبیا به اقیانوس اطلس ایجاد می‌شود. همچنین پروژه شامل احداث ۲۶۰ کیلومتر جاده فرعی و نوسازی خط بنگولا با قدمتی بیش از ۱۲۰ سال است.

■ **خیز برای گذار انرژی**

به نوشته ژئوپلیتیکال مانیتور، کریدور لوبیتو همچنین در راستای منافع کلان اقتصادی غرب قابل تبیین است، به‌ویژه در زمینه تأمین مواد معدنی حیاتی برای گذار به انرژی‌های پاک. این مسیر صادراتی، جریان تجاری غرب‌گرا از کشورهای افریقایی را تقویت می‌کند. در این میان تمرکز ویژه‌ای بر مس وجود دارد، چرا که این خط آهن جدید برای نخستین بار کمربند مس زامبیا را به بندر دریایی در اقیانوس اطلس متصل می‌کند و امکان صادرات آسان‌تر از معادن زامبیا و کنگو را فراهم می‌سازد. پیش از این، صادرات فلزات زامبیا عمدتاً از طریق بندر دارالسلام در تانزانیا انجام می‌گرفت. در اوت ۲۰۲۴، ایالات متحده نقشه راه آینده کریدور لوبیتو را

پشت پرده بازگشت امریکا به قاره سیاه

احساس می‌شود، در همین راستا کریدور لوبیتو تلاش می‌کند چنین جایگزینی باشد. برخلاف پروژه‌های سنتی کمربند و جاده که عمدتاً دوجانبه هستند، این طرح با مشارکت نهادهای منطقه‌ای نظیر بانک توسعه افریقا کلید خورده است.

حضور بانک توسعه افریقا دو نقش کلیدی ایفا می‌کند: نخست، در سطح مالی، با جذب منابع برای پروژه‌هایی که بازگشت سرمایه آنها بلندمدت یا نامشخص است (مانند ۱۶ میلیارد دلار جذب‌شده در ۲۰۲۳)، دوم، در سطح سیاسی، با کاهش نگرانی‌ها درباره استعمار نوین از سوی قدرت‌های بزرگ. رویکرد چندجانبه پای سایر نهاده‌ا را نیز باز کرده است.

برای نمونه، بانک جهانی برای نخستین بار از سال ۲۰۰۲، ۳۰۰ میلیون دلار به یک پروژه زیرساختی در افریقا اختصاص داد. کمسیون

هرگونه ابتکار امریکایی در افریقا ناگزیر باید با استراتژی بلندمدت و فراگیرتر چین رقابت کند. در دهه گذشته، چین به واسطه «ابتکار کمربند و جاده» (BRI) – پروژه‌ای عظیم برای توسعه اقتصادی و زیرساختی که آسیا، اروپا و افریقا را در بر می‌گیرد – حضوری پررنگ در این قاره داشته است. تاکنون ۵۲ دولت افریقایی تفاهنامه‌هایی در

پروژه کریدور لوبیتو، ابتکاری با حمایت ایالات متحده است که تلاش دارد مشابه‌طرح کمربند و جاده اما با سبک امریکایی با افریقا تعامل کند. این پروژه در اکتبر ۲۰۲۳ در جریان «مجمع دروازه جهانی اتحادیه اروپا» معرفی شد و با مشارکت بانک توسعه افریقا (AfDB)، شرکت مالی افریقا (AFC)، ایالات متحده و کمیسسیون اروپا، احداث یک خط آهن بین‌شمال غرب زامبیا و بندر لوبیتو در سواحل اقیانوس اطلس آنگولا را در دستور کارش قرار داد. مساختار تأمین مالی این پروژه مشابه کمربند و جاده است، با این تفاوت که ایالات متحده نقش تسهیل‌گر اصلی را ایفا کرده و هم‌زمان از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز بهره می‌برد. از ابتدای پروژه تا سپتامبر ۲۰۲۴، امریکا بیش از ۳ میلیارد دلار در حوزه‌هایی همچون حمل‌ونقل، کشاورزی، انرژی پاک، سلامت و دسترسی دیجیتال سرمایه‌گذاری کرده است. بخش اعظم این بودجه از طریق ابتکار «مشارکت برای زیرساخت جهانی» (PGI) تأمین می‌شود، طرحی که در سال ۲۰۲۲ توسط کشورهای گروه ۷ برای حضور موثرتر در بازار زیرساخت جهانی راه‌اندازی شد. هدف اصلی کریدور لوبیتو، همانند طرح کمربند و جاده، احداث زیرساخت در کشورهایی است که از کمبود سرمایه رنج می‌برند؛ زیرساخت‌هایی که شاید خود سودآور نباشند، اما فعالیت‌های

اهمیت کریدور لوبیتو غیرقابل انکار است. اگرچه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین همچنان از غرب بیشتر است – حدود ۴ میلیارد دلار در سال بین ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ – اما این برتری در حال کاهش است. رکود اقتصادی پس از کرونا و کاهش توان وام‌دهی، سرمایه‌گذاری چین برای طرح کمربند و جاده در افریقا از ۱۶.۵ میلیارد دلار در ۲۰۲۱ به ۷.۵ میلیارد دلار در ۲۰۲۳ رسانده؛ این یعنی کاهش ۵۵ درصدی. همچنین، طبق گزارش اندیشکده بروکل، خستگی عمومی از طرح کمربند و جاده به دلیل نگرانی‌های فزاینده از بدهی، در بسیاری مناطق مشاهده شده و تصویر این پروژه بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ در افکار عمومی خدشه‌دار شده است. در اینجاست که فرصت واقعی برای پروژه کریدور لوبیتو و حامیان غربی آن پدیدار می‌شود. نه از منظر سود اقتصادی مستقیم، بلکه به‌عنوان جایگزینی جذاب در عرصه دیپلماسی نرم، به‌ویژه در فضای فعلی که نیاز به شفافیت و پرهیز از دام بدهی‌ها

پس از ماه‌ها ثبات در نرخ تورم، داده‌های جدید نشان می‌دهند که قیمت‌ها در امریکا در ماه ژوئن با سرعت بیشتری رشد کرده‌اند. افزایش تدریجی تأثیر تعرفه‌های وارداتی بر کالاها و خدمات، عامل اصلی این جهش عنوان شده و کارشناسان انتظار دارند تورم در ادامه سال نیز افزایش یابد. به گزارش اقتصادآنلاین، نشریه بلومبرگ در گزارشی به افزایش تورم امریکا در پی تعرفه‌های جدید دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری امریکا پرداخته است. این نشریه در گزارش خود آورده است: پس از ماه‌ها تورم اندک، مصرف‌کنندگان امریکایی احتمالاً در ماه ژوئن شاهد افزایش اندک، اما محسوس قیمت‌ها بوده‌اند؛ چرا که شرکت‌ها شروع کرده‌اند هزینه‌های بالاتر ناشی از واردات مشمول تعرفه را به مصرف‌کنندگان منتقل کنند. بر اساس نظرسنجی بلومبرگ از اقتصاددانان، نرخ کالاها و خدمات، به‌استثنای اقلام پایدیار مانند غذا و انرژی، در ماه ژوئن ۰.۳ درصد افزایش یافته که بیشترین میزان در پنج ماه گذشته محسوب می‌شود. در ماه مه، شاخص اصلی نرخ مصرف‌کننده تنها ۰.۱ درصد رشد داشت. این شاخص که به‌عنوان معیاری دقیق‌تر برای سنجش تورم زیربنایی شناخته می‌شود، برای نخستین‌بار از ژانویه به این سو، در مقیاس سالانه شتاب گرفته و به ۲.۹ درصد رسیده است.

در حالی که گزارش روز سه‌شنبه احتمالاً تنها بخشی از اثرگذاری تعرفه‌های بالاتر وارداتی امریکا را نشان خواهد داد، بسیاری از اقتصاددانان انتظار دارند تورم در ادامه سال به‌تدریج افزایش یابد. با این حال، بسیاری از خرده‌فروشان در تعیین قیمت‌های جدید برای مصرف‌کنندگان امریکایی محتاط عمل می‌کنند، چرا که کاهش داغی بازار کار منجر به احتیاط بیشتر در هزینه‌کرد شده است.

این وضعیت نوعی بازی متوازن محسوب می‌شود. ■ **فروش خرده‌فروشی و پیش‌بینی رشد اقتصادی امریکا** انتظار می‌رود آمار فروش خرده‌فروشی که روز پنج‌شنبه منتشر می‌شود، تنها افزایش اندکی را در ماه ژوئن نشان دهد؛ آن‌هم پس از دو ماه متوالی کاهش. جزییات این داده‌ها که عمدتاً منعکس‌کننده مخارج برای کالاها هستند، به اقتصاددانان کمک خواهد کرد تا برآوردهای خود از رشد اقتصادی سه‌ماهه دوم را دقیق‌تر کنند. در حالی که تقاضای مصرف‌کننده و بازار کار هر دو با

سه‌شنبه	۲۴ تیر ۱۴۰۴
۱۱	۱۲ مردم ۱۳۲۷
۱۵	۱۵ زوئیه ۲۰۴۵
۲۵	شهریور ۲۱۵۰
۲۶	مهر ۲۱۶۸

شکندنگی اقتصادی رژیم صهیونیستی

در سایه جنگ و بی‌ثباتی مالی

اقتصاد رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر همواره با تصویری از رشد فناورانه، نوآوری بالا و پایداری مالی معرفی شده است؛ اما بعد از جنگ تحمیلی علیه ایران مشخص شد واقعیت چیز دیگری است.

به گزارش مهر، اقتصاد رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر همواره با تصویری از رشد فناورانه، نوآوری بالا و پایداری مالی معرفی شده است؛ تصویری که در نگاه اول ممکن است این تصور را ایجاد کند که این رژیم از توان اقتصادی بالایی برای مدیریت بحران‌ها، ازجمله درگیری‌های نظامی، برخوردار است. با این حال، بررسی مسداتی تحولات اخیر به‌ویژه در پی جنگ فراگیر با مقاومت فلسطین و آغاز تقابل مستقیم با جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که این بنیان اقتصادی بسیار شکننده‌تر از آن چیزی است که در تبلیغات رسمی به نمایش گذاشته می‌شود.

آمارهای منتشرشده از منابعی مانند بانک مرکزی اسرائیل، وزارت دارایی این رژیم و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی ازجمله رویترز و رسانه‌های عبری، گویای آن است که زیرساخت‌های اقتصادی اسرائیل در برابر یک جنگ تمام‌عیار، تاب‌آوری بسیار محدودی دارند. این تحلیل به بررسی ابعاد گوناگون آسیب‌پذیری اقتصاد اسرائیل در حوزه‌های بودجه، بدهی، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و خروج سرمایه می‌پردازد و واقعیتی متفاوت از آنچه رسانه‌های غربی تبلیغ می‌کنند، به تصویر می‌کشد.

■ **بافتن اقتصاد اسرائیل: آسیب‌پذیر و پریسک**

واقعیت میدانی جنگ با رژیم صهیونیستی حاکی از آن است که بنیان‌های اقتصادی این رژیم در برابر یک جنگ تمام‌عیار، از آسیب‌پذیری بالایی برخوردار است. در همین مدت کوتاه از آغاز تقابل نظامی با ایران، نشانه‌های بارز این آسیب‌پذیری کاملاً مشهود شده است. هزینه روزانهٔ ۱.۵ میلیارد دلاری جنگ، تعطیلی میدان‌بن گازی و نفتی، افزایش بیکاری و ورود اقتصاد به مرحله‌ای از رکود جنگی، تنها بخشی از شواهد این شکنندگی ساختاری است.

اقتصاد رژیم صهیونیستی به‌شدت فناوری‌محور است، اما اتکای آن به بخش‌هایی محدود مانند فناوری پیشرفته و صادرات گاز طبیعی باعث شده است تا در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی به‌ویژه در جنگ با ایران، تاب‌آوری اقتصادی بسیار کمی داشته باشد. هرگونه اختلال در این دو بخش حیاتی، درآمدهای ارزی دولت را به‌شدت کاهش می‌دهد؛ پدیده‌ای که در روزهای اخیر به‌وضوح مشاهده شده است.

از نسوی دیگر، اسرائیل با سطح بالایی از کسری بودجه و وابستگی شدید به هزینه‌های نظامی روبه‌روست. تداوم جنگ، فشار مالی بی‌سابقه‌ای بر دولت این رژیم وارد کرده و ساختار بودجهٔ آن را به‌شدت متزلزل کرده است. براساس گزارش رویترز به نقل از بانک مرکزی اسرائیل و وزارت دارایی این رژیم، کسری بودجه این رژیم در سال ۲۰۲۴ به ۶.۹ درصد تولید ناخالص داخلی رسید که بالاترین میزان از سال ۲۰۲۰ تاکنون بوده و علت اصلی آن افزایش شدید هزینه‌های دفاعی اعلام شده است. در حالی که دولت قصدگذاری کاهش کسری به کمتر از ۳ درصد تا سال ۲۰۲۸ را مطرح کرده، بانک مرکزی اسرائیل هشدار داده که پیش‌بینی کسری برای سال‌های ۲۰۲۷ و ۲۰۲۸ به بیش ۳.۵ تا ۴ درصد باقی خواهد ماند و تحقق این پیش‌بینی در گرو عدم تشدید درگیری‌های نظامی است. به علاوه، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۴ به ۶۹ درصد رسیده بود و اقتصاد اسرائیل تنها حدود یک درصد رشد داشت که یکی از ضعیف‌ترین عملکردهای اقتصادی در دهه اخیر به شمار می‌آید. با وجود این شرایط، وزیر دارایی اسرائیل مدعی است که اقتصاد این کشور قوی بوده و پس از پایان جنگ، رتبه اعتباری آن بهبود خواهد یافت. اما واقعیت آن است که هزینه‌های جنگ، ازجمله هزینه دفاع هوایی گنبد آهنین، بسیج نیروها و حملات هوایی مستمر، بسیار سنگین بوده و فشار مالی شدیدی به دولت وارد کرده است. در جدیدترین گزارش منتشره، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی به ۶۷ درصد رسیده و کسری بودجه نیز به ۸.۳ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافته که بسیار بالاتر از پیش‌بینی قبلی (۶.۶ درصد) است.

افزایش خروج سرمایه از کشور، کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری و شکل‌گیری انتظارات تورمی در جامعه، چالش‌هایی جدی برای اقتصاد این رژیم ایجاد کرده‌اند. بر اساس آمار بانک مرکزی اسرائیل، تنها در سه‌ماهه سوم سال ۲۰۲۳، حدود ۲.۱۸ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج شده است. این عدد در سه‌ماهه اول ۲۰۲۴ به ۳.۱۹ میلیارد دلار و در سه‌ماهه دوم به ۳.۵۱ میلیارد دلار افزایش یافته که به معنای خروج بیش از ۷ میلیارد دلار سرمایه در کمتر از ۶ ماه است؛ رقمی که تقریباً دو برابر مجموع خروج سرمایه طی سه سال گذشته است. بخش خصوصی نیز که نقش مؤثری در اقتصاد اسرائیل دارد، با فضای پریسک و بی‌ثبات فعلی روبه‌رو شده است. تعطیلی گسترده کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ و افزایش نرخ بیکاری، از دیگر پیامدهای مستقیم تداوم جنگ برای ساختار اسرائیل است.

یکی از نکات قابل تأمل پیرامون اقتصاد رژیم اشغالی این است که برای نخستین‌بار در یک دهه گذشته، اسرائیل از فهرست ۱۰ کشور اول مقصد مهاجرت ثروتمندان حذف شده است. این امر نشانه‌ای روشن از کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری و افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی است. بانک مرکزی اسرائیل نیز پیش‌بینی کرده که ارزش سرمایه‌گذاری اسرائیلی‌ها در خارج ممکن است به بیش از ۲۰۰ میلیارد شکل (معادل ۵۳ میلیارد دلار) برسد؛ عددی بی‌سابقه که بیانگر بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران داخلی به آینده اقتصاد این رژیم است.

در حالی که خریداران اصلی اوراق قرضه اسرائیل – صندوق‌های بازتنسگتی و مؤسسات بزرگ سرمایه‌گذاری فعلاً به دلیل نرخ‌های بهره بالا همچنان در بازار باقی مانده‌اند، اما علاقه فزاینده‌ای به فروش اوراق یا عدم خرید آنها دیده می‌شود. دلیل این بی‌اعتمادی، نگرانی از پیامدهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حکمرانی ناشی از جنگ است. شکندنگی اقتصادی رژیم صهیونیستی در سایه جنگ و بی‌ثباتی مالی در مجموع، آنچه از تحلیل‌ها و آمارهای رسمی برمی‌آید، آن است که اقتصاد اسرائیل تاب جنگ بلندمدت با ایران آید، ندارد. با تداوم جنگ فرسایشی، رژیم صهیونیستی با بحران‌های عمیق‌تری در حوزه مالی، سرمایه‌گذاری و حکمرانی اقتصادی روبه‌رو خواهد شد. این بدین معنی است که چنین اقتصاد آسیب‌پذیده‌ای توان رویارویی با توانمندی‌های بالقوه و بالفعل جمهوری اسلامی ایران نداشته و اگر بخواهد بیش از اسناده به جنون خود ادامه دهد، به نحوی تنبیه خواهد شد که امواج دفاعی و آفندی وعده صادق در مقابل آن شوخی بیش نباشد.

دسترسی بی‌سابقه‌ای به منابع معدنی افریقا را فراهم کرده است. به‌عنوان مثال، در جمهوری دموکراتیک کنگو، شرکت‌های چینی مالک ۷۲ درصد از معادن کبالت و مس هستند و در گینه نیز صنایع بوکسیت تحت سلطه شرکت‌های چینی است. آنها همچنین از ذی‌نفعان اصلی معدن بزرگ آهن سیمان‌دو در این کشور محسوب می‌شوند.

با اعلام طرح‌هایی برای گسترش این مسیر به سمت تانزانیا، تبیین کرد، «هلینا ماتنزا»، هماهنگ‌کننده ویژهٔ این طرح در وزارت خارجه امریکا، اعلام کرد که هدف ایالات متحده، تحقق یک «کریدور قاره‌ای» از اقیانوس اطلس تا اقیانوس هند است، نه مجموعه‌ای از پروژه‌های پراکنده. او همچنین تأکید داشت که فاز نخست پروژه (نوسازی خط بنگولا) به‌خوبی پیش می‌رود و نخستین محموله‌های مس از کنگو به امریکا صادر شده‌اند. فاز دوم، شامل ساخت خط آهن در زامبیا، پس از اتمام مطالعات امکان‌سنجی آغاز خواهد شد.

گرچه در نگاه نخست، باز کردن این مسیر برای تجارت شرق‌محور از طریق دارالسلام ممکن است با منطق ژئوپلیتیک «صفر و یک» ناسازگار به‌نظر برسد، اما این تصمیم در چارچوب تفکر بلندمدت قابل درک است. زیرساخت‌های مرتبط، عمدتاً در قالب خط آهن تانازا (که دارالسلام را به کایریرا امپوشی در زامبیا متصل می‌کند) از پیش موجود است. برای اتصال این مسیر به کریدور لوبیتو در چینگولا، تنها ۲۰۰ کیلومتر خط آهن جدید نیاز است. افزون بر این، تحقق این کریدور قاره‌ای به افزایش اعتبار نرم‌افزار PGI در میان کشورهای افریقایی کمک می‌کند؛ چرا که این طرح بر توسعه پایدار، حکمرانی خوب و رشد منطقه‌ای تأکید دارد.

روایتی از تلاش برای گسترش نفوذ امریکا در افریقا

اروپا نیز متعهد شده که مطالعات زیست‌محیطی و اجتماعی برای کاهش آسیب به جوامع و زیست‌بوم‌های مسیر لوبیتو انجام دهد.

■ **فرصت‌سازی برای رقابتی آرام**

حال سؤال این است، آیا تلاش برای بازگشت امریکا به افریقا دیرهنگام است؟ پاسخ منفی است. هرچند چین در زمینه زیرساخت و روابط اقتصادی پیش‌تاز بوده، اما قاره افریقا بسیار متنوع‌تر از آن است که در یک قالب ساده گنجانده شود. افریقا متشکل از ۵۴ کشور با نیازها و تجربیات متفاوت دارد؛ اما یک خواسته مشترک بین همه آنها مطرح است: نیاز به سرمایه‌گذاری و زیرساخت. این نیاز، فرصتی برای واشنگتن جهت ایجاد پل‌های جدید اقتصادی و دیپلماتیک فراهم می‌سازد. همچنین فرصتی برای افریقایی‌هاست تا از رقابت بین چین و امریکا، معامله‌ای بهتر و توسعه‌ای متوازن‌تر به‌دست آورند؛ مراد معامله‌ای «برد-برد» واقعی برای همه طرف‌ها است.

سیاست‌گذاران فدرال رزرو در برابر معمای تورم و تعرفه‌ها

افزایش تورم امریکا در پی تعرفه‌های ترامپ

اقت‌مواجه شده‌اند، مقامات فدرال رزرو همچنان از کاهش نرخ بهره خودداری کرده‌اند، چرا که نگرانند تعرفه‌های بالاتر در نهایت موجب شتاب گرفتن تورم شود. نشست بعدی سیاست‌گذاران در تاریخ ۲۹ و ۳۰ ژوئیه برگزار خواهد شد. علاوه بر انتشار گزارش بژ فدرال رزرو در روز چهارشنبه که حاوی روایت‌هایی از وضعیت اقتصادهای منطقه‌ای است، سرمایه‌گذاران در هفته آینده سخنرانی‌هایی از چند مقام ارشد بانک مرکزی امریکا خواهند شنید؛ از جمله اعضای هیات مدیره کریستوفر والر، آدریانا کوکگلر و لیزا کوک.

■ **تورم در کانادا**

در شمال قاره، اداره آمار کانادا دومین گزارش تورمی پیش از تصمیم‌گیری نرخ بهره بانک مرکزی در ۳۰ ژوئیه را منتشر خواهد کرد. این بانک به‌دقت روند شاخص‌های تورم پایه را زیر نظر دارد؛ شاخص‌هایی که در ماه‌های اخیر افزایش یافته‌اند، اما در ماه مه اندکی کاهش یافته و به ۳ درصد رسیده‌اند.

در دیگر نقاط جهان، نشست وزرای دارایی گروه ۲۰ در افریقای جنوبی، آمار نرخ مصرف‌کننده از ژاپن و بریتانیا، و سخنرانی‌های کلیدی سیاست‌گذاران بریتانیایی، از مهم‌ترین رویدادهای هفته آینده خواهند بود.

■ **تمرکز بر آسیا: شاخص‌های رشد اقتصادی چین، ژاپن و هند**

مجموعه‌ای از داده‌های اقتصادی از ژاپن و چین در کانون توجه خواهند بود. شاخص‌های کلیدی رشد و تجارت از مالزی تا هند نیز مورد توجه بازارها قرار خواهند گرفت. آغاز هفته با انتشار آمار تجارت چین در روز دوشنبه همراه خواهد بود که تصویری از اثرات تعرفه‌های امریکا و احتمال پیش‌بارگذاری در حمل‌ونقل‌ها ارائه خواهد داد. در روز بعد، آمار فروش مسکن جدید در چین، فروش خرده‌فروشی و نرخ بیکاری در ماه ژوئن منتشر خواهد شد؛ هم‌زمان، تولید ناخالص داخلی سه‌ماهه دوم چین به‌احتمال زیاد به رشد کندتر ۵.۳ درصدی خواهد رسید. همچنین، آمار تولید صنعتی نیز نمایی از سلامت کلی اقتصاد و موتورهای محرک آن ارائه خواهد داد. در ژاپن، سفارشات اصلی ماشین‌آلات و آمار نهایی تولید صنعتی ماه مه روز دوشنبه منتشر خواهند شد و احتمالاً کندی فعالیت اقتصادی را تأیید می‌کنند. داده‌های تجاری روز پنج‌شنبه نیز انتظار می‌رود ضعیف باشند.

بی‌عدالتی، فقر و نظارت

ناکار آمد؛ سه ضلع
بحران پنهان
در نظام بانکداری

کامران ندری
اقتصاددان

در سال‌های اخیر، یکی از معضلات کمتر دیده‌شده، اما به‌شدت خطرناک در اقتصاد ایران، پدیده حساب‌های اجاره‌ای است. حساب‌هایی که ظاهراً به نام یک فرد ثبت شده‌اند، اما عملاً در اختیار افراد یا گروه‌هایی دیگر قرار دارند و در خدمت فعالیت‌های مجرمانه یا غیرقانونی قرار می‌گیرند. این حساب‌ها، تنها یک اشکال فنی در سیستم بانکی نیستند؛ بلکه نمادهایی از ضعف ساختاری در حکمرانی مالی، بی‌عدالتی اجتماعی و ناکارآمدی در نظام نظارتی کشور هستند.

چهره پنهان اما واقعی حساب‌های اجاره‌ای

در تعریف ساده، حساب اجاره‌ای به حسابی اطلاق می‌شود که مالک رسمی و استفاده‌کننده واقعی آن متفاوت هستند. کسی حساب را افتتاح می‌کند، اما کنترل آن را در اختیار دیگری می‌گذارد تا با استفاده از آن، فعالیت‌هایی مانند پولشویی، فرار مالیاتی، نقل‌وانتقال پول حاصل از قمار آنلاین یا فروش کالای قاچاق انجام شود. با گسترش پلتفرم‌های شرط‌بندی، رونق بازارهای موبای مانند ارز دیجیتال و شدت گرفتن فسادهای اقتصادی و تورم بی‌سابقه، حساب‌های اجاره‌ای به ابزاری جذاب برای مجرمان اقتصادی تبدیل شده‌اند. این‌گونه حساب‌ها فرصتی ایجاد می‌کنند تا افراد ناشناس، فعالیت‌های مالی خود را در پوشش حساب دیگران انجام دهند؛ حساب‌هایی که گاه متعلق به یک دانش‌آموز، کارگری فصلی یا زنی خانه‌دار است.

ضعف ساختاری در احراز هویت بانکی

نخستین ضعف جدی در این حوزه، فقدان نظام احراز هویت دقیق و اعتبارسنجی مالی در بانک‌ها است. هنوز هم در بسیاری از شعب، تنها با ارائه شناسنامه و کارت ملی می‌توان حساب بانکی افتتاح کرد؛ بدون آنکه اطلاعاتی درباره شغل، درآمد، محل سکونت یا نوع فعالیت اقتصادی فرد ثبت شود.

بانک‌ها نیز انگیزه‌ای برای سختگیری ندارند. نگاه کمی‌گرایانه در جذب مشتری باعث شده است که بانک‌ها بر تعداد حساب‌های افتتاح‌شده تمرکز کنند، نه کیفیت و اعتبار آنها. به‌همین دلیل، راستی‌آزمایی مشتریان در عمل به یک مرحله تشریفاتی در فرآیند افتتاح حساب تبدیل شده است. در کشورهای پیشرفته، سامانه‌هایی طراحی شده‌اند که تطابق رفتار مالی مشتری با مشخصات شغلی و درآمدی او را به‌صورت لحظه‌ای بررسی می‌کنند. اگر فردی با سابقه کارگری یا بدون شغل رسمی، ناگهان حسابی با گردش میلیاردی داشته باشد، هشدار خودکار صادر می‌شود. اما در ایران؛ با چنین سامانه‌ای از اساس وجود ندارد، یا به‌شکلی ناقص پیاده‌سازی شده است. نتیجه این ضعف، رشد بی‌وقفه حساب‌هایی است که پشت آنها، مجرمان اقتصادی قرار دارند، نه صاحبان حقیقی مدارک شناسایی.

آماري که زنگ خطر را به‌صد درآورده است

براساس گزارش پلیس فتا، بیش از ۷۰ درصد گردش مالی سایت‌های شرط‌بندی از طریق حساب‌های اجاره‌ای انجام می‌گیرد. همچنین طبق آمار مرکز اطلاعات مالی، تنها در سال ۱۴۰۲ بیش از ۳۰ هزار حساب مشکوک به بانک مرکزی گزارش شده‌اند که بخش قابل‌توجهی از آنها، با ویژگی‌های حساب اجاره‌ای همخوانی دارند. در بررسی‌های میدانی برخی بانک‌ها نیز مشاهدۀ شده است که افراد فاقد سابقه شغلی یا درآمد، حساب‌هایی با گردش چندصد میلیارد تومانی در اختیار دارند. این واقعیت‌ها نشان می‌دهند که با یک بحران فراگیر، رو به گسترش و مخرب روبه‌رو هستیم.

پیامد نگران‌کننده پدیده حساب‌های اجاره‌ای

نخستین پیامد، فرسایش اعتماد عمومی به نظام بانکی است. وقتی مردم می‌بینند که حساب فردی بی‌اطلاع از تراکنش‌ها، محل عبور میلیارد‌ها تومان شده، احساس امنیت مالی خود را از دست می‌دهند.

پیامد دوم، تغذیه و تقویت زیرساخت‌های اقتصاد مجرمانه است. این حساب‌ها در خدمت افرادی قرار می‌گیرند که عمداً از دیده شدن فرار می‌کنند؛ قاچاقچیان، گردانندگان سایت‌های قمار، فروشندگان ارز دیجیتال غیرمجاز و فراریان مالیاتی. پیامد سوم، ضربه به نظام مالیاتی کشور است. درآمدهایی که به حساب افرادی می‌رود که هیچ پرونده مالیاتی ندارند یا عملاً زیر خط فقر قرار دارند، از دید سازمان مالیاتی پنهان می‌مانند. چهارمین پیامد، افزایش پرونده‌های قضایی علیه افراد بی‌گناه است. کسانی که حساب‌شان مورد سوءاستفاده قرار گرفته، ممکن است به اتهام مشارکت در جرم احضار یا بازداشت شوند. این امر هم ظالمانه است و هم نظام قضایی کشور را با انبوهی از پرونده‌های انحرافی مواجه می‌کند.

فرایان خاموش؛ فقر، بی‌اطلاعی و طمع

اکثر صاحبان این حساب‌ها، افرادی از طبقات پایین جامعه هستند: زنان خانه‌دار، کارگران فصلی، مهاجران، روستائیان، دانشجویان یا حتی کودکان. برخی قریب خورده‌اند، برخی ناچار بوده‌اند و برخی نمی‌دانستند چه تبعاتی در انتظارشان است. آنها با دریافت مبلغی ناچیز، وارد یک زنجیره مجرمانه می‌شوند که می‌تواند زندگی‌شان را از مسیر قانون خارج کند. در گام نخست، اجاره دادن حساب بانکی باید صراحتاً جرم‌انگاری شود. مجازات‌هایی مانند جریمه نقدی معادل مبلغ گردش مشکوک، حبس تعزیری و محرومیت موقت از خدمات بانکی می‌تواند نقش بازدارنده ایفا کند.

در گام دوم، بانک‌ها باید مکلف به ثبت اطلاعات دقیق شغلی، درآمدی و محل سکونت مشتریان شوند و این داده‌ها باید در اختیار نهادهایی چون بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی و مرکز اطلاعات مالی قرار گیرد. سوم، باید از سامانه‌های تحلیل هوشمند رفتار مالی مشتریان استفاده شود؛ ابزارهایی که توانایی کشف عدم‌انطباق بین شغل و گردش حساب را داشته باشند. و نهایتاً، اطلاع‌رسانی عمومی و آموزش اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است. رسانه‌ها، صداوسیما، آموزش و پرورش و حتی خود بانک‌ها باید در آگاه‌سازی عمومی ایفای نقش کنند. مردم باید بدانند که اجاره دادن حساب، مشارکت در جرم است، نه یک راه ساده برای کسب درآمد. حساب‌های اجاره‌ای، تنها یک «تخلف بانکی» نیستند؛ آنها نشانه‌ای هستند از یک بیماری عمیق در نظام حکمرانی مالی کشور. فقر، نابرابری، ناآگاهی و ناکارآمدی اگر امروز مهار نشوند، فردا با شدت بیشتری بازخواهند گشت. اگر امروز اصلاح نکنیم، در آینده باید هزینه سنگین‌تری برای احراز هویت پرداخت رفته، نظام قضایی پر از پرونده، اقتصاد آلوده و درآمدهای فراری شده بپردازیم.

بانک و بیمه

editor@smtnews.ir

بحران حساب‌های اجاره‌ای در اقتصاد ایران را بررسی کرد

حفره تاریک شبکه بانکی



آیدا فریدی
editor@smtnews.ir

در دل شبکه بانکی کشور، پدیده‌ای به‌شدت نگران‌کننده و پنهان در حال رشد است؛ حساب‌های بانکی که به نام یک فرد ثبت شده، اما در واقع به کنترل و بهره‌برداری اشخاص دیگر درآمده‌اند. این حساب‌ها که با عنوان «حساب‌های اجاره‌ای» شناخته می‌شوند، تبدیل به محملی برای فعالیت‌های مجرمانه‌ای چون پول‌شویی، قمار اینترنتی، فرار مالیاتی و نقل و انتقال غیرقانونی ارز تبدیل شده‌اند. در گزارش مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد که وظایف مرتبط با مبارزه با پولشویی را برعهده دارد، آمده است که بخشی از گردش‌های مالی مشکوک

در کشور، با حساب‌هایی انجام می‌شود که صاحبان آنها هیچ‌گونه ارتباطی با ماهیت و مبالغ تراکنش‌ها ندارند. این‌ها بدان معناست که حساب‌های اجاره‌ای در عمل بخشی از زیرساخت پولی غیررسمی کشور را تشکیل می‌دهند. با اینکه آمار دقیقی از تعداد حساب‌های اجاره‌ای وجود ندارد، برخی شواهد رسمی از پلیس فتا می‌تواند نشان‌دهنده گستره فاجعه باشد. پلیس فتا در گزارشی در آبان ۱۴۰۲ اعلام کرد که «بیش از ۷۰ درصد تراکنش‌های مالی سایت‌های شرط‌بندی و قمار اینترنتی از طریق حساب‌های اجاره‌ای صورت می‌گیرد». براساس

حساب اجاره‌ای؛ در سایه فقر یا فرار از قانون؟

طی می‌شود. فردی خیلی عادی مثل بسیاری از مشتریان بانک اقدام به افتتاح حساب می‌کند. احراز هویت و چک کردن کارت شناسایی هم، توسط کارمندان بانک انجام می‌شود، اما اینکه نیت آن افتتاح حساب به چه منظوری است، امر پنهانی است که تشخیص آن جزو وظایف نظام بانکی نیست، ضمن اینکه کار دشواری هم هست. از طرفی، وقتی بانک می‌بیند فردی در حال سپرده‌گذاری پولی در بانک است، نمی‌تواند مانع این اتفاق شود. از سویی، بانک از کجا تشخیص بدهد این حساب قرار است اجاره داده شود یا حساب خود فرد است؟ بانک متوجه این مسئله نمی‌شود.

بانک‌ها فرد راننده یا کارگر را نمی‌شناسند؛ آنها تنها در چارچوب قوانین، حساسی را به نام فردی باز می‌کنند که مدارک شناسایی کامل دارد. اما وقتی مبالغ میلیاردی بدون هیچ سابقه مالیاتی جابه‌جا می‌شود، نمی‌توان گفت سیستم نظارتی بانک و نهادهای مرتبط از آن بی‌اطلاع هستند. وی تأکید کرد: در بسیاری از موارد، ناظر بانکی با مسئول مبارزه با پولشویی و مدارک، احراز هویتی می‌کنند و در اغلب موارد، توانایی قانونی یا نبود مکانیزم دقیق برای شناسایی، موجب می‌شود تا اقدامی انجام نشود. این کارشناس پولی با اشاره به ضعف ساختاری در مرحله احراز هویت مشتریان در زمان افتتاح حساب گفت: بانک‌ها به‌طورعمده براساس ظاهر و مدارک، احراز هویتی می‌کنند و در اغلب موارد، توانایی تشخیص واقعی بودن یا نبودن مالکیت حساب را ندارند، به‌ویژه اکنون که خدمات بانکی الکترونیک شده و تعامل حضوری کاهش یافته، تشخیص حساب‌های صوری نیز ، سخت‌تر شده است.

وی بیان کرد: در برخی موارد، فرد در تهران زندگی می‌کند، اما حسایش را در شعبه‌ای در کرج باز می‌کند یا بالعکس. هیچ الزامی وجود ندارد که محل زندگی یا محل افتتاح حساب مطابقت داشته باشد. همین موضوع، فضا را برای دور زدن مقررات مهیا می‌کند.

حساب‌های اجاره‌ای؛ زنگ خطر برای نظام بانکی و مبارزه با پولشویی

وجود دارد و باید با آن برخورد قاطع شود.

این کارشناس بانکی با اشاره به برخی نمونه‌های گذشته، بیان کرد: مواردی بوده که فردی خردسال یا فاقد اهلیت اقتصادی حسابی افتتاح کرده و ناگهان گردش مالی او به صدها میلیارد تومان رسیده است. این موارد هیچ تناسبی با شخصیت مالی دارند حساب نداشته و می‌توانسته منشأ سوءاستفاده‌های کلان باشد. به‌گفته وی، در گذشته این پدیده شیوع بیشتری داشت اما با مداخله بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی، بخشی از این وضعیت کنترل شده است. تهران‌ها اشاره به نقش حساب‌های اجاره‌ای در حوزه تسهیلات بانکی نیز اظهار کرد: متأسفانه این معضل تنها به حساب‌های بانکی محدود نمی‌شود. در حوزه تسهیلات نیز مشاهده شده است که فردی ملک خود را به‌عنوان وثیقه معرفی می‌کند، اما تسهیلات را خودش استفاده نمی‌کند و در ازای دریافت مبلغی، وام را در اختیار فرد دیگری قرار می‌دهد.

وی تصریح کرد: در بسیاری از این موارد، بازپرداخت تسهیلات انجام نمی‌شود و در نهایت، بانک برای وصول مطالبات خود ناچار به تملک وثیقه می‌شود. این موضوع نه‌تنها بانک را با مشکلات حقوقی مواجه می‌کند، بلکه به بی‌اعتمادی عمومی دامن می‌زند. تهرانر بنابر به چالش‌های شناسایی حساب‌های اجاره‌ای گفت: تشخیص این نوع حساب‌ها در اغلب موارد دشوار است، مگر در موارد ظاهر مثل افزایش تراکنش‌های گردش حساب افراد کم‌درآمد یا خردسالان که با هویت مالی آنان همخوانی ندارد.

سخن پایانی

آیا ما با یک نارسایی فنی مواجهیم یا با یک غفلت ساختاری؟ پاسخ هر چه باشد، تنها یک نتیجه‌دارد: تا زمانی که نهادهای پولی، مالی و قضایی کشور به‌صورت هماهنگ و موثر عمل نکنند، حساب‌های اجاره‌ای همچنان به‌مثابه خونریزی پنهانی در پیکره نظام اقتصادی ایران عمل خواهند کرد. اما سوالاتی از این دست که پدیده حساب‌های اجاره‌ای تا چه اندازه در شبکه بانکی ایران ریشه‌دار شده است و تا زمانی که شبکه بانکی قوانین مدون و ضمانت اجرایی

اعلام بانک مرکزی ایران، در سال ۱۴۰۲ بیش از ۳۲ هزار حساب مشکوک به رفتار غیرعادی، شناسایی و برای بررسی بیشتر به نهادهای قضایی معرفی شده‌اند. اما سوال اساسی اینجا مطرح می‌شود که چگونه ممکن است، کسی حسابی به نام خودش باز کند و بانک تمام ارزیابی‌های لازم را انجام دهد، اما امکانات حساب را به دیگری بسپارد؟ گفت‌وگو با کارشناسان، به بررسی ابعاد این بحران نوظهور اما تأثیرگذار در نظام بانکی ایران پرداخته که در پیش‌رو می‌خوانید.



حسینی‌هاشمی ادامه داد: نمی‌توان شعبه بانک را مقصر دانست، چون از منظر قانونی، اگر مدارک معتبر ارائه شده باشد، موظف به افتتاح حساب هستند. اما باید به ناظر بانکی ابزارهایی داده شود که بتواند در سطح کلان و از طریق بررسی تراکنش‌های مشکوک، این حساب‌ها را شناسایی کند. وی افزود: همان‌طور که در سیستم‌های خبراتی نمی‌دانید چه کسی پشت خط است، در نظام بانکی هم بدون ابزار دقیق، امکان شناسایی سوءاستفاده‌کنندگان وجود ندارد. وقتی کارت ملی و کارت بانکی به‌راحتی خریدوفروش می‌شود، نباید انتظار داشت شبکه بانکی از این چرخه بی‌اطلاع بماند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ضرورت اصلاح قوانین مبارزه با پولشویی و کنترل حساب‌های اجاره‌ای اظهار کرد: قوانین در این زمینه وجود دارد و حتی مجازات‌های سنگینی هم در نظر گرفته شده، اما موضوع اصلی، اجرای دقیق، نظارت بر احراز هویت و ایجاد سامانه‌های هوشمند برای تشخیص مالک واقعی حساب است.

حسینی‌هاشمی تأکید کرد: باید در فرایند افتتاح حساب، ارتباط بین شمار، موبایل، کد ملی، محل سکونت، سوابق مالی و گردش حساب‌ها به‌صورت سیستمی بررسی شود. این کار تنها با استفاده از فناوری هوش‌مصنوعی، داده‌کاوی و اتصال بانک‌ها به سامانه‌های ملی ممکن خواهد بود. وی در پایان هشدار داد: اگر مردم ببینند که به‌راحتی با کارت ملی‌شان، معاملات میلیاردی انجام می‌شود، بدون آنکه نظام بانکی واکنشی نشان دهد، اعتماد آنها به سلامت این شبکه آسیب می‌بیند. این نه‌فقط یک مشکل بانکی، بلکه تهدیدی برای تمام نظام مالی، اقتصادی و حتی قضایی کشور است.



وی افزود: در این راستا، سیستم‌های هوشمند بانکی می‌توانند با رصد الگوهای غیرمعمول، تغییرات ناگهانی در گردش حساب را شناسایی کنند. برای مثال، اگر گردش مالی یک خانم خانه‌دار به‌طور ناگهانی از چند میلیون به چند میلیارد افزایش یابد، سامانه بانکی باید این مورد را بررسی کند. این کارشناس بانکی با انتقاد از کم‌کاری برخی بانک‌ها در گزارش‌دهی به مرکز مبارزه با پولشویی بیان کرد: اشکالی که به فعالیت برخی بانک‌ها وارد است، این است که موارد مشکوک را در زمان مقرر به مرکز مبارزه با پولشویی اعلام نمی‌کنند. این تاخیر، زمینه را برای تداوم تخلف و سوءاستفاده مالی فراهم می‌کند. تهرانر ادامه داد: بانک‌ها باید سامانه‌های نظارتی خود را تقویت کنند تا بتوانند هرگونه فعالیت مشکوک را به‌موقع شناسایی کنند و گزارش دهند. اگر این اتفاق نیفتد، مراجع بالادستی مانند بانک مرکزی یا وزارت اقتصاد قادر به برخورد سریع و موثر نخواهند بود. وی در پایان خاطرنشان کرد: بانک‌ها باید علاوه بر رعایت الزامات اولیه افتتاح حساب، در ادامه نیز نسبت به فعالیت‌های مالی مشتریان خود هوشیار باشند. هرگونه فعالیت غیرعادی باید به مرکز مبارزه با پولشویی گزارش شود تا از گسترش پدیده حساب‌های اجاره‌ای جلوگیری گردد.

دقیقی برای آن وضع نکند، همچنان ادامه خواهد داشت، چرا نظام بانکی و نهادهای نظارتی نتوانستند تاکنون این پدیده را مهار کنند؟ و ریشه‌های اقتصادی این پدیده چیست؟ فقر؟ چهل مالی؟ نبود شفافیت؟ یا ضعف قانون؟ به‌اعتقاد کارشناسان پولی و بانکی، مورد آخر یعنی ضعف قانون از مهم‌ترین موارد قابل‌اشاره است که نیاز به توجه بیشتر بانک مرکزی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد پولی و مالی دارد.

استقبال تبریزی‌ها
از خودروهای برقی

شهردار تبریز از استقبال شهروندان تبریز از خودروهای برقی و خریداری هزار دستگاه خودرو توسط شهروندان خبر داد.

به گزارش ایسنا، یعقوب هوشیار در جلسه کمیته راهبردی «تبریز، پایتخت محیط زیست شهرهای آسیایی» از برنامه‌های جدید زیست محیطی در کلانشهر خبر داد. احداث ۱۰ باغ میوه در مناطق مختلف، افزایش ایستگاههای اسکوتر برقی به ۲۰ ایستگاه و برگزاری رالی خودروهای برقی از جمله این برنامه‌هاست.

یعقوب هوشیار با اشاره به استقبال شهروندان تبریز از خودروهای برقی گفت: در مدت کوتاهی یک هزار خودرو برقی توسط شهروندان تبریزی خریداری شده است با توجه به پیش بینی افزایش تعداد خودروهای برقی در شهر، شهرداری تبریز نیز برای احداث ایستگاههای شارژ خودروهای برقی خدمات ویژه ارائه خواهد داد.

وی اعلام کرد: برنامه احداث ۱۰ باغ میوه در سطح شهر باید با سرعت بیشتری پیگیری و اجرا شود. این باغ‌ها در مناطق مختلف شهر احداث می‌شوند تا علاوه بر زیباسازی فضای شهری، به بهبود کیفیت هوا کمک کنند.

هوشیار بر لزوم مشارکت شهروندان در برنامه‌های زیست محیطی تأکید کرد و گفت: شهر متعلق به شهروندان است و باید نظر مردم را درباره مسائل زیست محیطی مد نظر قرار دهیم و از ایده‌ها و پیشنهادات شهروندان استقبال کنیم.

وی همچنین در این جلسه با تأکید بر ضرورت افزایش تعداد چاه‌های جذب آب به هزار حلقه، از آغاز تمهیدات لازم برای استفاده از انرژی خورشیدی در ساختمان‌های شهرداری خبر داد.

هوشیار با تأکید بر ارائه تسهیلات ویژه برای معاینه فنی خودروها گفت: با توجه به تردد روزانه ۸۰۰ هزار خودرو شخصی در تبریز، باید معاینه فنی خودروهای شخصی مورد توجه قرار گیرد و با ارائه تخفیف‌ها و مشوق‌های لازم شهروندان را به انجام معاینات دوره‌ای خودرو ملزم کنیم.

شهردار تبریز در پایان اضافه کرد: «حل مشکل میدان دام و تکمیل طرح جامع ترافیک شهر از دیگر اولویت‌های ما در حوزه محیط زیست شهری است. امیدواریم با همکاری شهروندان و دستگاه‌های اجرایی، تبریز را به الگویی برای سایر شهرهای آسیایی تبدیل کنیم.»

داود امیرحقیان، عضو شورای شهر تبریز نیز در این جلسه بر ضرورت پاکیزگی و نظافت خودروهای عمومی به ویژه در فصول پاییز و زمستان تأکید کرد. وی پیشنهاد داد دستاوردهای زیست محیطی شهرداری در قالب نمایشگاهی به شهروندان ارائه شود و نمایشگاههای دائمی گل و گیاه نیز در نقاط مختلف شهر ایجاد شود.

به گزارش ایسنا، به نقل از روابط عمومی شهرداری تبریز، جلسه کمیته راهبردی «تبریز، پایتخت محیط زیست شهرهای آسیایی» با حضور یعقوب هوشیار شهردار تبریز، داود امیرحقیان و احد صادقی اعضای شورای شهر و مدیران شهری برگزار شد.

شفاف‌سازی واگذاری
سهام تودلی سایپا

شرکت‌های سرمایه‌گذاری سایپا و سرمایه‌گذاری رنا با صدور اطلاعیه‌هایی، درباره آخرین وضعیت واگذاری سهام تودلی سایپا به شفاف‌سازی پرداختند. به گزارش تجارت نیوز، سرمایه‌گذاری سایپا و سرمایه‌گذاری رنا هم در باره فرایند واگذاری سهام تودلی سایپا، دست به شفاف سازی زدند.

بر اساس این گزارش، «وساپا، رنا» با اشاره به نامه ۲۲ تیر سایپا و استعلام بعمل آمده در خصوص ادامه فرایند واگذاری سهام چرخه ای گروه، اعلام کردند: پاسخ دبیر شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا جهت اطلاع سازمان و سهامداران ارسال می شود. مسیر مراحل واگذاری سهام خودروسازی طبق قانون برنامه به قوت باقی است. از آنجا که مسئولیت این امر بر عهده سازمان خصوصی سازی و وزارت صنعت است، طبق اعلامیه و دستور آنها عمل کنید.

گروه خودرو
editor@smtnews.ir

???????

علل ارزانی خودروهای چینی



■ زیرساخت‌های قوی

هرچقدر هم که هزینه‌ها کاهش یابد، واقعیت این است که همچنان باید مواد خام برای تولید خودروها تهیه شوند. چین چنان تسلطی بر این منابع حیاتی دارد که بسیاری از تولیدکنندگان جهانی به واردات از این کشور وابسته‌اند تا تولید خود را ادامه دهند. این منابع شامل فلزات، محصولات مبتنی بر نفت، مدارهای الکترونیکی و موارد دیگر است که فراتر از سیلیکون می‌رود. برای نمونه، چین ۹۰ درصد تولید جهانی منیزیم را در اختیار دارد، عنصری ضروری برای ساخت فلزات سبک تخصصی. عدم وابستگی به سایر کشورها برای تأمین این منابع، سودآوری بالایی دارد و چین از این مزیت برای کاهش چشمگیر هزینه‌ها استفاده می‌کند، زیرا نیازی به هزینه‌های لجستیکی یا تعرفه‌ها ندارد.

بیشتر این صرفه‌جویی‌ها در بازار خودروهای برقی چینی مشاهده می‌شود، جایی که شرکت‌ها بر تولید انبوه و اقتصاد مقیاس تمرکز دارند تا قیمت‌ها را پهنه کنند. این امر با ارزان تر بودن باتری‌ها نیز تقویت می‌شود و باید دانست چین در مقایسه با ایالات‌متحده که بیشتر باتری‌های لیتیوم-یونی خود را از این کشور وارد می‌کند، مزیت هزینه قابل‌توجهی دارد. علاوه بر این، با کاهش قیمت باتری‌ها در چین به دلیل پیشرفت‌های تولیدی و فنی، کشورهایی که به صادرات آن وابسته‌اند، به دلیل مزیت رقابتی، تعرفه‌ها و سایر عوامل، کمتر از این کاهش قیمت بهره‌مند می‌شوند.

در نهایت، موضوع زیرساخت مطرح است. چین نیمی از خودروهای برقی موجود در جاده‌های امروز را تولید می‌کند و به سیستمی نیاز دارد که چنین حجم بالایی را پشتیبانی کند. در این زمینه نیز چین موفق عمل کرده است، با ۴.۲۲ میلیون پورت شارژ خودروهای برقی در سال ۲۰۲۴ و ۸۳۰.۰۰۰ ایستگاه شارژ عمومی که تقریباً ۱۲ برابر تعداد ایستگاه‌های شارژ ایالات‌متحده (۶۱.۰۰۰ ایستگاه) است. این امر به مصرف‌کننده چینی اجازه می‌دهد تا تقریباً در هر نقطه از این خودروها استفاده کند.

■ بارانه‌های دولتی و جذابیت بازار انبوه

اولین چیزی که بسیاری از غربی‌ها هنگام تصور یک

اگر یک جنبه از صنعت چین به‌طور جهانی شناخته شده باشد، ارزان بودن محصولات آن در مقایسه با سایر مناطق است و صنعت خودروسازی نیز از این قاعده مستثنا نیست. به گزارش ایلنا؛ با این حال، برخلاف تصورات کلیشه‌ای، این ارزان‌سازی صرفاً به دلیل سیاست‌های دولتی و نیروی کار یا کپی‌برداری چین از طراحی‌های غربی نیست. اگرچه موضوع کپی‌برداری در فرهنگ خودروسازی دهه‌ها موردبحث بوده، اما این امر به طراحی‌های بومی چینی که خود نیز ارزان هستند، صدق نمی‌کند. برخی از این خودروهای چینی حتی در فهرست سریع‌ترین خودروهای سال ۲۰۲۵ قرار دارند که در ایالات‌متحده عرضه نمی‌شوند؛ بنابراین، اگر دلیل این ارزان بودن به تاریخچه توسعه خودروها مربوط نباشد، پس علت چیست؟

بی‌تردید، بخشی از این موضوع به فرهنگ کاری معروف به‌عنوان سمی در بخش‌های صنعتی این کشور بازمی‌گردد. صنعت خودروسازی به‌ویژه از ضعف در رعایت حقوق بشر و استفاده از نیروی کار اجباری رنج می‌برد، اما این پایان ماجرا نیست. اگر سیاست را از معادله کنار بگذاریم و ترازو را متعادل کنیم، به احتمال زیاد چین حتی با شرایط کاری بهتر نیز قادر به تولید خودروهای جدید با قیمت مقرون‌به‌صرفه‌تر خواهد بود. دلایل این امر به عرضه و تقاضا مربوط می‌شود.

به‌عنوان مثال، سیلیکون را در نظر بگیرید، ماده معدنی رایجی که در تولید قطعات الکترونیکی پیشرفته به کار می‌رود. چین مسئول تولید درصد قابل‌توجهی از ذخایر جهانی سیلیکون است، به این معنا که هزینه‌های حمل‌ونقل یا واردات حذف می‌شود. همچنین، این کشور از فرآیندهای پیشرفته تولید این قطعات برخوردار است که منجر به تولید ارزان‌تر و بهینه‌تر می‌شود. در نهایت، سیاست‌های دولتی در حوزه صنعت خودروهای پیشرفته به‌ویژه توسعه خودروهای برقی را تشویق می‌کند و به تولیدکنندگان انگیزه‌هایی فراتر از آنچه در غرب دیده می‌شود، ارائه می‌دهد. این در حالی است که در ایالات‌متحده، زیرساخت شارژ خودروهای برقی همچنان پدیده‌ای نسبتاً نوظهور در مقایسه با چین محسوب می‌شود.

معرفی پورشه تایکان بلک ادیشن



پورشه تایکان بلک ادیشن با پکیج آپشن‌های کامل، باتری بزرگ‌تر و طراحی مشکی خاص، نسخه‌ای جذاب و ارزشمند محسوب می‌شود.

به گزارش پدال؛ خودروهای پورشه به دلیل قیمت پایه بالا و آپشن‌های متعدد و گران‌قیمتشان شهرت دارند اما گاهی اوقات، این خودروساز پکیجی ارزشمند ارائه می‌دهد که محبوب‌ترین آپشن‌ها را با قیمتی کمتر از سفارش جداگانه ترکیب می‌کند. جدیدترین نمونه، پورشه تایکان بلک ادیشن است.

این پکیج برای مدل پایه محرک عقب و مدل‌های چهارچرخ محرک تایکان ۴ و ۴S قابل سفارش است. نسخه بلک ادیشن همان‌طور که از نامش پیداست، تزئینات مشکی فراوانی دارد اما به تجهیزات مهم‌تری هم مجهز است. برجسته‌ترین ویژگی، جایگزینی باتری استاندارد ۹۷.۰ کیلووات ساعتی با باتری پرفورمنس پلاس ۱۰۵.۰ کیلووات ساعت است که معمولاً آپشنی ۵۷۸۰ دلاری محسوب می‌شود. همچنین، رینگ‌های ۲۱ اینچی، رنگ متالیک، برجسب‌های روی درهای جلو و نمای جلو و عقب اسپرت‌دیزاین به‌طور استاندارد ارائه می‌شوند تا بلک ادیشن را از مدل‌های معمولی تایکان متمایز کنند.

در بخش تکنولوژی، صندلی‌های قابل تنظیم ۱۴ جهته، سیستم پایش نقاط کور، دوربین‌های دید اطراف با دستیار پارک فعال، چراغ‌های جلوی LED ماتریکس، سیستم صوتی فراگیر بوز، چراغ‌های کوچک زیر درها که لوگوی پورشه را هنگام باز شدن درها روی زمین نمایش می‌دهند و امکانات دیگر به‌صورت استاندارد ارائه می‌شوند. در داخل کابین، نشان پورشه روی پشت‌سری‌ها حک شده، رکاب‌های در با لوگوی بلک ادیشن تزئین شده و لوگوی بلک ادیشن روی کنسول مرکزی نقش بسته است.

رنگ‌های مشکی، سفید، نقره‌ای و خاکستری تایکان بدون هزینه اضافی ارائه می‌شوند اما برای رنگ‌های دیگر باید هزینه بیشتری پرداخت کرد. این اولین بار از سال ۲۰۱۶ است که پورشه از نام بلک ادیشن استفاده می‌کند یعنی زمانی که نسخه‌های بلک ادیشن ۹۱۱، باکستر و کیمن را عرضه کرد. هنوز دقیقاً نمی‌دانیم تایکان بلک ادیشن تا چه حد ارزش خرید دارد زیرا پورشه هنوز قیمت‌ها را اعلام نکرده است و اطلاعات بیشتر احتمالاً نزدیک به زمان عرضه این خودرو در پاییز در آمریکا مشخص خواهد شد.

موانع تحقق اهداف در حوزه تجدیدپذیرها را بررسی کرد

تامین مالی، غول مرحله آخر

موضیه توکل: ناترازی انرژی در سال‌های اخیر تبدیل به چالشی اساسی برای کشور شده و دولت‌های مستقر بسته به ظرفیت‌ها و امکانات موجود راه‌حل‌هایی را برای رفع این مشکل به‌کار گرفته‌اند؛ راه‌حل‌هایی از قطعی ساعتی و به‌عبارت‌ی جیره‌بندی برق تا تعطیلی اجباری برخی مراکز و تازه‌ترین آنها که اجبار سازمان‌های دولتی به تامین بخشی از انرژی موردنیازشان با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر است. اما در میان این راهکارها شاید پذیرفته‌ترین آنها همان اجبار به تامین بخشی از انرژی موردنیاز سازمان‌های دولتی با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر باشد، زیرا می‌توان این روش را مقدمه‌ای برای توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر در کشور دانست. ضمن آنکه باید در نظر داشته باشیم این اجبار به‌نوعی از تمرکز دولت بر توسعه این حوزه خبر می‌دهد. اما آیا با سازکارهای حاکم می‌توان به تحقق اهداف این بخش امیدوار بود؟ این پرسشی است که عموم کارشناسان پاسخ مثبتی قاطعانه به آن نمی‌دهند، زیرا بر این باورند که گرچه دولت بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تاکید دارد، اما تامین مالی طرح‌های این بخش چالشی اساسی در مسیر تحقق اهداف آن ایجاد می‌کند.

در گزارش پیش رو با نگاهی به آخرین آمار تولید و طرح‌های در دست اجرای حوزه تجدیدپذیر در گفت‌وگو با کارشناسان به بررسی چالش‌ها و امکان تحقق هدف‌گذاری‌های انجام شده در این بخش پرداخته است.

توسعه تجدیدپذیرها یکی از برنامه‌های موردتاکید در برنامه هفتم است که با افزایش ظرفیت آنها می‌توان از خاموشی‌های مکرر جلوگیری کرد اما اکنون چالش اصلی تجدیدپذیرها عدم تامین اعتبار است.

به‌گزارش مهر، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر بیش از یک دهه است که در کشور‌های توسعه‌یافته به‌صورت جدی دنبال می‌شود، اما در کشور ما توفیق چندانی در این زمینه حاصل نشد. در راستای رفع این نقیصه سال گذشته وزیر نیرو با یا گذاشتن به ساختمان نیایش تمرکز بر تجدیدپذیرها را در اولویت برنامه‌های خود قرار داد و از هدف‌گذاری تولید ۳۰ هزار مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر طی ۵ سال خبر داد.

باوجود آنکه در کشور ظرفیت مناسبی برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر وجود دارد، تنها یک درصد تولید برق کشور از این

یک کارشناس حوزه انرژی درباره تحقق اهداف تعریف‌شده در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر گفت: باتوجه به برنامه‌ها و طرح‌های در دست اجرا و مشخصا اقدام دولت در زمینه واردات تجهیزات و فناوری تولید انرژی خورشیدی، به‌شرط پایداری اراده موجود برای توسعه این حوزه، تحقق اهداف این بخش چندان بعید نیست. مجید روثفی، کارشناس حوزه انرژی در گفت‌وگو با سمن در تشریح موانع توسعه تجدیدپذیرها بیان کرد: مهم‌ترین چالشی که تا همین چند سال پیش در مسیر توسعه تجدیدپذیرها وجود داشت بالا بودن هزینه سرمایه‌گذاری در این بخش بود، زیرا دسترسی به زیرساخت‌ها و فناوری این بخش کار آسانی نبود؛ ضمن آنکه در کشور ما نیروگاه‌های متعارف چون سیکل ترکیبی و خوراک گازی با هزینه کمتر توسعه مطلوبی داشتند و همین مسئله سبب شده بود تمایلی به ایجاد و توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر وجود نداشته باشد، اما تحولات و دستاوردهای جهانی در حوزه انرژی و ناترازی‌های حادث‌شده ما را نیز ناگزیر به ورود به این عرصه و اقدام برای توسعه تجدیدپذیرها کرد.

این کارشناس حوزه انرژی در توضیح تحولات جهانی در حوزه انرژی و تأثیرپذیری ایران از این تحولات اظهار کرد: در چند سال اخیر چین فعالیت گسترده‌ای در حوزه تجهیزات و فناوری حوزه تجدیدپذیرها انجام داد و توانست به‌نوعی زنجیره تامین انرژی

پیش از این نیز دبیر انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر ایران در گفت‌وگو با سمن درباره تحقق اهداف دولت در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر بیان کرد: دولت طبق برنامه‌ها در نظر دارد ۳۰ هزارمگاوات نیروگاه تجدیدپذیر ایجاد کند که این طرح به سرمایه‌ای حدود ۱۶ تا ۱۷ میلیارد دلار نیاز دارد و براساس شنیده‌ها قرار است سه منبع صندوق توسعه ملی، آورده بخش خصوصی و خط اعتباری چین تامین‌کننده این سرمایه باشند.

محمدامین زنگنه در آن گفت‌وگو فرسایشی بودن روند دریافت تسهیلات برای بخش خصوصی را مانع مهمی در مسیر تحقق اهداف تعریف‌شده دانست و تاکید کرد: وقتی سرمایه‌گذار بخش خصوصی برای دریافت تسهیلات به‌طور مثال به صندوق توسعه مراجعه می‌کند ابتدا باید بانکی را پیدا کند که حاضر به پذیرش

توسعه تجدیدپذیرها راهی است که اکثر کشورهای دنیا برای غلبه بر چالش تامین انرژی آن را پیموده‌اند و دستاوردهای مطلوبی نیز داشته‌اند. ایران نیز گرچه منابعی غنی از گاز و نفت را در دل خود دارد، اما به‌دلیل مسیر و جهان پیش رو و پایان‌پذیری منابع یادشده، راهی

راه صورت می‌گیرد، در حالی که میانگین جهانی این رقم حدود ۱۰ درصد می‌شود؛ ضمن آنکه نباید از یاد برد که براساس آنچه کارشناسان امر می‌گویند ایران ظرفیت تولید ۶۰ هزار مگاوات برق لحظه‌ای را از طریق انرژی خورشیدی دارد که این امر می‌تواند به رفع ناترازی ۲۰ هزار مگاواتی برق کمک کند.

پیش از این قرار بود امسال تا شهریور ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر به ۵ هزار مگاوات برسد، اما به‌نظر می‌رسد تحقق این عدد چندان هم ساده و سهل‌الوصول نباشد، زیرا از یک سو تحریم‌های بانکی و مالی، مانع از ورود مستقیم سرمایه‌های خارجی به ایران شده و بانک‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی به‌دلیل ترس از جریمه شدن یا قرار گرفتن در لیست تحریم‌ها، از همکاری با طرف‌های ایرانی خودداری می‌کنند و از طرف دیگر تحریم دسترسی به تجهیزات و فناوری این حوزه را با مشکل مواجه کرده

تحقق اهداف به‌شرط پایداری اراده

خورشیدی را تحت انحصار خود در بیاورد و قیمت تمام‌شده را به‌شدت پایین بیاورد؛ به‌گونه‌ای که کشورهایی چون هند، کره، آلمان و دانمارک نیز قدرت رقابت خود را در این حوزه از دست دادند. همین شرایط تمایلی را در کشورهای دیگر برای ورود به این حوزه ایجاد کرد و جاری شدن سُررِیز تولید چین به کشورهای دیگر از جمله ایران نیز مقدمات توسعه این حوزه را در اختیار آنها قرار داد. وی در مقایسه‌ای کوتاه میان ایران و چین در زمینه انرژی خورشیدی گفت: چین در دو سال گذشته توانسته رکوردهایی عجیب و غریب را در راه‌اندازی نیروگاه‌های خورشیدی به ثبت برساند؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۲۰ گیگاوات و در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۸۰ گیگاوات به ظرفیت تولید انرژی خورشیدی خود افزوده است؛ این در حالی است که تا سال‌ها مجموع ظرفیت تولید انرژی تجدیدپذیر ما زیر یک گیگاوات بوده، اما حالا باتوجه به روندی که اشاره شد از سال گذشته از تولید یک گیگاواتی عبور کرده‌ایم و اکنون تنها در بخش خورشیدی یک گیگاوات تولید انرژی داریم.

قدم در مسیر توسعه

روثفی با اشاره به دستاوردهای ایران در حوزه تجدیدپذیرها گفت: اکنون در کشور ما کارخانه‌هایی در تولید تمام زنجیره تامین انرژی خورشیدی جز اینورتر فعال هستند؛ ضمن آنکه برخی صنایع مادر چون پتروشیمی‌ها و معدنی‌ها و فولادی‌ها اقدام را راه‌اندازی مزارع

تجدیدپذیرها در مسیر پرفرازونشیب دریافت تسهیلات

عاملیتش نزد صندوق توسعه بشود که این کاری بسیار سخت و پرچالش است، زیرا پیش از این وام‌هایی که صندوق توسعه برای راه‌اندازی نیروگاه‌های حرارتی پرداخت کرده بود، بازپرداخت نشده و حالا صندوق و نظام بانکی به صنعت برق بی‌اعتماد و بدبین شده‌اند.

بر همین مبنا وقتی سرمایه‌گذار برای دریافت تسهیلات مراجعه می‌کند باید حدود ۱۲۰ درصد مبلغ وام را به‌عنوان وثیقه سهل‌البیع خارج از طرح که یا سهام شرکت‌های بورسی است یا ملک ارائه کند که این مقدار وثیقه‌گذاری در توان بخش خصوصی نیست.

توسعه ناگزیر

این فعال حوزه انرژی در تشریح عوامل گرایش به تجدیدپذیرها در کشور اظهار کرد: توسعه تجدیدپذیرها تحت لوای چند قانون و

است؛ بر همین مبنا می‌توان گفت کشور ما باید به‌تنهایی برای توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر گام بردارد. وعده محقق‌نشده ۳ میلیارد دلاری

صندوق توسعه ملی در فروردین ماه وعده تامین مالی ۳ میلیارد دلاری حوزه تجدیدپذیر را داده؛ در حالی که محسن طرزطلب، معاون وزیر نیرو و رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر در زمینه تامین مالی برای ساخت نیروگاه‌های تجدیدپذیر گفته بود: «تاکنون ۱۰ درصد از ۲.۵ میلیارد دلاری که دولت قول تامین آن را داده، اختصاص داده شده است.»

بر این مبنا به‌نظر می‌رسد تزریق اعتبار ۳ میلیارد دلاری وعده‌داده‌شده ازسوی صندوق توسعه به‌صورت قطره‌چکانی است.

طرزطلب همچنین اظهار کرد: برای راه‌اندازی ۷۰۰۰ مگاوات

انرژی خورشیدی کرده‌اند که همین موارد گویای ورود و آغاز توسعه انرژی خورشیدی در کشور است.

این کارشناس در ادامه با تاکید بر اینکه به‌دلایلی خاص نمی‌توان نیروگاه‌های تجدیدپذیر را به‌عنوان نیروگاه‌های پایه در کشور به‌شمار آورد در اشاره‌ای کوتاه به این دلایل بیان کرد: به‌طور قطع همه ناترازی‌های موجود با راه‌اندازی نیروگاه‌های تجدیدپذیر و تولید آنها قابل‌رفع نیست، زیرا تولید این نیروگاه‌ها مانند نیروگاه‌های متعارف تمام‌وقت نیست و بسته به شرایط جوی و فصل، میزان بهره‌برداری از آن متفاوت خواهد بود؛ ضمن آنکه ذخیره‌سازی انرژی تولیدی این نیروگاه‌ها و بهره‌برداری از آن نیز خود مولد هزینه است که در نهایت ممکن است قیمت تمام شده را افزایش دهد و صرفه اقتصادی آن را زیر سوال ببرد، زیرا یا باید باتری‌هایی برای ذخیره این انرژی‌ها به‌کار گرفته شود یا برق سبز تولیدی تبدیل به هیدروژن و در ساعات پیک استفاده شود که هر دوی این موارد نیازمند هزینه بالا است.

با این حال از آنجایی که عمده ناترازی برق ما در فصل تابستان است و تولید این نیروگاه‌ها نیز در تابستان مناسب‌تر است، توسعه نیروگاه‌های این بخش می‌تواند کمک چشمگیری به کاهش ناترازی کند.

چالش تامین منابع

روثفی در ادامه با اشاره به چالش‌هایی که سرعت توسعه طرح‌های

طرح در حال پیگیری است که یکی از مهم‌ترین آنها ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید است.

در این ماده قانونی تاکید شده معادل سوخت صرفه‌جویی‌شده حاصل از تولید با انرژی تجدیدپذیر، به عاملان آن پول داده می‌شود.

وی دیگر محرک توسعه تجدیدپذیرها را بورس انرژی که سوخت تجدیدپذیرها در آن عرضه می‌شود و برخی از متقاضیان خواهان تامین بخشی از انرژی موردنیازشان از سوخت سبز، آن را خریداری می‌کنند، دانست و در این باره گفت: قراردادهای خرید تضمینی ۲۰ساله که در قالب ماده ۶۱ قانون اصلاح الگوی مصرف جای گرفته هم دیگر بستر توسعه تجدیدپذیرها به‌شمار می‌رود.

در آخرین مورد هم قطع‌نشدن برق برخی از صنایع را می‌توان

تجدیدپذیر را کاهش می‌دهد، گفت: به‌نظر می‌رسد تامین مالی عمده مسئله‌ای است که در روند پیشرفت پروژه‌های تجدیدپذیر اخلال ایجاد می‌کند؛ با این حال چشم‌انداز پیش رو روشن است و به‌نظر می‌رسد اگر

تنش‌های سیاسی حاکم فروکش کند و آرامشی در منطقه حکمفرما شود، شاهد نتایج چشمگیری در این بخش‌ها باشیم.

این کارشناس حوزه انرژی در پایان با ابراز تردید نسبت به آمارهای اعلام‌شده در زمینه تولید تجدیدپذیرها در پیش‌بینی روند پیش رو اظهار کرد: شاید آمارهایی چون تولید فعلی ۲ هزار مگاواتی برق تجدیدپذیر چندان دقیق و پذیرفتنی نباشد و آمارهای رسمی در دسترس نیز به نوعی بر این تردید صحه می‌گذار؛ با این حال باتوجه به تحرکاتی که در این حوزه شکل گرفته و مشخصا اقدام دولت در زمینه واردات تجهیزات و فناوری تولید انرژی خورشیدی، البته به‌شرط پایداری اراده موجود برای توسعه این حوزه، تحقق اهداف این بخش چندان دور از دسترس نیست. البته این امیدواری با مبنا قرار دادن صحت اخبار و اطلاعات این حوزه ایجاد شده و در صورت عدم صحت اخبار رسیده نمی‌توان به تحقق هدف‌گذاری‌های انجام شده در این بخش نیز خوشبین بود.

زمینه‌ساز توسعه تجدیدپذیرها در نظر گرفت، زیرا بخش عمده‌ای از تولیدکنندگان انرژی‌های تجدیدپذیر صناعی هستند که برای برق موردنیاز خود اقدام به راه‌اندازی نیروگاه کرده‌اند.

زنگنه در پایان راهکار تحقق اهداف حوزه انرژی را تغییر رویکرد سیستم اجرایی در حوزه انرژی دانست و تصریح کرد: تا زمانی که دولت دیدگاه خود را تغییر ندهد و بخواهد بر تصدی‌اش بر حوزه انرژی ادامه دهد شرایط همین‌گونه است و ممکن است بتوانند یکی، دو سال شرایط را بهبود بخشند، اما دوباره به شرایط سابق برمی‌گردیم.

و کم‌چالش این طرح‌هاست؛ و‌گرنه با اقلیم مناسب ایران و پیشرفت فناوری این بخش و فعالیت کارخانه‌هایی در تمامی زنجیره تامین این حوزه دیگر نمی‌توان تامین تجهیزات و مناسب نبودن اقلیم را به‌عنوان بهانه‌ای برای تحقق نیافتن اهداف مطرح کرد.



در کشور ما نیروگاه‌های متعارف چون سیکل ترکیبی و خوراک گازی با هزینه کمتر توسعه مطلوبی داشتند و همین مسئله سبب شده بود تمایلی به ایجاد و توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر وجود نداشته باشد، اما تحولات و دستاوردهای جهانی در حوزه انرژی و ناترازی‌های حادث‌شده ما را نیز ناگزیر به ورود به این عرصه و اقدام برای توسعه تجدیدپذیرها کرد



سخن پایانی

تعریف‌شده در این بخش را چندان ساده نمی‌دانند و بر این باورند که تامین مالی مهم‌ترین چالشی است که اجرای پروژه‌های تجدیدپذیر را با مشکل مواجه می‌کند. بنابراین توصیه‌ای که دولت باید آن را جدی بگیرد تعریف برنامه‌ای جامع و دقیق برای تامین مالی آسان

در بررسی مزایای راه‌اندازی مسیر ریلی کرمانشاه – خسروی نمایان شد

گامی راهبردی برای اتصال ایران به بازار عراق



شود.

کارشناس صنعت ریلی با اشاره به جزئیات مسیر راه‌آهن کرمانشاه – خسروی، گفت: با اتصال راه‌آهن تهران به همدان، سپس همدان به ملایر و در ادامه ملایر به کرمانشاه، بستر اجرای پروژه اتصال ریلی کرمانشاه – خسروی به‌طور جدی‌تری فراهم شد. این تکمیل زنجیره موجب شد که کشور از منظر شبکه ریلی، به مرز خسروی و عراق نزدیک‌تر شود. وی افزود: مطابق با طرح فعلی، قرار است مسیر ریلی از کرمانشاه تا اسلام‌آباد غرب احداث شود. از اسلام‌آباد، مسیر به دو شاخه تقسیم خواهد شد؛ یک شاخه به سمت ایلام و شاخه اصلی دیگر به سمت مرز خسروی امتداد می‌یابد. پس از مرز خسروی، مسیر ریلی تا شهر خانقین در خاک عراق به طول حدود ۲۷ کیلومتر ادامه پیدا می‌کند.

به گفته وی، این بخش از مسیر در منطقه دشتی قرار دارد و از نظر فنی، اجرای آن نسبتاً ساده و کم‌هزینه است. از خانقین تا بغداد نیز حدود ۱۸۲ کیلومتر خط آهن موجود است؛ هرچند این مسیر به دلیل فرسودگی و قدمت زیرساخت‌ها، نیازمند بازسازی و بهسازی اساسی است. اما نکته مهم اینجاست که احیای این مسیر بسیار ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر از احداث یک خط آهن جدید خواهد بود.

وی با مقایسه این پروژه با خط‌آهن شلمچه – بصره گفت: وضعیت مشابهی در مسیر ریلی شلمچه – بصره نیز حاکم است. حتی اگر امروز پروژه شلمچه – بصره به بهره‌برداری برسد، مسیر ادامه آن به سمت نجف، کربلا و بغداد، به‌واسطه فرسودگی خطوط قدیمی، نیازمند بازسازی گسترده است تا بتواند ظرفیت جابه‌جایی و سرعت قطارها را افزایش دهد.

این کارشناس صنعت ریلی یادآور شد: مسیر اتصال ریلی کرمانشاه – خسروی در مجموع شامل سه بخش است، مسیر ۲۶۳ کیلومتری از کرمانشاه تا خسروی در داخل ایران، مسیر ۲۷ کیلومتری از خسروی تا خانقین در خاک عراق، و مسیر ۱۸۲ کیلومتری از خانقین تا بغداد که به بهسازی نیاز دارد. مجموع طول این مسیر به حدود ۴۷۲ کیلومتر می‌رسد که در حال حاضر، عملیات اجرایی بخش کرمانشاه تا خسروی در ایران آغاز شده است.

شاهجویی در پاسخ به این پرسش که چرا پروژه راه‌آهن کرمانشاه – خسروی تاکنون به بهره‌برداری نرسیده است، اظهار کرد: دلیل اصلی این تأخیر، محدودیت منابع بودجه‌ای در کشور است. تقریباً تمامی پروژه‌های زیربنایی کشور بر دوش بودجه عمومی دولت استوار هستند، اما این بودجه‌ها هم از نظر حجم و هم از لحاظ تخصیص با چالش‌های جدی مواجه‌اند. همین مسئله موجب شده تا پروژه‌های مهمی مانند کرمانشاه – خسروی، با وجود آماده بودن شرایط فنی و سیاسی، همچنان در مرحله ساخت باقی بمانند.

وی با مقایسه شرایط این پروژه با پروژه شلمچه – بصره افزود: در پروژه ریلی شلمچه – بصره، مشکلات عمدتاً سیاسی

عراق بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران با حجم مبادلات سالانه حدود ۱۰ میلیارد دلار است. با این حال، نبود زیرساخت‌های ریلی مناسب مانعی برای توسعه بیشتر تجارت دو جانبه است. تکمیل راه آهن کرمانشاه خسروی می‌تواند به عنوان مسیری استراتژیک، ارتباط ریلی ایران با عراق و سپس به کشورهای شرقی و شمالی مانند پاکستان، افغانستان، ترکمنستان و روسیه را برقرار کند.

کارشناس صنعت ریلی گفت: راه‌آهن کرمانشاه – خسروی می‌تواند موجب اتصال ریلی ایران به عراق باشد و علاوه بر توسعه بازار تجاری دو کشور، نقش کلیدی در فعال‌سازی کریدور شرقی – غربی ایفا کند. محمدجواد شاهجویی کارشناس صنعت ریلی در گفت‌وگو با مهر با اشاره به اهمیت راه‌آهن کرمانشاه – خسروی، گفت: این پروژه یکی از دو مسیر کلیدی اتصال ریلی ایران به کشور عراق است که می‌تواند نقشی اساسی در فعال‌سازی کریدور شرقی – غربی کشور ایفا کند.

وی افزود: در حال حاضر، ایران در مسیر ریلی شرق به غرب صرفاً به ترکیه متصل است؛ آن هم به‌صورت ناقص. زیرا در مسیر عبور از ترکیه، دریاچه وان موجب گسست در شبکه ریلی می‌شود و همین موضوع ظرفیت عبور کالا و سرعت حمل‌ونقل را کاهش داده است. این مشکل با وجود پیگیری‌های مکرر ایران در دو دهه گذشته همچنان پابرجاست و حتی پیشنهاد سرمایه‌گذاری از سوی ایران برای رفع آن نیز به نتیجه نرسیده است.

شاهجویی ادامه داد: از این منظر، اتصال ریلی به عراق می‌تواند نقش مکمل و مؤثری در تکمیل کریدور ریلی شرق به غرب ایفا کند. اما اهمیت این پروژه فقط در بحث ترانزیت نیست؛ بلکه عراق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران، حجم بالایی از تجارت کالا و جابه‌جایی مسافر را با کشور ما دارد.

وی با تأکید بر قربت‌های فرهنگی و مذهبی میان دو کشور گفت: وجود مناسبت‌هایی نظیر اربعین حسینی و سفرهای زیارتی به مشهد و عتبات عالیات، تبادل گسترده زائران میان ایران و عراق را به یک نیاز دائمی تبدیل کرده است. بنابراین توسعه خطوط ریلی میان دو کشور، به‌ویژه راه‌آهن کرمانشاه – خسروی، می‌تواند بستر مناسبی برای افزایش ایمنی و سرعت سفر زائران فراهم کند.

این کارشناس صنعت حمل‌ونقل ریلی همچنین خاطرنشان کرد: هرچند پروژه راه‌آهن شلمچه – بصره به دلیل مسیر کوتاه‌تر و هزینه کمتر، بیشتر مورد توجه مسئولان قرار گرفته، اما راه‌آهن کرمانشاه – خسروی از نظر جغرافیایی ظرفیت نزدیکی دو پایتخت تهران و بغداد را دارد و از منظر راهبردی اهمیت بالاتری پیدا می‌کند.

وی افزود: مسیر ریلی کرمانشاه – خسروی مسیری بلندتر و سخت‌تر است، اما در صورت اجرای این پروژه، امکان توسعه صادرات و واردات، افزایش تبادل تجاری و دسترسی پایدار به بازار عراق فراهم خواهد شد. این موضوع به‌ویژه در راستای اهداف توسعه‌محور و گسترش نفوذ ایران در بازارهای عراق، از اهمیت بالایی برخوردار است.

شاهجویی تأکید کرد: با توجه به حجم تبادل زائر و کالایی که میان ایران و عراق در جریان است، هر دو پروژه ریلی شلمچه – بصره و کرمانشاه – خسروی باید با سرعت بیشتری پیش بروند تا منافع مشترک دو کشور هرچه زودتر محقق

و فنی بوده، اما در مورد راه‌آهن کرمانشاه– خسروی، حداقل در بخش داخلی تا مرز خسروی، هیچ مانع فنی یا سیاسی جدی وجود نداشته است. اگر شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور از منابع مالی کافی برخوردار بود، این پروژه می‌توانست تا امروز به بهره‌برداری برسد.

این کارشناس صنعت ریلی بی‌ام کرد: تعداد پروژه‌های عمرانی که در حال حاضر از بودجه دولتی‌ا ارتزاق می‌کنند، در مقایسه با حجم تخصیص واقعی بودجه، بسیار زیاد است. به همین دلیل، بودجه‌ای که برای هر پروژه در نظر گرفته می‌شود، بیشتر جنبه نگهداری دارد تا پیشرفت واقعی. در واقع، این بودجه‌ها صرفاً برای سرپا نگه‌داشتن کارگاه‌ها کافی است و پیشرفت محسوسی ایجاد نمی‌کند.

وی نسبت به فرآیند تخصیص بودجه هشدار داد و گفت: اگر با نرخ فعلی تخصیص بودجه بخواهیم پروژه‌های نیمه‌تمام زیربنایی کشور، اعم از ریلی و جاده‌ای، را تکمیل کنیم، این روند بیش از ۸۰ سال به طول خواهد انجامید. بنابراین، چاره‌ای جز حرکت به سمت شیوه‌های نوین تأمین مالی نداریم. جذب سرمایه‌گذاری غیردولتی، مشارکت‌های عمومی–خصوصی، و عرضه سهام پروژه‌ها به مردم، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند روند اجرا را تسریع کند.

شاهجویی تصریح کرد: پروژه راه‌آهن کرمانشاه – خسروی در صورت تزریق یک‌جای منابع مالی، ظرف ۲ تا ۳ سال قابل تکمیل است. در این صورت، بخش قابل‌توجهی از تجارت ایران با عراق و جابه‌جایی زائران می‌تواند از این مسیر انجام شود. این موضوع علاوه بر گسترش مناسبات اقتصادی با عراق، آثار ملموسی بر اقتصاد داخلی کشور خواهد داشت؛ از جمله کاهش مصرف سوخت، کاهش تلفات جاده‌ای، و بهره‌وری بالاتر در حمل‌ونقل کالا و مسافر.

وی تأکید کرد: هر پروژه زیربنایی باید متناسب با ماهیت و ظرفیت اقتصادی خود، دارای مدل تأمین مالی اختصاصی باشد. پروژه کرمانشاه – خسروی به‌ویژه به دلیل بازدهی تجاری بالقوه، توجیه اقتصادی بالاتری نسبت به برخی پروژه‌های گذشته دارد.

شاهجویی با اشاره به تجربه راه‌آهن تهران – همدان گفت: زمانی که این پروژه در دست ساخت بود، بسیاری از کارشناسان تأکید داشتند که این مسیر از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر نیست، اما با بودجه دولتی تکمیل شد. با این حال، حتی امروز هم با گذشت یک دهه از بهره‌برداری، پروژه تهران – همدان به سوددهی کامل نرسیده است.

وی در پایان بیان کرد: با وجود این شرایط، برخی از نمایندگان مجلس به دنبال اجرای طرح برقی‌سازی خط ریلی تهران – همدان هستند، در حالی که با هدایت همین منابع به پروژه کرمانشاه – خسروی، هم می‌توان ظرفیت مسیر تهران – همدان را به حداکثر رساند و هم دسترسی موثرتری به بازار عراق ایجاد کرد.

سخن پایانی

همچنین از سوی دیگر نزدیک‌ترین پایتخت کشورهای همسایه به تهران، بغداد است و عراق مهم‌ترین شریک تجاری ایران در منطقه محسوب می‌شود. از این رو برقراری ارتباط ریلی بین دو کشور، با توجه به حجم بالای بار و مسافر و زائران، کاملاً ضروری است.

روستا بازارهای سندج گامی برای توسعه پایدار

واسط میان تولید و مصرف، تحولی در اقتصاد روستایی ایجاد کنند.

■ **نقش کلیدی روستا بازار**

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان در گفت‌وگو با مهر گفت: روستا بازارها می‌توانند نقشی کلیدی در ارتقای سطح معیشت و اقتصاد خانوارهای روستایی داشته باشند.

سعدی نقشبندی افزود: این مراکز را فرصتی برای توانمندسازی جوامع محلی و احیای فرهنگ تولید بومی دانست.

وی تصریح کرد: هدف از راه‌اندازی این بازارها، حمایت واقعی از تولیدات محلی، عرضه مستقیم محصولات سالم و ارگانیک و همچنین کاهش روند مهاجرت از روستا به شهر عنوان شد.

■ **بستر ارائه تولیدات کشاورزی**

وی با اشاره به کاهش نقش واسطه‌ها در فروش محصولات، افزود: این



گروه استان‌ها

editor@smtnews.ir

پاکسازی ۳۷ هکتار

زمین آلوده در کهریزک



علی کلهر در حاشیه عملیات اجرای طرح گسترده پاکسازی زمین‌های آلوده به ضایعات پلاستیکی در شهر کهریزک گفت: با هدف حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از گسترش آلودگی‌های زیست‌محیطی از جمله آلودگی آب، خاک و هوا، طرح گسترده پاکسازی زمین‌های آلوده به پسماندهای پلاستیکی در شهر کهریزک کلید

خورده است.

به گزارش خبرنگار **سمن** به گفته این مقام مسئول، این طرح از چند روز گذشته در محدوده حریم شهرداری تهران آغاز شده که شهرداری کهریزک به عنوان متولی اصلی، مأموریت پاکسازی این زمین‌ها را بر عهده دارد. در مجموع، ۳۷ هکتار از زمین‌های تصرف شده که محل دپوی ضایعات پلاستیکی و پسماندهای صنعتی بود، برای پاکسازی انتخاب و آزادسازی شد که پیش‌بینی می‌شود طی ۱۰ تا ۱۵ روز آینده این مناطق به‌طور کامل از وجود آلاینده‌ها پاکسازی شود.

کلهر در ادامه افزود: مناطق هدف این عملیات که با اخذ دستور قضایی و مشارکت تمامی دستگاه‌های اجرایی، امنیتی و نظارتی انجام می‌شود شامل قلعه شیخ، قلعه سید، مجیدآباد و شریف‌آباد هستند؛ مناطقی که طی سال‌های اخیر به مراکز تجمع و تفکیک غیرمجاز پلاستیک تبدیل شده بودند و مشکلات متعددی را در حوزه‌های محیط

زیست، بهداشت عمومی و سیمای شهری ایجاد کرده‌اند. شهردار کهریزک با اشاره به موضوع جمع آوری ضایعات پلاستیکی در کهریزک گفت: با اجرای این عملیات گسترده، گامی مؤثر در راستای بازگرداندن حق عمومی مردم و مقابله با خطرات زیست محیطی برداشته می‌شود. ما مصمم هستیم که با همکاری همه‌جانبه دستگاه‌های مسئول، چهره نازیبا ناشی از فعالیت این مراکز غیرمجاز را از سیمای

شهر برداییم.

شهردار کهریزک گفت: تفکیک و انباشت غیرمجاز زباله‌ها سلامت مردم را تهدید کرده و چهره شهر را خدشه‌دار کرده است که اجرای این طرح جهادی می‌تواند با بازسازی ریه‌های شهر، نفس تازه‌ای به کهریزک بخشد. کهریزک باید شهری برای زندگی باشد، نه زباله گردی. این پیام را با اقدام فردا، به همه خواهیم رساند: که قانون در کهریزک اجرا می‌شود.

شنبه‌های سرمایه‌گذاری

مریم مهدیان - تمرکز شرکت آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری بر توسعه نیروگاه‌های برق‌آبی کوچک و ظرفیت‌سازی گردشگری آبی با هدف جذب سرمایه‌گذار کلید خورده. به گزارش خبرنگار **سمن** از شهرکرد این شرکت در راستای تحقق سیاست‌های کلان کشور در زمینه بهره‌برداری بهینه از منابع آب و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، اقدام به تدوین و اجرای برنامه‌های هدفمند برای توسعه نیروگاه‌های برق‌آبی کوچک، شناسایی ظرفیت‌های آبی، و بسترسازی برای سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری آبی کرده است.

این برنامه‌ها در قالب بسته‌های سرمایه‌گذاری منسجم و کارشناسی‌شده، زمینه‌ای برای مشارکت فعال بخش خصوصی در طرح‌های درآمدزا و توسعه‌محور در استان چهارمحال و بختیاری فراهم می‌کند.

مسلم صادقی، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری در رابطه با اجرای این برنامه در سطح استان اظهار کرد: مطالعات گسترده‌ای در زمینه شناسایی ظرفیت‌های موجود برای احداث نیروگاه‌های برق‌آبی کوچک در سطح اسان انجام شده است.

وی افزود: این مطالعات با همکاری مشاوران تخصصی و با رویکرد توسعه پایدار و حفظ منابع زیست‌محیطی منطقه صورت گرفته‌اند. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری ادامه داد: در این طرح‌ها، اولویت با نقاطی است که دارای جریان دائم، اختلاف ارتفاع مناسب و زیرساخت‌های فنی اولیه برای احداث نیروگاه هستند.

صادقی عنوان کرد: در بسته‌های طراحی شده اطلاعات فنی، اقتصادی و حقوقی پروژه‌ها به‌صورت شفاف ارائه خواهد شد و آماده عرضه به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی گردد؛ این بسته‌ها شامل نقشه‌های محل اجرا، برآورد هزینه، پیش‌بینی درآمد حاصل از تولید برق و فرآیندهای قانونی مربوط به واگذاری زمین و مجوزهای لازم است.

وی اضافه کرد: در کنار برنامه‌ریزی برای توسعه انرژی پاک، شرکت آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری اقدام به شناسایی ظرفیت‌های آبی برای توسعه گردشگری نیز کرده است. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری تصریح کرد: منابع آبی همچون رودخانه‌ها، چشمه‌ها، مخازن سدها و مسیرهای طبیعی آب، دارای ظرفیت‌های منحصر بفردی برای فعالیت‌های گردشگری هستند که از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به ایجاد اسکله‌های تفریحی، کمپ‌های گردشگری، مسیرهای قایق‌سواری، امکانات ماهیگیری تفریحی و توسعه فضاهای طبیعت‌گردی اشاره کرد. صادقی یادآور شد: در این زمینه نیز بسته‌های سرمایه‌گذاری متنوعی تدوین شده‌اند که به‌صورت اجاره بستر رودخانه‌ها و مخازن برای دوره‌های مشخص، با در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی و حفظ منابع طبیعی منطقه، قابل واگذاری به متقاضیان هستند؛ این طرح‌ها با هدف ایجاد درآمد پایدار، توسعه اقتصادی جوامع محلی، و ارتقای جایگاه گردشگری استان طراحی شده‌اند.

وی بیان کرد: مشارکت بخش خصوصی در طرح‌های ذکر شده نه تنها منجر به رونق اقتصادی و اشتغال‌زایی در منطقه خواهد شد، بلکه گامی مؤثر در جهت کاهش وابستگی به منابع انرژی فسیلی، افزایش تاب‌آوری اقتصادی و زیست‌محیطی استان و ارتقای جایگاه استان چهارمحال و بختیاری به‌عنوان یکی از قطب‌های توسعه پایدار کشور خواهد بود. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری در پایان تأکید کرد این شرکت آمادگی دارد تا با برگزاری نشست‌های تخصصی، کارگاه‌های معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری، و ارائه مشاوره‌های لازم، مسیر ورود سرمایه‌گذاران به این حوزه‌ها را تسهیل کند.

سه‌شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴ - ۱۹ محرم ۱۴۴۷ - ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۵ - شماره ۲۸۵۰ - پیاپی ۴۱۶
منبع معدن تجارت
منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه‌ها www.smtnews.ir/about.html صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «سمن» مدیرمسئول: عاطفه خسروی سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶ ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی--۱۰۸) توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ تهران، خیابان قائم مقام فر اهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۸۱۱ روابط عمومی: pr@smtnews.ir چاپخانه: صمیم www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaa.com/smtnews https://ble.ir/smtnews عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات



وزیر نیرو چندی پیش در حاشیه بازدید از پروژه خط دوم آبرسانی سد طالقان

به بیلقان و تهران با بیان اینکه کشور خشکسالی‌های متوالی را پشت سر گذشته و هم‌اکنون نیز در سال‌های خشک و شرایط سختی قرار داریم، گفت: شاید در این زمینه تجربه کمتری در حافظه تاریخی کشور ثبت شده باشد به طوری که در ۴۵هـ گذشته خشکسالی به شدت امسال وجود نداشته باشد. در همین حال مدیرعامل آبفای تهران نیز سال‌آبی جاری را کم‌بارش‌ترین سال این استان در ۶۰سال اخیر عنوان کرد و از فراهم شدن نصب لوازم کاهنده مصرف در منازل مشترکان تهرانی با امکان پرداخت اقساط یک ساله خبر داد.

پیامد تغییر اقلیم دامن پایتخت را گرفت

محسن اردکانی مدیر عامل آبفای تهران با بیان اینکه تغییر اقلیم به یک موضوع جهانی تبدیل شده و سرزمین پهناور ایران به‌ویژه پایتخت نیز متأثر از دگرگونی‌های اقلیمی است، گفت: کاهش بارش‌ها، افزایش دما و تغییر در پراکنش مکانی و زمانی بارش‌ها از پیامدهای تغییر اقلیم است.

به گفته وی، متأثر از این موضوع، استان

تهران برای نخستین بار در دوره آماری درازمدت، پنجمین خشکسالی پیاپی را تجربه می‌کند و در این مدت، میزان بارش‌های سالانه به کمتر از میانگین بلندمدت (۲۸۰ میلی‌متر در سال) رسیده است.

وی افزود: میزان بارش‌های استان تهران در سال آبی جاری که حدود ۱۰ماه از آن سیری شده، به ۱۴۹ میلی‌متر یعنی حدود ۴۵درصد بارش‌های سالانه کاهش یافته و این میزان در مقایسه با سال کم‌بارش گذشته نیز ۳۵درصد افت داشته است.

اردکانی در گفت‌وگو با مهر حجم کنونی آب موجود در سدهای تهران را متأثر از کم‌بارش‌های سال‌آبی جاری، کمتر از ۲۰درصد اعلام و تصریح کرد: در چنین شرایطی مؤثرترین راهکار برای سازگاری با خشکسالی و کم‌بارشی‌ها، مدیریت مصرف و کاهش دست‌کم ۲۰درصدی در مصارف مشترکان است. وی اظهار داشت: سهم هر شهروند تهرانی بر اساس الگوی مصرف روزانه ۱۳۰لیتر تعیین شده حال آنکه متوسط مصرف هر شهروند تهرانی هم‌اکنون ۲۵۰لیتر در شبانه‌روزی است و کاهش دست‌کم ۲۰درصدی مصرف در گذر از شرایط سخت

سه‌شنبه

۲۴ تیر ۱۴۰۴ - ۱۹ محرم ۱۴۴۷ - ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۵ - شماره ۲۸۵۰ - پیاپی ۴۱۶



کارتون روز



طرح: حسین علیزاده

« مناسبت

روزی برای «تأمین اجتماعی»

سازمان بهزیستی کشور، به موجب لایحه قانونی سال ۱۳۵۹ در جهت تحقق مفاد اصول ۳، ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در زمینه تحقق عدالت اجتماعی تشکیل شده است.

سازمان تأمین اجتماعی یک سازمان بیمه‌گر اجتماعی است که مأموریت اصلی آن پوشش کارگران مزد و حقوق بگیر (به صورت اجباری) و صاحبان حرف و مشاغل آزاد (به صورت اختیاری) است. براساس قانون، سازمان تأمین اجتماعی یک سازمان عمومی غیردولتی است که بخش عمده منابع مالی آن از محل حق بیمه‌ها (با مشارکت بیمه شده و کارفرما) تأمین می‌شود و متکی به منابع دولتی نیست. به همین دلیل، دارایی‌ها و سرمایه‌های آن متعلق به اقشار تحت پوشش در نسل‌های متوالی است و نمی‌تواند قابل ادغام با هیچ یک از سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا غیردولتی باشد.

تکیه‌گاه اصلی سازمان تأمین اجتماعی مشارکت سه‌جانبه کارفرمایان، بیمه‌شدگان و دولت در عرصه‌های مختلف سیاستگذاری، تصمیم‌گیری‌های کلان و تأمین منابع مالی است. اصول و مبانی بیمه‌گری این سازمان به نحوی تنظیم شده که بین اهداف اصلی آن با اهداف کلان نظام اقتصادی کشور همسویی کامل وجود دارد.

تعهدات سازمان تأمین اجتماعی برابر استانداردهای تعیین شده به وسیله سازمان بین‌المللی کار و سازمان بین‌المللی تأمین اجتماعی تنظیم شده و بالاترین حد این استانداردها را در بر می‌گیرد. چگونگی تحقق این تعهدات و ارائه خدمات به وسیله این سازمان را قانون معین کرده است. مهم‌ترین تعهدات و خدمات سازمان تأمین اجتماعی بر مبنای قانون تأمین اجتماعی و مقررات مربوط به آن عبارتنداز:

- حمایت در برابر حوادث، بیماری‌ها و بارداری
- مستمری بازنشستگی
- مستمری از کارافتادگی
- مستمری بازماندگان
- مقرری بیمه بیکاری
- غرامت دستمزد ایام بیماری
- پرداخت هزینه وسایل کمک پزشکی
- کمک هزینه ازدواج

خدمات بهزیستی در سه بخش به نیازمندان و مدد جویان عرضه می‌شود:

- امور فرهنگی و پیشگیری:** در این بخش دو دفتر فعالیت می‌کنند، دفتر آموزش و پژوهش و دفتر پیشگیری از معلولیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی.
- امور اجتماعی:** در این بخش، کار از پیچیدگی برخوردار است. بازآموزی و بازپروری گروه‌هایی چون معتادان، متکدیان، زنان ویژه، فرزندان و زنان بی‌سرپرست و مانند اینها نیازمند مشارکت عمومی و یاری همه جانبه است، به این منظور باید مربیان، روانشناسان و مددکاران اجتماعی وزیده به کار گرفته شوند.

- خدمات امور توانبخشی:** از طریق دفاتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین، توانبخشی حرفه‌ای و دفتر توانپزشکی، پیراپزشکی و وسایل توانبخشی به معلولین جسمی و ذهنی، خدمات توانبخشی ارائه می‌شود. دریافت‌کنندگان خدمات از این بخش، نابینایان، ناشنوایان و معلولان جسمی – حرکتی هستند. افراد دارای معلولیت ذهنی با توجه به بهره هوشی به سه گروه عمیق (ایزوله) تربیت بدنی و آموزش پذیر تقسیم می‌شوند. همچنین معلولین جسمی و ذهنی توام که از بدترین نوع معلولیت‌ها است، زیر پوشش این بخش از سازمان بهزیستی هستند.

عوامل پیدایش تأمین اجتماعی

اختلاف شرایط، امکانات، ویژگی‌های طبیعی، چگونگی نظام‌های حاکم بر اجتماعات و استعدادهای افراد، ایجاب می‌کند که زندگی همه انسان‌ها، در یک سطح نباشد و همگی نتوانند از درآمد مساوی برخوردار باشند. از دیرباز، بشر شاهد محرومیت‌ها و کمبودهای فراوانی بوده است؛ بیکاری، بیماری، نقص عضو، سوانح و حوادث را بر پیکر برخی هم نوعان احساس می‌کرد و رنج می‌برد و برای درمان آن، راه‌های مستقل و محترمانه‌ای را جست و جو و ارائه می‌کرد که یکی از آنها «تأمین اجتماعی» است. به طور کلی، وجود سه عامل، زمینه پیدایش «تأمین اجتماعی» را در دنیا فراهم آورده است: اول، نفع شخصی و اهمیتی که هر فرد برای منافع خود قائل است؛ دوم، احساس خیرخواهی و نوع دوستی؛ سوم، احساس سرنوشت مشترک که می‌توان از آن به احساس صنفی نیز تعبیر کرد.

بحران خبر نمی‌کند!

جنگ اخیر باوجود مشکلات و آسیب‌هایی که برای حوزه سلامت به دنبال داشت، اما با درس آموخته‌هایی نیز همراه بود که می‌توان با تقویت نقاط ضعف، برای مواجهه با تکرار «شرایط بحرانی»، آماده بود.

حوزه سلامت در شرایط بحرانی باید از آمادگی لازم برای ارائه خدمات به مردم برخوردار باشد، زیرا با وقوع شرایط بحرانی؛ نخستین محل ارجاع مصدومین و مجروحان حادثه، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی خواهند بود. بنابراین، وضعیت حوزه سلامت باید بیشتر مورد بازبینی و رصد قرار بگیرد تا مبادا در شرایط سخت و بحرانی دچار مشکل شود.

آزمون سخن سلامت

جنگ ۱۲ روزه اخیر، بهترین آزمون برای حوزه سلامت و مدیران و مسئولان مربوطه بود تا با کسب تجربه از آنچه رخ داد، بتوانند برای رویارویی با شرایط بحرانی، آماده شوند. در این بین، ذخیره اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی، مهم‌ترین موضوع مورد بحث در حوزه سلامت است. زیرا، برای مداوای مجروحان و مصدومان، به دارو و تجهیزات نیاز است. ضمن اینکه نباید از نیازهای دارویی مردم عادی نیز غافل شد.

ذخیره‌سازی ۶ ماهه دارو

حسین عبدلی عضو هیات رئیسه کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، با اشاره به مصوبه مجلس درباره ذخیره‌سازی ۶ ماهه دارو و تجهیزات پزشکی، گفت: بر اساس این مصوبه، سازمان غذا و دارو موظف به ایجاد ذخیره ۶ ماهه دارو و ملزومات پزشکی ضروری است و مجلس این مصوبه را در راستای اجرای بند الف ماده ۷۱ قانون برنامه هفتم توسعه و با هدف تأمین نیازهای دارویی کشور در شرایط اضطراری و جلوگیری از کمبودهای احتمالی تصویب کرده است.

وی افزود: ذخیره ۶ ماهه دارویی در مدیریت بهتر بحران‌ها بسیار مؤثر است و در صورت بروز حوادث غیرمتربقه مانند زلزله و سیل، این ذخیره می‌تواند به توزیع سریع و مؤثر داروها و ملزومات پزشکی در مناطق آسیب‌دیده کمک کند و در واقع این اقدام به حفظ سلامت مردم و تضمین دسترسی عادلانه به دارو و خدمات درمانی کمک می‌کند.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، با تأکید بر اینکه ارائه خدمات دارویی به مردم در تمامی زمان‌ها باید به صورت مستمر و بدون وقفه انجام شود، گفت: امیدواریم این هماهنگی‌ها و تمهیدات سبب شود که در هر شرایطی مردم به داروهای مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند و از وقوع اختلال در خدمات جلوگیری شود.

فرصتی برای تجدید قوا

علیرضا چیدری، رئیس انجمن صنفی تولید، تأمین، توزیع و صادرکنندگان تجهیزات پزشکی و دارویی، اظهارکرد: مسئولان سازمان غذا و دارو، باید به این نکته توجه داشته باشند که آتش بس، صلح نیست و البته جنگ هم نیست؛ بلکه فرصتی است که برای هر دو مقطع تقویت شویم.

وی افزود: روند دسترسی مردم به دارو نسبت به روزهای قبل از حمله رژیم صهیونیستی، به دلیل توزیع شبانه روزی و مویرگی و کاهش مراجعه مردم به پزشکان، تسریع شده بود. چیدری تأکید کرد: نتایج رصد، پایش و انبارش کالاهای تجهیزات پزشکی و دارو نشان داد که هیچ کمبود دارویی و تجهیزات پزشکی وجود نداشت.

توان نظام سلامت

مصطفی قانع‌ی عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی ایران، با اشاره به تجربیات گذشته و توانمندی‌های فعلی نظام سلامت کشور، گفت: در دوران جنگ تحمیلی، جامعه پزشکی با تشکیل تیم‌های اضطراری، بهترین خدمات را به مردم ارائه دادند. مشابه همان روحیه و آمادگی در دوران مقابله با کرونا و نیز جنگ اخیر نشان داد که نظام سلامت ما از بلوغ کافی و علم و فناوری روز بهره‌مند است.

وی افزود: نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اعتماد مردم به نظام سلامت بسیار بالا است و این اعتماد، بزرگ‌ترین سرمایه ملی و افتخار کشور است. همان‌گونه که در بحران‌های پیشین، این سیستم کارآمد عمل کرد، در جنگ اخیر نیز نقش کلیدی داشته است.

تصمیم‌گیری در شرایط خاص

مهدی پیرصالحی رئیس سازمان غذا و دارو گفت: تجربه‌های مختلف نشان می‌دهد که در شرایط خاص، ساختارهای تصمیم‌گیری چابک‌تر و ساختارهای پشتیبانی و لجستیک دارویی و تجهیزات پزشکی با سرعت و جدیت بیشتری فعال می‌شوند.

حتی در بسیاری موارد، دسترسی به دارو و تجهیزات پزشکی در این شرایط مؤثرتر از دوران عادی صورت می‌گیرد. به همین دلیل، تقویت زنجیره تأمین، توسعه ذخایر استراتژیک و طراحی سازکارهای واکنش سریع در این حوزه، از اولویت‌های اصلی سازمان غذا و دارو است.

هشدار به زیرساخت‌های سلامت

سید محمد جمالیان عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، یادآور شد: تجربه جنگ ۱۲ روزه، یک هشدار جدی برای ما بود که زیرساخت‌های سلامت کشور در مواجهه با بحران‌ها بسیار شکننده است در این رابطه ضروری است نوسازی بیمارستان‌ها، تجهیز اورژانس، تأمین نیروی انسانی و اجرای واقعی پدافند غیرعامل به‌سرعت در دستور کار دولت و مجلس قرار گیرد؛ تأخیر در این امور، بهای سنگینی برای کشور خواهد داشت.

سخن پایانی

به نظر می‌رسد، حوزه سلامت در زمینه تأمین دارو و تجهیزات، تا حدود زیادی نمره قبولی گرفته و توانسته در جنگ ۱۲ روزه، سربلند باشد. اما، نباید فکر کرد که دیگر قرار نیست با شرایط بحرانی مواجه نشویم؛ زیرا، بحران خبر نمی‌کند!